

دربارهٔ
مسئلهٔ ارضی و جنبش دهقانی
در ایران

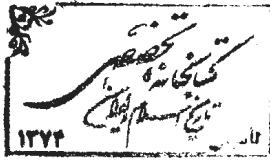
امیرنیک آیین



قیمت ۷۰ ریال

انگیزات سازمان جوانان و دانشجویان و کربلت ایران







تهران - خیابان نصرت شماره ۷۱

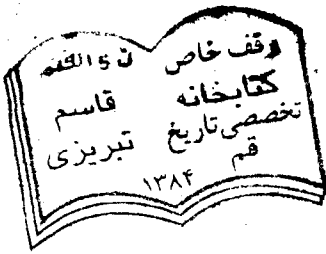
دربارهٔ مسئلهٔ ارضی و جنبش دهقانی در ایران

نوشته: امیر نیک‌آئین

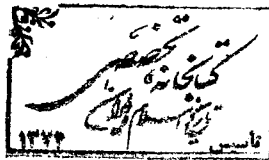
انتشارات: سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

چاپ اول: ۱۳۵۹

حق چاپ و نشر محفوظ است.



دربارهٔ مسئله ارضی و جنبش دهقانی در ایران



- ۱- مهاجرت روستائی..... ۵
- ۲- سلسله پهلوی، املاک زراعتی، دهقانان..... ۳۲
- ۳- حزب توده، ایران در دفاع از منافع طبقاتی دهقانان زحمتکش
و به خاطر حل بنیادی مسئله، ارضی..... ۵۴
- ۴- شیوه سرمایه داری و اصلاحات ارضی و نمونه، مشخص آن در ایران..... ۷۸
- ۵- مبارزه دهقانان ایران اوج می گیرد..... ۹۶
- ۶- اجرای پیگیرتر و قاطع قانون اصلاحات ارضی به بروز خصلت
ضدامپریالیستی و خلقی و دمکراتیک انقلاب ایران کمک خواهد
کرد..... ۱۳۲



مهاجرت روستایی



مهاجرت روستایی

مهاجرت دهقانان از خانه و کاشانه خود، ترک ده و آوارگی در شهرها یک مسئله حاد جامعه ما و تقریباً "مبتلا به همه دهات است .

خانه خرابی و مهاجرت روستائیان به شهرها مهمترین جزء مسئله مهاجرت در کشور است که خود یکی از حادترین مسائل مربوط به جمعیت - دموگرافی - است .

حدت و عمق مسئله در سالیان اخیر ابعاد تازه ای یافته است . بر زمینه علل قدیمی مهاجرت روستائی و در شرایط حفظ این علل آنچنان انگیزه های تازه ای پدید آمده است که خود زندگی مسئله

راجه از نظر وسعت بی سابقه و دورنمای تکامل آن وجه از نظر دردناکی تضادهای درهم پیچیده آن بطور جدی مطرح کرده است .

علل واقعی مهاجرت روستائی در شرایط مشخص امروزی ایران متعدد است و در عمل مهاجرت روستائی وارد مرحله کیفاً جدیدی شده است . در حقیقت دورانی که کشور ما از سر می گذرانند و تحولات ده ساله اخیر در کیفیت و در کمیت پدیده مهاجرت روستائی تغییرات اساسی ایجاد کرده است . مهاجرت روستائی نتیجه ناگزیر مناسبات تولیدی یعنی پدیده های است عینی که باید به فانونمندی - های آن چه در حال حاضر وجه در دورنمای تکامل آینده توجه کرد تا به وظایف ناشی از آن برای نیروهای مبارز پی برد .

تحلیل چگونگی و علل مهاجرت روستائی همچنین جز در پرتو یک برخورد طبقاتی ممکن نیست . چنین برخوردی می تواند تمام فجایع و دردناکی های ناشی از مهاجرت روستائی را که در شرایط فعلی ناشی از تسلط رژیم ضد خلقی و ضد دمکراتیک است روشن کند و معلوم دارد که این روند ناگزیر و عینی ، چگونه در شرایط رژیم دیکتاتوری کنونی ، با وابستگی های نواستعماریش و سیاست تسریع رشد سرمایه داری ، با دستگاه فاسد دولتی و خودسری ها و بی بندوباری اش ، در رژیمی که جهت عمده تصمیمات و اقداماتش حمایت از استثمارگران و دشمنی با منافع حیاتی طبقاتی زحمتکشان شهر و ده است می تواند فلاکت اقتصادی ، ناهنجاری اجتماعی و فاجعه های انسانی به وجود آورد .

وضع وحدت مهاجرت روستایی

اگرچه آوارگی و مهاجرت روستائی پدیده تازه ای نیست ، ولی وضعی که در حال حاضر این پدیده پیدا کرده ، با شکل و دامنه کنونی آن ، از نظر کمی و کیفی هر دو ، پدیده نوئی است .

حالا دیگر کلمات "سیل"، "موج"، "هجوم" بیش از پیش برای بیان وضع فعلی به کار برده می شود.

مهندس علی محیط کارشناس اقتصاد کشاورزی می نویسد:
"دهقانان بالاجبار دست از کارهای کشاورزی کشیده، برای امرار معاش به شهرها هجوم می آورند که این خود مشکل بزرگی فراهم کرده است" (۱). آقای امیری خبرنگار روزنامه اقتصادی بورس می نویسد: "سیل مهاجرت شهرستانی ها و دهات بیشتر جلب توجه نموده و خساراتی که بخاطر عزیمت آنها متوجه کشور می گردد به مراتب بیشتر است" (۲). تهران اکونومیست معتقد است:
"مهاجرت روستائیان به شهرها... خطر عمده به شمار می رود" (۳).

بررسی های اداره کل مطالعات نیروی انسانی و آمار وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی حاکی از آن است که در سال ۱۳۴۳ عده کل مهاجران کشور ۴/۳ میلیون نفر بوده. در سال ۱۳۳۵ تعداد مهاجران ۲/۱ میلیون نفر اعلام شده بود، یعنی در مدت ۸ سال تعداد مهاجران بیش از دو برابر شده و از ۱۱٪ کل جمعیت به ۱۸/۷٪ آن رسیده است (۴). آمار تحقیقی مزبور حاکی است که ۴۵ درصد مهاجران از روستاها به شهرها و ۳۴٪ مهاجران از دهات بزرگتر (که با ضوابط مخصوص این بررسی، شهر نامیده شده اند) به شهرهای بزرگ مهاجرت نموده اند. یعنی ۷۹٪ عده کل مهاجران را می توان مهاجران روستائی دانست.

پدیده ای که تازگی و اهمیت دارد این است که شهرهایی که خود سابقاً مبداء مهاجرت بودند بتدریج به میزان روزافزونی به شهرهای مهاجرپذیر مبدل می شوند. مهمترین شهرهای مهاجرپذیر (بطور عمده از دهات اطراف خود) به ترتیب عبارتند از: اهواز، بندرعباس، خرم آباد، رشت، رضائیه، زاهدان، ساری، سنندج، شیراز، کرمان، کرمانشان، مشهد.

برخی پدیده‌های اجتماعی نظیر آنکه طی ده سال ۱۳۴۵-۱۳۳۵ به تعداد شهرها ۷۲ شهر اضافه شده (۲۷۱ درمقابل ۱۹۹) و اینکه ۸۱% کل خانه‌های اجاره‌ای کشور در شهرها متمرکز است، از جانب کارشناسان "ناشی از مهاجرت شدید جمعیت به طرف شهرها" ارزیابی شده است. همین کارشناسان می نویسند: "جمعیت مهاجر از روستاها به شهرک‌ها و از شهرک‌ها به شهرها، دربرخوردباشهر و اندکی پس از تهیه کار در صد بر می آیند تا خانواده خود را کوچ داده و به شهر بیاورند" (۵). حقیقت این است که تنها تعداد کمی از مهاجران می توانند کاری برای خود دست و پا کنند و در اکثریت مطلق موارد بی کاری و نیمه بی کاری وجدائی خانواده‌ها سالها ادامه می یابد.

برای تشریح مهاجرت روستائی جهت دیگری رانیز بساد آآور می شویم و آن مهاجرت از روستا به روستا است. این پدیده بر اثر خانه خرابی و فقر شدید دهقانان از یک سو و گسترش بهره‌کشی به شیوه سرمایه‌داری در کشاورزی و نیاز به بازوی کار در برخی مناطق کشور از سوی دیگر به وجود آمده و کم کم در حال گسترش است. عده کثیر دهقانان بلوچ و سیستانی که در مزارع زمینداران بزرگ در گرگان و دشت جان می کنند، گروه‌هایی از دهقانان یزدی و کرمانی و سیستانی که در خوزستان به کارگر کشاورزی بدل شده‌اند نمونه‌هایی از این پدیده است.

آمار رسمی نشان می دهد که طی ده سال اخیر ۱۳۳۹-۱۳۴۹، به جمعیت شهری ۶۳/۴% و به جمعیت روستائی تنها ۲۳/۴% افزوده شده است. آمار موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران حاکی است که تهران نیمی از رشد سالانه ۶% جمعیت خود را مدیون مهاجران شهرستانی است" (۶).

روشن است که جهت عمده در مسئله مهاجرت، دروضع کنونی

ایران ، مسئله مهاجرت روستائیان به شهرهاست .

هفتو نامه سحر می نویسد: "درده سال پیش از جمعیت ۱۹ میلیونی ایران ۷۳٪ در دهات زندگی می کردند. امروز (سال ۴۸) از ۲۷ میلیون جمعیت ۶۱٪ در دهات زندگی می کنند" (۷). آخرین ارقام مربوط به سال ۱۳۵۰ حاکی است که از جمعیت سی میلیونی ایران تنها ۳/۵۹٪ را ساکنان دهات تشکیل می دهند (۸). اینهاست واقعیات آماری درباره دامنه ، حدت اشکال و جهات مهاجرت روستائی . در پشت سر هر یک از این ارقام یک دنیا اشک و نومیدی ، یک دنیا فقر و درماندگی نهفته است . در اینجا یکی از حادثترین و دردناک ترین مسائل اجتماعی و انسانی ایران امروز تجلی می کند .

علل مهاجرت روستائی

قبل از آنکه بعلل واقعی مهاجرت روستائی بپردازیم ، بطور خلاصه نحوه برخورد رژیم و بیبانه ها و توضیحات سخنگویان آن را یادآوری کنیم . دامنه و حدت مسئله به آنجا رسیده که قابل انکار نیست و کارشناسان رژیم با آنکه با عباراتی نظیر "بیکاری فصلی و موسمی" می کوشند از اهمیت و مفهوم آن بکاهند باز ناچار به وجود بحران اشتغال درده اعتراف می کنند . برخی دیگـر "علاقه به زیارت و سفر" ، "زرق و برق شهر" ، "سکس و تماشای دختران شهری" ، "شهرگرایی بورژوائی مقلد" را علل مهاجرت قلمداد می کنند و اما مقامات رسمی این پدیده را گاه "موفقیت آمیز" (هویدا) ، گاه "مفید" (روحانی) ، گاه "بی مورد و مزاحم" (ولیان) می خوانند .

بررسی علل واقعی مهاجرت روستائی برای درک کیفیت نوین آن و اثبات اینکه این امر روندی عینی و در شرایط موجود تکامل

جامعه ناگزیر است ، ضرورت کامل دارد .

مهمترین و اساسی ترین علل مهاجرت روستائی عبارت است از اضافه جمعیت نسبی روستائی ، نه فقط بمعنای وجود بی کاری کامل بلکه در درجه اول بمعنای وجود بی کاری پنهان یعنی کم کاری صاحبان اشتغال از یک سو و رسوخ و گسترش مناسبات تولیدی سرمایه داری در کشاورزی از سوی دیگر که بتدریج موجب خانگی خرابی و خروج دهقانان از ده می شود .

ما در این مقاله بطور کلی و برای تسهیل مطالعه علل مهاجرت روستائی را در پنج گروه طبقه بندی می کنیم : الف) علل مربوط به بحران اشتغال روستائی ، ب) علل مربوط به رشد مناسبات سرمایه داری در کشاورزی ، ج) علل مربوط به چگونگی اصلاحات ارضی و عوارض آن ، د) علل اقتصادی بلافاصله ، ه) علل سیاسی .

الف یکی از علل اساسی مهاجرت ، اضافه جمعیت نسبی روستاها در نتیجه بی کاری پنهان است که در درجه اول بمعنای اشتغال ناکامل جمعیت فعال روستائی است . این عامل سالیان متمادی است که عمل می کند ، ویژه سالهای اخیر نیست ، مختص کشور ما هم نیست . مجله "شروت ملل" در این باره می نویسد :

"روستائیان دچار بی کاری مخفی هستند ، به علت بی کاری فصلی اغلب زارعین بیش از ۱۲۵ تا ۱۵۰ روز در سال کار نمی کنند" .

آمار وزارت کار حاکی است که "۵۵% مهاجران برای کارترک دیار می کنند" . کارشناسان این وزارتخانه می نویسند : "بدون شک اکثریت قاطع مهاجران افرادی هستند که در مناسبترین سن نیروی کار ، بر اثر بی کاری یابی کاری پنهان ، اقدام به مهاجرت کرده اند" (۹) . روزنامه آیندگان می نویسد : "نسبت جمعیت بی کار در نقاط روستائی دوبرابر نقاط شهری بوده است . از کل جمعیت فعال روستائی ۸/۷% بی کار فصلی و ۳/۱% در جستجوی کار گزارش شده اند .

بر روی هم در اکثر نقاطی که نرخ بی کاری بالا بوده، فعالیت کشاورزی، فعالیت غالب به شمار می آید^(۱۰). (سطح متوسط بی کاری در کشور طبق آمار ۴۷-۵/۹% بی کار فصلی و ۲/۳% بی کار در جستجوی کار می باشد).

بی کاری بطور کلی و از جمله بی کاری پنهان خود معلول مناسبات تولیدی حاکم بر روستا است. در شرایط تسلط مناسبات فئودال و یانیمه فئودال، رشد نیروهای مولده چنان ضعیف است که قادر نیست سطح کشت را در روستا و صنایع را در شهرها به حدی توسعه دهد تا از این راه بتوان نیروی کار اضافی را که در نتیجه افزایش جمعیت در روستا پدید می آید، تماما به کار گرفت. در شرایط تسلط شیوه تولید سرمایه داری نیز رشد نیروهای مولده، چه در شهر و چه در روستا، که با افزایش بهره دهی کارهمراه است نمی تواند تمام نیروی کار کشور را جذب کند و لذا بی کاری بیماری مزمن جامعه سرمایه داری است. در کشورهای نظیر ایران نفوذ و سلطه انحصارها نیز موجبات تشدید بی کاری را فراهم می آورد:

ب) علت اساسی و عمیق دیگر مهاجرت عبارت است از رشد مناسبات سرمایه داری در روستای ایران. کوشش تب آلودی که برای تشویق سرمایه داران مالک بعمل می آید، بکار بردن فعال سیستم اعتباری از جانب دولت برای اجرای این سیاست، چگونگی عمل صندوق توسعه کشاورزی، جلب سرمایه های انحصاری خارجی به کشاورزی ایران، آینده ای که برای شرکت های سهامی زراعی تدارک می شود و غیره، همگی برای تسریع گسترش مناسبات سرمایه داری در کشاورزی ایران انجام می گیرند.

برخی از طرق گسترش مناسبات سرمایه داری در روستای ایران را که موجب تشدید مهاجرت روستائی می شود یادآور می شویم:

۱- مکانیزه شدن کشاورزی - استفاده از ماشین آلات و تکنو-

لوژی احتیاج به بازوی کار را در مقیاس وسیع کم می کند و این امر باعث بی کاری می گردد.

مجله "تهران اکونومیست" معتقد است: "اگر مسئله مکانیزاسیون سرسری گرفته شود علاوه بر آنکه زارعین هستی خود را ز دست داده و نتیجه خوبی عایدشان نمی شود مسئله بی کاری نیز گریبانگیر آنها شده و اغلب کشاورزان به شهرها هجوم آورده و محیط های کشاورزی را تخلیه می نمایند" (۱۱).

این نکته را ناگفته نگذاریم که مهاجرت روستائی در ایران دارای این ویژگی نیز هست که این مهاجرت معلول کمبود زمین و یا عوامل دموگرافیک حادث نیست. مکانیزاسیون کشاورزی خود به خود موجبات بی کاری را فراهم نمی آورد. فقط در شرایط اجتماعی سرمایه داری است که آثار شی تولید و نا هماهنگی رشد رشته های مختلف باعث بی کاری و تشدید آن می گردد. در شرایط یک حکومت ملی و دمکراتیک میتوان با برنامه ریزی تمام رشته های فعالیت اقتصادی و توزیع هماهنگ نیروی کار از نیروی آزاد شده در نتیجه مکانیزاسیون کشاورزی طبق برنامه معین در سایر رشته های تولیدی و اجتماعی استفاده نمود.

۲- شرکت های کشت و صنعت - ایجاد قطب های تازه ای که یکی از آماج های اساسی سیاست کشاورزی دولت است بنا به ماهیت خود یعنی تمرکز زمین ها و وسائل کشت، نیاز هزینه کمتری به بازوی کار دارد. این قطب ها که بویژه در دست سرمایه های انحصاری امپریالیستی متمرکز می شوند نه تنها در جذب جمعیت اضافی دینفع نیست، بلکه خود عاملی در ایجاد و راندن این بازوی کار "زائد" است. از هم اکنون بسیاری از دهقانان اطراف دزفول و خوزستان رانده شده اند تا شرکت های بزرگ جای آنها را بگیرند. در طرح آبیاری نیمی از بهترین زمین های زراعتی را (۲۲ هزار هکتار زمین در تقریباً ۵۰

ده) که درمرخله اول ودوم اصلاحات ارضی به دهقانان فروخته شده و یا به اجاره داده شده بود ازدستان خارج ساخته اند. آئیندگان در شماره ۲۲ آبان ۱۳۴۷ نوشت: "اراضی درمحدوده طرح های کشت و صنعت قیمت گذاری و از طرف دولت خریداری می شود و برای زارعینی که بعد از فروش زمین بی کار می شوند، کار مناسبی در نظر گرفته خواهد شد". اکنون که بیش از سه سال از آن زمان می گذرد معلوم شده که این "کار مناسب" عبارت است از، مهاجرت و گرسنگی خوردن و در بهترین حالات آن ماشین پائی و بلیط فروشی و گدائی در شهرها.

از سوی دیگر این قطب ها اگر نیاز به بازوی کار مقاوم و سخت کوش داشته باشند به انتقال جمعی و برده وار از نقاط دیگر نیوز دست می زنند. قدرت کار و مقاومت دهقانان سیستان و بلوچستان معروف است و سرمایه داری تازه به دوران رسیده و حریص در گرگان مزه غارت آنان را چشیده و از قبل آن پول پارو کرده است. این است که اکنون یکی از سرمایه داران بزرگ ایران همراه با عده ای بانکها و شرکت آمریکائی و ژاپنی در کنار بنیاد پهلوی "قسمتی از زمینهای زیر سد محمد رضا شاه را از دولت اجاره نموده تا به کشت و صنعت بپردازد و دو بیست خانوار کشاورز سیستانی را از دیار خودشان به خوزستان کوچ داده ... تاروی زمین های او به کشاورزی مشغول شوند" (۱۲).

۳- طبق قوانین خاصی که برای تسهیل رسوخ مناسبات سرمایه داری در کشاورزی تدوین شده، دولت علنا "قانونا" حق دارد که بدون آنکه منتظر عمل تدریجی قوانین عینی اقتصادی شود، دهقانان را از زمین ها براند، از این قبیل است:

- قانون بهره برداری از اراضی زیرسدها - که طبق آن کافی است ضرورت تصرف اراضی برای تاسیس شرکت های کشت و صنعت به

تصدیق برسد تا دهقانان از این اراضی رانده شوند. ماده چهارم قانون اجازه می دهد که "اراضی زیرسد که به اشخاص تعلق دارد خریده شود".

- آئین نامه خرید اراضی مورد نیاز واحدهای صنعتی و کشاورزی - مواد ۱ و ۲۴ و ۲۵ این آئین نامه برای خارج کردن زمین از تصرف دهقان هرگونه دستاویزی در اختیار کسانی که در واحدهای صنعتی و کشاورزی سرمایه گذاری می کنند، می گذارد.

- قوانین مربوط به اراضی ساحلی - امکانات فراوانی در اختیار صاحبان سرمایه و نفوذ قرار می دهد تا به آسانی بتوانند دهقانان این اراضی را بیرون کنند.

- قوانین و آئین نامه های مربوط به طرح های ازدیاد محصول و کشت فرآورده های خالص - تاکنون در مورد دانه های روغنی، پنبه، چای، نیشکر، برنج، چغندر قند، گندم و غیره از اینگونه طرح ها در نواحی مختلف اجرا شده است. اجرای این طرح ها که با نظارت و وام و بذر و احتمالاً کود و ضد آفات و شرایط خاص همراه است برای بیرون راندن دهقان شرایط مساعد به وجود می آورد. یکی از نتایج این طرح ها وابسته کردن مستقیم دهقانان به سیستم سرمایه داری صنعتی و تجارتي است. در موارد نظیر دانه های روغنی، چغندر قند، چای این نتایج از هم اکنون مشهود است.

ج اصلاحات ارضی یکی از علل عمده ای است که در کمیّت و کیفیت مهاجرت روستائی در شرایط کنونی موثر است.

۱- بی نصیب ماندن صدها هزار خانواده از دریافت زمین و از دست دادن امید زمین دار شدن انگیزه کم اهمیتی در ترک دیار نیست. دهقانانی که نسق زراعی نداشتند و از دریافت زمین محروم ماندند، صدها هزار خانواری که نسق کمی داشتند و یا شق

فدانسانی تقسیم به نسبت بهره مالکانه در مراحل دوم و سوم به آنها تحمیل شد و از قسمتی از نسق قبلی خود محروم شدند، دورنمای درخشانی در انتظارشان نیست. ماهیت ضد دمکراتیک اصلاحات ارضی و نحوه ضد دهقانی اجرای آن و مشکلات و ناراضی‌هایی که برای اکثریت دهقانان بی زمین و کم زمین ایجاد شده، عامل مهم یکی از مختصات مهاجرت در دوران کنونی است.

آقای گودرزی بدون اینکه مسئله را بشکافد، می نویسد: "بیکاری، مشکل جدید دردهات ... به موازات پیشرفت عملیات اصلاحات ارضی نضج گرفته ... و به شکل نگران کننده‌ای مانعی در راه پیشرفت فعالیت‌های سالم و منظم تولیدی ایجاد کرده است" (۳) آقای آملی در تحلیل نمونه ارضی سلطنتی می نویسد: "چون تقسیم زمین با ایجاد شرکت‌های وسیع زراعی همراه نبود در سال‌های بعد تعدادی از دهقانان مواضع مادی خود را تسلیم رباخواران شهری و استثمارگران ده نمود و مجدداً به صورت کارگر مهاجر درآمدند" (۱۴).

۲- زنجیر پرداخت‌های مختلف: قسط، اجاره بها، آب‌بها، بدهی‌ها، جرائم و دیگر پرداخت‌ها، چنان بردست ویای دهقانان زحمتکش سنگینی می‌کند و قطعه کوچک زمین دریافتی آنان چنان بی‌رمق و کم حاصل است که برای دهقانان امکانی برای پرداخت‌های تحمیلی و مافوق بنیه آنان باقی نمی‌گذارد. در موارد بسیار رهایی از این زنجیر جز بارها کردن این قطعه زمین و آوارگی در شهر ممکن نیست. در تهران و ورامین و گرمسار و تاکستان قزوین حتی دهقانان دارای ۴ تا ۵ هکتار زمین (بالاتر از حد متوسط) نیز بر اثر دشواری وضع و سنگینی بار اقساط و سایر پرداخت‌ها اراضی خود را رها کرده و به تهران و قزوین مهاجرت می‌کنند. دهقانان در ورامین عملگی درجاده‌ها را برداشتن ۴ تا ۵ هکتار

زمین و پرداخت قسط ترجیح داده اند. اعمال فشار وزارت (قبلاً سازمان) اصلاحات ارضی و ژاندارمری. برای وصول این پرداخت ها، حتی در سرخرمن ، موجب شده که دهقانان گروه گروه زمین خود را ترک کنند و آواره شهرها شوند. سنگینی پرداخت ها ، بویژه اقساط ، در سالهای آینده نیز بر شدت تأثیر خود خواهد افزود.

۳- یکی دیگر از علل مهاجرت روستائی که هنوز در آغاز تکوین است ولی در آینده بشدت عمل خواهد کرد و مربوط به نحوه اصلاحات ارضی است ، نقشه دولت درباره شرکت های سهامی زراعی است . طبق این نقشه که صریحاً "توسط شاه و سایر محافل رسمی اعلام شده در نظر است واگذاری و فروش سهام (زمینی) در داخل شرکت تا حدی انجام شود که هر سهامدار باقی مانده در شرکت سهامی زراعی معادل در حدود ۲۰ هکتار زمین آبی و یا ۴۰ هکتار زمین دیم داشته باشد. مقایسه بین مساحت زمین های هر شرکت و عده سهامداران در مورد شرکت هایی که تاکنون تشکیل شده نشان می دهد که عده کثیری از دهقانان واجد چنین شرایطی نیستند و "زائد" اند و در آینده مجبور به واگذاری سهام و ترک ده خواهند شد. مثلاً در صورت تامین حد نصاب مزبور در شرکت سهامی زراعی آریا (فارس) ۴۰ خانوار، در شرکت سهامی زراعی رزن (همدان) ۳۳۲ خانوار، در شرکت سهامی فرح پهلوی (کردستان) ۲۰۰ خانوار در شرکت سهامی رضا پهلوی (کرمانشاهان) ۳۰۰ خانوار، در شرکت سهامی فرحناز (خراسان) ۴۵ خانوار "زیادی" خواهند بود. یعنی اجرای این نقشه باعث خواهد شد که این عده سهام خود را از دست بدهند. ماده نهم قانون شرکت های سهامی زراعی راه را برای تبدیل عده کمی از سهامداران به صاحبان سهام بیشتر و پیدایش اقلیتی مرفه به حساب بی سهم شدن اکثریت هموار می کند. اجرای این قانون باعث تسریع مهاجرت های روستائی در آینده

خواهد شد. ولی هم اکنون اثرات آن آشکار است. به همین جهت نه فقط دهقانان زحمتکش هشیارانه با این شکل "شرکت" مخالفت نموده در برابر تمهیدات دولتیان مقاومت می کنند، بلکه کارشناسان نیز به عواقب آن واقفند. تهران اکونومیست می نویسد: "نباید فراموش کرد که این شرکت ها باعث خواهد شد که بیکاری آشکار در روستاها زیادتر شود" (۱۵). مجله بامشاد نوشت: "در این شرکت های سهامی... طبعاً تعدادی از کشاورزان که به امور فلاحی اشتغال داشتند در این رهگذر بیکار خواهند ماند" (۱۶).

د مهاجرت روستائی دارای یک سلسله علل اقتصادی بلافاصله نیز هست که ناشی از وضع بد زندگی دهقانان و سیاست ضد دهقانی رژیم است.

۱- یکی از عوامل مهم در این سلسله بدهی دهقانان است. بدهی به رباخوار و سلف خر و پیلهور، بدهی به بانک کشاورزی و شرکت های تعاونی و دیگر موسسات دولتی و بانکی. باربدهی بقدری سنگین است که بی شک به یکی از حادثه ترین مسائل ده ایران بدل شده و اغلب روستائیان وام جدیدی می گیرند تا اصل و فرع وام سال قبل را بپردازند. قبوض جریمه دیرکرد بانک، حتی درموقع سیل و زلزله نیز همراه با مأمور اجرا و زاندارم دهقانان را آرام نمی گذارد. جمع جرائم دیرکرد از اصل بدهی فراتر می رود. آخرین چاره برای نیفتادن به زندان عبارت است از رها کردن زمین، مهاجرت به شهر و پرداختن از درآمد کار تازه قرض دولت و بانک را. آقای ارسنجانی نماینده شهریار در جلسه هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۴۸ مجلس شورای ملی گفت: "اگر ملکسی هزار تومان می ارزد بانک سیصد تومان گرو می گیرد. به قول زارغین حالا کره از مادر جلو افتاده است. جریمه و ربح اندر

ربح بانک کشاورزی باعث تقریر زارعین مملکت می شود" (۱۷).
حتی عده‌ای از صیغی کاران گیلان (که وضعشان نسبتاً زیاد هم بد نبود) درست به همین علت که نمی توانستند بدهی خود را به بانک کشاورزی تأدیه کنند ده را ترک کردند. پراشخت‌گیری های بانک کشاورزی دولتی و بانک عمران سلطنتی و شرکت های تعاونی، اکثر دهقانان روزبه‌روز بیشتر در چنگال حریص و طماع رباخواران گرفتار می شوند. "سیستم استثمار رباخواران به مراتب شدیدتر و وحشیانه‌تر از ملاکین سابق است" (۱۸). دهقانان نخست محصول، بعد ااثا شیه و بالاخره زمین خود را هم به وام‌دهنده می دهند و ترک ده می گویند. یک دهقان مهاجر یزدی "که مثل همه مردهای ده" راهی تهران شده به واقعه نگار روزنامه آینه‌دگان می گوید: "سالی یک بار بدهی می روم. در مدت سال زخم از تاجر ده جنس می برد تا من عید به ده برگردم و بدهکاری را بپردازم... همیشه بدهکارم. هیچ وقت در این هفت سال بدهکاری ام از بس نرفته و سر بسر نشده‌ام" (۱۹).

۲- یک عامل دیگر در زمینه اقتصادی فقدان بازار فروش، ماندن محصول روی دست کشاورز، نوسان قیمت و گرانی محصولات صنعتی است. این عامل کمر دهقانی را که طاقت یک سال مقاومت ندارد می شکند. یک خواننده طی نامه‌ای که به مجله تهران اکونومیست فرستاده، چنین می‌نگارد: "کشاورز یک سال در زیر آفتاب، در بیابان و آفات طبیعت برای تولید جان می‌کند ولی وقتی محصول خود را به میدان می برد دچار کسالی می شود که محصولش را به نازل ترین قیمت از دستش در آورده... و ناچار است دست زن و بچه‌هایش را گرفته راهی شهر گردد که لااقل هر روز نان همان روز خود را در آورد" (۲۰). آقای حسن کاشانیان در کتاب خود "سرمایه‌گذاری کشاورزی در ایران" پس از بحث درباره

پراکندگی جمعیت و دوری بازار به این نتیجه می رسد که: چگونگی بهای محصولات کشاورزی نسبت به کالاهای صنعتی ارزان تر و بازده سرمایه کشاورزان کمتر است در این حال بتدریج زمین خود را ترک گفته به نقاط دیگری روی خواهند آورد" (۲۱).

۳- عامل فقر و تهیدستی و عقب ماندگی ده یکی دیگر از سلسله عوامل بلاواسطه در مهاجرت روستائی است. این عامل عسرت و تنگدستی که خود مستقیماً وابسته به استثمار طولانی اربابان غارتگر و وابسته به عوامل قبلی و بیکاری روستائی است، دهقان را وامی دارد که در جستجوی افق روشن تر و زندگی بهتری دست از خانواده و زادگاه بشوید و رهسپار دیار ناشناس گردید. فقر و بیکاری دولبه تیز گازانبری هستند که مستقیماً و بیرحمانه جان و سرنوشت رنجبران روستا را در هم می فشرد و آنها را به سوی مهاجرت سوق می دهند. اقدامات ده سال اخیر تغییری اساسی در این عامل پدید نیاورده و فقر سیاه همچنان یکی از وجوه مشخصه زندگی اکثریت مطلق دهقانان زحمتکش میهن ماست. در رابطه با این مسئله باید از فقدان وسایل اولیه زندگی انسانی، نبودن ابتدائی ترین خدمات ضرور در ده یاد کرد. در اکثردهات ایران برای معالجه افراد، برای تعمیر اشیاء برای وام گرفتن، برای درس خواندن، برای خرید اشیاء لازم، حتی برای نامه پست کردن و گاه حمام رفتن باید به شهر رفت. گروه پژوهشگر روزنامه آیندگان می نویسد: "شرایط نامساعد زندگی در دهات یکی از عوامل موثر در مهاجرت روستائیان به شمار می رود" (۲۲).

ه) مهاجرت روستائی بر اثر یک سلسله علل سیاسی نیز صورت می گیرد. رژیم که برای اجرای سیاست ضدملی و ضد دمکراتیک خود سازمان امنیت و ژاندارمری و ارتش را بر مردم زحمتکش و برجامعد

مستولی ساخته و نه تنها از موسسات تزییقی و اختناقی و دستگاه - های پرونده ساز، شکنجه‌گر و زورگوی خود بلکه از خانه انصاف و سپاه‌ها نیز برای جاسوسی و اعمال زور و ارباب استفاده می‌کند، چنان عرصه را بر دهقانان تنگ می‌کند که بسیاری از آنها مجبور به ترک محیط ده می‌گردند. متواری شدن، اقامت اجباری، اخراج به زور بر شدت مهاجرت می‌افزاید.

متواری شدن دهقانان معمولاً مرحله قبل از قطع رابطه دائمی با ده است. علت متواری شدن نیز بسیار است. علاوه بر عوامل اقتصادی، مقاومت در برابر ژاندارم‌ها و تسلیم نشدن به انواع زورگویی‌ها و حق‌کشی‌ها منجر به آن می‌شود که صدها و صدها دهقان از محیط ناامن و تحت پیگرد متواری شوند و مجبور به ترک خانواده خود گردند. در سالیان اخیر که فشار ژاندارم‌ها و دسایس سازمان امنیت افزایش یافته متواری شدن بعلل سیاسی پیش از گذشته در روستاهای ایران دیده می‌شود.

دولت بعلل مختلف اقتصادی و سیاسی افراد و گروه‌هایی از دهقانان را مجبور می‌کند که در منطقه خاصی اقامت کنند و زیر نظر باشند. علت این اقامت اجباری اغلب "نافرمانی" و "تخلف" دهقانان، مبارزه با جوخه ژاندارم و ماموران سازمان امنیت است. مثلاً مناسبت "جشن سلطنت شاهنشاه" وزارت کشاورزی در روز ۲۴ شهریور ۱۳۴۴ اعلامیه‌ای توسط رادیو تهران منتشر کرد که طبق آن "بمناسبت جشن ۲۵ شهریور آن دسته از روستائیان... که تا این تاریخ به تصویب کمیسیون امنیت اجتماعی به اقامت اجباری در نقاطی غیر از محل سکونت خود موظف شده‌اند در صورتی - که به مراجع انتظامی تعهد سپارند که منبعد... مرتکب تخلف و گناهی نشوند مورد عفو... قرار گرفته و می‌توانند به محل سکونت دائمی خود مراجعت نمایند". و اینک نمونه‌ای از "تخلف و گناه"

که منجر به تبعید و اقامت اجباری شده از زبان خود دهقانان :
"جان نثاران قراء آشناخور، قلعه رضاآباد و حسین آباد از توابع
الیکودرز، تعداد پنج نفر از نمایندگان ما را به واسطه ادعای
حق قانونی که تقسیم دهات مازاد بر حد نصاب می باشد، بیه
دستیاری مالک به شش ماه تبعید و به فردوس روانه... کردند" (۲۳)
اخراج دهقانان از ده یکی از عوامل مهاجرت به شهرهاست.
اخراج نیز به بهانه های مختلف صورت می گیرد.

(و) برای آنکه تا بلوی علل مهاجرت روستائی را تکمیل
کنیم ، به دو علت دیگر نیز اشاره می کنیم :

یک سلسله عوامل طبیعی مانند سیل و خشکسالی و زلزله و غیره
(در شرایط دهات ایران که فاقد وسائل اولیه زندگی و مصالح
مقاوم هستند و امکان روبروشدن با این سوانح را ندارند و در
حالی که پس از سانحه کمک فوری و موثر از جانب دولت به عمل
نمی آید) بنوبه خود موجب مهاجرت روستائیان می شود. عمده
زیادی از دهقانانی که موقتاً از زلزله قزوین و خراسان و از
سیل آذربایجان و از خشکسالی سیستان و بلوچستان گریخته بودند
اینکه به مهاجران دائمی ، به کارگران اتفاقی روزمزد، به نیمه
بیکاران و گدایان شهری بدل شده اند .

روزنامه "اومانیته" ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه در
روزهای مراسم ۲۵۰۰ سالگی زیر عنوان "تزدیک پرسپولیس مردم از
تشنگی و گرسنگی جان می سپرند" ، مشاهدات یک شاهد عینی را
چنین شرح می دهد: "اهالی اطراف زابل شهر لعنت شده را ترک
می کنند و به شمال، به سوی زاهدان و بیرجند و مشهد می روند.
آنان درحالی که از گرسنگی و تشنگی جان به لبشان رسیده و تمام
نیروی خود را از دست داده اند چهار زانو در بازار زاهدان
نشسته اند و می گویند من از زابلم، گرسنه ام... اهالی بدبخت

محکومند بدون هیچ کمکی پای پیاده سرگشته مهاجرت شوند" (۲۴).
پدیده دیگر - متضاد با آنچه که گفتیم - مهاجرت قشـــ
بالائی و مرفه ده است. در سالیان اخیر بخصوص در نواحی شمالی
وقتی که برخی از خرده مالکان امکان یافتند که بیش از مصرف
محدود روستائی درآمدی داشته باشند، به مهاجرت می پردازند.
واضح است که نه از نظر کمی و نه از نظر اهمیت اقتصادی و اجتماعی
این نوع مهاجرت روستائی قابل قیاس با مهاجرت توده ای روستائی
نیست. در این باره مجله "ثروت" می نویسد: "دهقانانی که
دارای حق ریشه بر روی سه تا چهار هکتار زمین می باشند و
اکنون از پرداخت بهره مالکانه معاف گردیده اند، می توانند
به حساب استثمار مضاعف دهقانان مزدور به شهر کوچ نمایند" و
"در سالهای اخیر شهرهای شمالی به مقیاس بی تناسبی گسترش یافته
که قسمت اعظم آن معلول مهاجرت دهقانان مرفه به شهرهاست" (۲۵).
اینهاست بطور خلاصه علل متنوع - ضعیف و قوی، قدیم و
جدید، روبه زوالی یا روبه رشد که یا طیف وسیعی در امر مهم مهاجرت
روستائی عمل می کند. این بررسی نشان می دهد که مهاجرت
روستائیان دارای علل گوناگون اجتماعی و اقتصادی و سیاسی
است.

دورنمای آینده مهاجرت روستائی و مسائل ناشی از آن

پس از این بررسی علل واقعی مهاجرت روستائی می توان به
دورنمای تکامل این مسئله حاد در آینده نیز نظری انداخت.
عوامل و انگیزه های مهاجرت روستائی نشان دادند که تا چه
اندازه این پدیده به ماهیت نظام موجود، به شیوه تولید حاکم،
به مرحله رشد (یا کم رشدی) کشور و بیکاری پنهان و مزمــــن

همراه آن ، به سیاست هیئت حاکمه کنونی - خادم منافع زمینداران و سرمایداران در پیوند با امپریالیسم و شیوه استبدادی حکومت آن بستگی دارد. تجزیه و تحلیل یکایک این انگیزه ها نشان می دهد که در صورت ادامه نظام موجود وضع بدتر و حادثه خواهد شد و اگرچه برخی از عوامل بتدریج کم تاثیر و بیاسی تاثیر می شوند، عوامل دیگر بر شدت و تاثیر خود می افزایند.

لازم می دانیم که بویژه به نحوه تکامل و دورنمای عسلل مربوط به گسترش مناسبات تولید سرمایه داری توجه کنیم. در این امر که راه و روش اعلام شده حکومت تشویق و تازاندن سیستم بهره کشی سرمایه داری در دهات به نام کشاورزی مدرن یا تجارتمندی است تردیدی نیست .

آنچه که سرکردگان رژیم و مسئولان امور کشاورزی ایران اعلام می دارند حاکی از ادامه و تشدید سیاست تحکیم روابط بهره کشی سرمایه داری در دهه ، ایجاد قطب های آب و خاک برای حداکثر استفاده متمرکز از امکانات مملکتی ، تقلیل عده دهات به میزان ۵ - ۴ بار از راه ادغام اقتصادی دهات (که قانون یک پارچه کردن اراضی شرکت های تعاونی نیز در خدمت است) و غیره از مظاهر این سیاست است .

تمام اینها همراه با "دو جهت اساسی کشاورزی آینده ایران": تشکیل شرکت های کشت و صنعت (سرمایه داری خالص و مدرن بزرگ) و تشکیل شرکت های سهامی زراعی (راه تدریجی ایجاد قشر بالائی مرفه و بورژوازی ده) (۲۶) ، نشان می دهد که مرحله سلب مالکیت وسیع دهقانان هنوز در پیش است و آنچه که تاکنون شده آغاز کار است . جامعه روستائی ما هرچه در این مرحله سلب مالکیت پیشتر برود ، مهاجرت روستائی پر دامنه تر شده و محتوی تازه تری پیدا می کند . مهاجرت روستائی مظهری است از تلاش دهقانان بامتابه

مهاجرت روستائی...

یک طبقه . باگذشت زمان علل و شکل و محتوی و ماهیت مهاجرت تغییر می کند .

رشد ناموزون و ناهماهنگ توأم با هرج و مرج اقتصادی در شرایط رشد سرمایه‌داری در ایران نه تنها نمی‌تواند به‌بیکاری پنهان موجود در روستاهای ایران پایان دهد، بلکه قادر نیست که از نیروی کاری که در نتیجه رشد نیروهای مولده در روستا آزاد خواهد شد، طبق برنامه واحد درمقیاس کشور در سایر رشته‌های فعالیت اقتصادی و اجتماعی نیز استفاده کند. بنابراین آزاد شدن نیروی کار در روستا که یکی از مظاهر رشد نیروهای مولده می‌باشد و فی‌نفسه پدیده‌ای است مثبت و مترقی، در شرایط سرمایه‌داری و از جمله در ایران به یکی از دردهای اجتماعی و پدیده‌های منفی اقتصادی بدل می‌شود و آینده‌ای پردرد و رنج برای میلیون‌ها روستانشین ایرانی به‌وجود می‌آورد.

مهاجرت روستائیان دارای اثرات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی متعدد است. مهاجرینی که از روستا به شهرها روی می‌آورند و نمی‌توانند در این شهرها نیروی خود را در رشته‌های تولیدی به‌کار اندازند، در واقع ثروت عظیمی است که پیوسته به‌هم‌در می‌رود.

چون شهرها در شرایط کنونی قادر به جذب تمام نیروی کار مهاجر نیستند، به شدت بیکاری در شهرها نیز افزوده می‌شود. وجود نیروی کار اضافی باعث پائین آمدن سطح دستمزدها در شهرها می‌گردد.

افزایش جمعیت شهرها در نتیجه مهاجرت که بارشدها هم‌هنگام نیروهای مولده و تولید کالای ضرور برای رفع نیازمندی‌ها همراه نیست، موجبات بالا رفتن هزینه زندگی را فراهم می‌آورد و در بهبود سطح زندگی زحمتکشان تأثیر منفی باقی می‌گذارد.

شدت بیکاری و فقر در شهرها ناگزیر فاجعه‌های انسانی و خانوادگی و بحران‌های روحی و اخلاقی به بار می‌آورد. مهاجرت روستائی دارای عواقب سیاسی گوناگون نیز هست. این عواقب چند گونه و گاه متضاد است. بر اثر تشدید مهاجرت بخشی از دهقانان به صفوف کارگران یا نیمه‌پرولتاری می‌پیوندند. نه فقط بر عده کارگران کشاورزی افزوده می‌شود، بلکه در پرولتاریای شهری نیز عده کسانی که بلاواسطه هنوز با ده مربوطند زیادتر می‌شود. که این خود دارای اثرات متناقضی است. از دید کمی طبقه کارگر، برون و تأثیر آن در حیات جامعه می‌افزاید و نقش سیاسی آن را بالایی برد. ولی با در نظر گرفتن منشاء طبقاتی و وابستگی‌های دیرپای مادی و معنوی قشرهای جدید، این رشد کمی الزاماً بارشده کیفی همراه نیست. در شرایط "هجوم" و "سیل" مهاجرت روستائی افزایش کمی طبقه کارگر می‌تواند منشاء نفوذ انواع عقاید خرده‌بورژوائی و نظریات غیر پرولتری در میان طبقه کارگر گردد.

یکی دیگر از عواقب مهاجرت شدید روستائی خطر از دیدیاد لومپن پرولتاریاست. عده‌ای از مهاجران روستائی تحت تأثیر شرایط تباه‌کننده کنونی می‌توانند به عناصر بی‌طبقه و ازده بدل شوند. در شرایط نفوذ سازمان امنیت این خطر و ازدگی طبقاتی و نتایج سیاسی آن را نباید از نظر دور داشت. ولی نتیجه اساسی سیاسی از تشدید مهاجرت روستائی نه فقط امکانات وسیع - تر فعالیت بلکه مسئولیت سنگین تر و وظیفه‌حادثر حزب طبقه کارگر و عناصر آگاه مبارز است که باید برای شکل و جلب زحمتکشان به مبارزه و جلوگیری از نفوذ و اشاعه اندیشه‌های غیر- پرولتری در میان آنان بکوشند.

نتیجه‌گیری از بحث پیرامون مهاجرت روستائی

مهاجرت روستائی را - که در حال حاضر کمیتی بی سابقه و کیفیتی نوین یافته است - نمی‌توان با فرمان و تمایل از جریان بازداشت ، این پدیده‌ای عینی و در متن مناسبات تولیدی و اجتماعی حاکم ناگزیر و غیرقابل جلوگیری است . درباره امکان جلوگیری و تغییر ماهیت این پدیده در شرایط حفظ و ادامه این مناسبات نباید دچار پندار شد .

تأکید قانونمندی این روند بمعنای تسلیم در مقابل عواقب آن و منفعل ماندن در برابر انگیزه‌های کنونی تشدید مهاجرت روستائی نیست . ما با علم کامل به اینکه تا این نظام حکومتی برجاست نمی‌توان مسئله مهاجرت روستائی را کاملاً و بنیادی حل کرد ، علل مختلف و انگیزه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی آن را بررسی می‌کنیم و به امکان تأثیر متقابل و ضرورت اقدام مشخص در هر مورد معتقدیم . حزب طبقه کارگر در چهارچوب مبارزات تاکتیکی خود می‌تواند و باید دهقانان زحمتکش را برای انجام خواسته‌های مبرم و علیه انواع پدیده‌های وابسته به علل مشخص مهاجرت بسیج کند . در مسائل مختلفی نظیر اجرای قوانین موجود اصلاحات ارضی ، تصویب قوانین جدید ، الغای پرداخت‌ها و بدهی‌ها ، اعطای وام کشاورزی ، تعیین و تثبیت قیمت فرآورده‌های کشاورزی ، جلوگیری از خودسری و حق‌کشی اربابان سرمایه‌دار و متنفذین ده و ممانعت از فعال مایشائی سازمان امنیت و ژاندارمری احترام به قوانین و آزادیهای دمکراتیک و تدابیر مختلف مربوط به وضع زندگی و غیره و غیره عرصه‌های متعددی هستند که می‌توان و باید به نیروی متحد و همگانی توده‌ها به سنگرمبارزه تبدیل شود . نباید و نمی‌توان به اتکای عینی بودن این روند و ناگزیری

آن در شرایط رژیم حاکم موجود، دهقانان را به چنگال بی رحم بیکاری و استثمار و سرگردانی سپرد، صحنه را در مقابل عوامفریبی های لافزنانه سیاستمداران و زمامداران بیگانه از مردم خالی کرد. برعکس قدم به قدم باید با توده دهقانان، با دردها و خواسته های آنان بود و از منافع طبقاتی آنان در مقابل ستمگران و بهره کشان دفاع کرد.

از سوی دیگر تأکید قانونمندی این روند و عمق و عواقب آن هر مبارز صادقی را از این تصور پوچ برحذر می دارد که شاید بتوان درمانی اساسی برای این درد در شرایط کنونی یافت و با آن را عارضه ای موقتی، موضعی و اتفاقی و یا نتیجه ندانم کاری و تعلل و روش نامناسب مقامات دولتی دانست. برعکس این تأکید باید بیش از پیش هر مبارزی را به لزوم وحدت طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش، به لزوم کوشش برای جلب روستائیان به نبرد متشکل، برای ایجاد آگاهی در جنبش دهقانی و نشان دادن اینکه سرنوشت دهقانان وابسته به سرنوشت زحمتکشان شهری است و بالاخره برای ایجاد نیروی اجتماعی قدرتمندی که بتواند بر سلطه ارتجاع و امپریالیسم چیره گردد، معتقد سازد.

دریکه تحول بنیادی، دولت دمکراتیک و ملی علاوه بر اجرای اصلاحات ارضی بنیادی از تمام امکانات مادی و سازمانی و علمی خود برای رهایی قاطبه دهقانان از پرداخت های تحمیلی و تأمین آنان با وام و اعتبار و تضمین بازار ثابت داخلی و خارجی برای فروش فرآورده های کشاورزی به قیمت عادلانه و فراهم آوردن شرایط لازم برای آموزش و پرورش و بهداشت و بهسازی روستا و توسعه مکانیزاسیون و ایجاد شرکت های تعاونی و ترویج روش های علمی کشاورزی و غیره استفاده خواهد کرد.

در چنین شرایطی مسئله انتقال نیروی کار از روستا به

مهاجرت روستائی...)

شهرشکل و مضمون کاملاً دیگری خواهد یافت. راهی که حزب توده ایران نشان می دهد زمین و تمام وسایل تولید را به تولیدکنندگان مستقیم می سپارد، به استعمار دهقانان پایان می دهد و برای رشد تولید و استفاده از تکنیک و علم معاصر بهترین شرایط را به سود دهقانان زحمتکش فراهم می آورد.

درد ورنج ناشی از مهاجرت کنونی روستائی و مسائل عدیده اقتصادی و اجتماعی و فاجعه های بزرگ انسانی مربوط به آن هر ایرانی میهن پرست و زحمتکش را درنبرد برای ایجاد ایرانی مستقل، دمکراتیک و مترقی و تامین تحولی بنیادی مصمم ترمی سازد.

دنیای زمستان ۱۳۵۰ -

- ۱- تهران اکونومیست ۸ آبان ۱۳۵۰
- ۲- بورس ۲۰ خرداد ۱۳۴۸
- ۳- تهران اکونومیست ۱۵ تیر ۱۳۴۷
- ۴- خواندنیها شماره ۸۷ سال بیست و نهم - ۱۳۴۸، نقل از آیندگان
- ۵- تهران اکونومیست ۲، بهمن ۱۳۵۰
- ۶- اطلاعات ۲۱ بهمن ۱۳۵۰
- ۷- سحر، ۹ تیر ماه ۱۳۴۸
- ۸- اطلاعات، ۸ دی ماه ۱۳۵۰
- ۹- خواندنیها، شماره ۸۷ - سال بیست و نهم
- ۱۰- آیندگان، ۱۴ مهر ۱۳۴۸
- ۱۱- مجله "تهران اکونومیست" ۲۷ آذر ۱۳۵۰
- ۱۲- روزنامه "دنیا" منتشره در تهران، نقل از خواندنیها، ۵ بهمن ۱۳۵۰
- ۱۳- تهران اکونومیست، ۱۴ دی ۱۳۴۷
- ۱۴- ثروت ملل، اول آذر ۱۳۴۶
- ۱۵- تهران اکونومیست، ۱۱ خرداد ۱۳۴۷
- ۱۶- با مشاد، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۷

- ۱۷- تهران اکونومیست، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۸
- ۱۸- ثروت ملل، اول آذر ۱۳۴۶
- ۱۹- آیندگان، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۴۸
- ۲۰- تهران اکونومیست، ۴ دی ۱۳۵۰
- ۲۱- سرمایه‌گذاری کشاورزی در ایران، چاپ ۱۳۴۷، صفحه ۹۲
- ۲۲- آیندگان، ۱۰ اسفند ۱۳۴۸
- ۲۳- کیهان، ۲۳ شهریور ۱۳۴۴
- ۲۴- "اومانیته"، ۱۶ اکتبر ۱۹۷۱
- ۲۵- "ثروت ملل"، اول آذر ۱۳۴۶
- ۲۶- روحانی وزیر آب و برق در مراسم‌گشایش نخستین واحد کشت و صنعت ۲۱ آذر ۱۳۴۸، "شکل حقوقی کشاورزی ایران فقط به این دو صورت خواهد بود و هرگونه زراعتی به اشکال دیگر از بین خواهد رفت". (آیندگار ۲۲ آذر ۱۳۴۸)





سلسله بهلوی،
املاک زراعتی، دهقانان



سلسله پهلوی ، املاک زراعتی ، دهقانان

سیاست و روش سلسله پهلوی در مسئله ارضی و در برابر دهقانان
ملغمه ایست از روشها و سیاست های تبهکارانه ، ضد ملی ، ضد مردمی ،
عوام فریبانه ، خدعه آمیز و چپا و لگرانه این خاندان . بیس از دو
سوم این دوران سلطنت پنجاه ساله در راه جلوگیری عنودانه از
پیشرفت جامعه و تحکیم مناسبات کهنه ارباب - رعیتی صرف شد و
حالا که مضمون عمده دوران ما گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم
در مقیاس جهانی است ، محتوی اصلی دوره اخیر آن استقرار و تحکیم

مناسبات بهره‌کشی سرمایه‌داری در وابستگی با انحصارات امپریالیستی است.

از جهات مختلف این مسئله، در این مقال تنها به سه نکته می‌پردازیم:

- محتوی و عملکرد سیاست دهقانی سلسله پهلوی، دو مرحله‌ء آن و عواقب آن.

- تبدیل خانواده پهلوی نخست به بزرگترین ملاکان و سپس به بزرگترین زمینداران صاحب سرمایه.

- و بالاخره به نیم قرن مبارزه پیگیر و مداوم کمونیست‌ها علیه سلسله پهلوی در مسئله ارضی بمثابة مدافعان صدیق دهقانان زحمتکش.

سیاست‌های ضد دهقانی سلسله پهلوی و بی‌آمدهای آن

اقدامات رضاشاه در جهت ایجاد یک حکومت متمرکز و قوی - مطابق با نسخه امپریالیستی احداث یک کمربند صحرایی به دور دولت جوان شوروی - به ناچار به دوران ملوک الطوائفی و خان خانانی پایان داد ولی به نظام ارباب - رعیتی ضربه‌ای نزد. برعکس آن را تحکیم کرد. تمرکز دولتی و حکومت‌خشن استبدادی رضاشاه اگرچه خودکامی اشراف محلی را محدود می‌کرد ولی بساط ارباب - رعیتی را - علیرغم آنکه شرایط از مدت‌ها قبل برای نابودیش پخته شده بود - برای چند دهه دیگر بر روستای ایران و تمامی جامعه حاکم نمود. رضاشاه با تدابیر خود بالاترین و ثروتمندترین بخش بورژوازی را به زمینداری تشویق کرد و آن را در حفظ اصول مناسبات تولیدی فئودالی ذینفع نمود. چه خودش و چه سایر مالکان بزرگ با همان شیوه‌های فئودالی و نیمه فئودالی و بر

اساس مزارعه واخذ بهره مالکانه و سیورسات با استثمار بیرحمانه دهقانان پرداختند و آنان را به رعایای خویش بدل کردند. روی کار آمدن سلسله پهلوی، بدون آنکه به طبقه عمده مالک ضربه‌ای زند، با تغییراتی در ترکیب این طبقه همراه بود. عده‌ای از خوانین ایلات و عشایر نفوذ و بخشی از املاک خود را از دست دادند. در عوض بخشی از طبقه نوخاسته بورژوازی (بازرگانان و مقاطعه کاران عمده و همچنین ثروتمندترین محترمان و رباخواران و مباشرین) وعده‌ای ماموران دولتی و نظامیان (از امنیت گرفته تا استاندار و از مامور شیت گرفته تا فرمانده لشکر) به خرید زمین روی آوردند. از میان آنها عده‌ای به مالکان عمده بدل شدند. در طی سلطنت رضاشاه روند تبدیل امرا و متنفذان محلی و صاحب منصبان دولتی، اعم از لشکری و کشوری، به مالکان زمین با شتاب پیش رفت. به دنبال نفوذ روزافزون اشرافیت زمین در دستگاه حکومتی و حمایت دربار پهلوی و حکومت از مالکان بزرگ، آمیخته‌ای از اربابان بزرگ و گردانندگان امور مملکتی و کمپرادور ها به وجود آمد که با نام "هیئت حاکمه" و "هزارفامیل" همه شرائین حیاتی کشور را به دست داشتند و منجمله زنجیرهای استثمار دهنان را در فرسوده‌ترین و منسوخ‌ترین اشکال آن محکم تر کردند. مالکان بزرگ - کمپرادورها نقطه اتکاء رضاشاه بودند و خود وی، خزنده و مکنده، به تدریج، خویش را در این سلسله مراتب ثروت و قدرت و مالکیت چنان بالا کشید که در اس‌همه آنان قرار گرفت. رضاشاه که از شعار جمهوری گرفته تا تظاهر به آزادیخواهی از ادعای ترقیخواهی گرفته تا مخالفت با مالکان و فئودالیسم همواره به خدعه و فریب متوسل شده بود، در مسئله املاک و اربابان حتی به متحدین طبقاتی خود نارو زد. کنگره دوم حزب کمونیست ایران توانست از همان آغاز (۱۳۰۶) وقایع را به درستی تحلیل

کند و نظریات دگماتیک و راست را که منجمله به سلطنت رسیدن رضا خان را به معنای سقوط حکومت فئودالی و استقرار حکومت بورژوازی می‌پنداشت طرد کند و درتزه‌های سیاسی کنگره چینی اعلام دارد:

"عملیات رضا خان هیچ وقت از دایرهٔ مبارزه برای تصرف حکومت در قالب رژیم فئودالی و ملاکی خارج نشد... رضا خان با کمال مهارت توانست اساس رژیم ملاکی فئودالی را با کمک و مساعدت طبقه فوقانی بورژوازی محکم نماید... طبقه‌های بورژوازی ایران خود به حفظ مالکیت و استثمار بی‌رحمانهٔ دهاقین... علاقمند می‌باشد."

رضاشاه شالوده‌های حقوقی مناسبات تولیدی ارباب - رعیتی و مالکیت اربابان بر زمین و بر آب را که پایهٔ این وضع بود بسا تاسیس و فعالیت اداره ثبت املاک و اسناد و خودسری‌ها و قانون شکنی‌های بی‌شرمانه وابسته به آن تسجیل کرد. او قانون و سند شبتی و عدلیه و دستگاه دولتی را ضامن روابطی کرد که تا آن وقت فاقد این نهادها و تکیه‌گاه‌ها بود. تثبیت و تسجیل حقوقی و نهادی مناسبات ارباب - رعیتی از خیانت‌های بزرگ رضاشاه به جامعه ما و امر پیشرفت آن است. نخستین قانون ثبت املاک و اسناد در مهره ۱۳۰۰ تدوین شده بود، سپس قانون‌های "ثبت املاک و مرور زمان" (بهمن ۱۳۰۶) و "متمم قانون ثبت املاک و اسناد" (دی ۱۳۰۷) از تصویب گذشت و بالاخره جمیع این تدابیر با "قانون ثبت املاک و اسناد" (مصوب مهرماه ۱۳۰۸) شکل قطعی یافت که هم به مالکیت زمین نظر داشت و هم مالکیت آب. قانون آذر ۱۳۱۳ دربارهٔ ممیزی املاک و املاک اربابی و دو اب و تحمیل مالیات‌های سنگین بر دهقانان، "قانون کدخدائی" مصوب آذر ۱۳۱۴ و "قانون عمران" مصوب آبان ۱۳۱۶، گام‌های دیگری بود در جهت تأمین منافع و تحکیم

مالکیت اربابان و بساط ارباب - رعیتی . استفاده از ثبت اسناد و املاک با اعمال نفوذهای فاحش آن و خودسری های باورنکردنیش ، استفاده از عدلیه با حق کشی های هولناکش ، دهقانان خرده مالک را از مالکیت محروم کرد و نقش مهمی در تحکیم بساط عمده مالکی ایفاء نمود . فصل پنجم از باب سوم "قانون مدنی" اصل مزارعه را تسجیل کرد و در تحکیم و تشریح آن قانون ۲۵ شهریور ۱۳۱۸ مربوط به "تعیین سهم مالک و زارع نسبت به محصول زمین های زراعتی" تصویب شد (اگرچه آئین نامه اجرائی آن را کد ماند) که عوامل پنجگانه زمین و آب و بذر و گاو و کار را بمثابة شالوده سهم بری تعیین و تصریح می کند . از این قوانین خود رضا شاه با وقاحت و گستاخی بسیار نهایت استفاده را برد و املاک وسیعی را به نام خویش به ثبت رساند .

در مورد اراضی خالصه (اغلب نادری و محمدشاهی و ناصری) "قانون مستغلات انتقالی" (خالصه ها) مصوب مهرماه ۱۳۱۰ ، "قانون فروش خالصات" (دی ۱۳۱۲) و قوانین مربوط به خالصات خوزستان (فروردین ماه ۱۳۰۶ و فروردین ماه ۱۳۱۴) و "قانون فروش خالصات اطراف تهران" (آبان ۱۳۱۶) پایه حقوقی و دستاویز رسمی مالکین عمده برای چنگ اندازی بر اراضی خالصه شد . در واقع تقسیم این اراضی بین دهقانان تنها ظاهر امر و واسطه ای بود . سپس بدنبال تضییقات و اعمال نفوذهای ، از دهقانان سلب مالکیت شد و این اراضی نیز به تعلق اربابان و سرداران و متنفذان قدرتمند درآمد . البته رضا شاه نیز سهم خود را از این اراضی برداشت . تشکیل یک اداره کل برای بهره برداری مشترک از اراضی خالصه و املاک اختصاصی در شرایط خفقان آن روزی وسیله مناسبی شد برای یک کاسه کردن و انتقال های غیرقانونی تارضا شاه نیز حصه عمده را از زمین های خالصه به دست آورد و بی آنها

را وسیلهٔ "مبادله" املاک اربابی و سپس غصب املاک قرار دهد (مثلاً سعید آباد از املاک خالصه‌گرا نیهای آذربایجان که با املاک قوام شیرازی مبادله شد و پس از شهریور ۱۳۲۰ به صاحب شاه فعلی درآمد).

"ارمغان" سلطنت رضا شاه برای ده‌ایران عبارت بود از: تشییت سطره، اشرافیت زمیندار حریص و متعرض، تشدید سارت رعایای فقیر و نیازمند و مقروض، عقب ماندگی هولناک نیروهای مولده که در جنگال منجمد مناسبات قرون وسطائی تولیدی امکان تحسولی نمی یافتند، سطح بسیار نازل زندگی و تمدن و فرهنگ در روستاها، پانزده سال سلطنت سیاه رضا شاه و سیاست دهقانی او به اینجا منجر شد که به هنگام خلع او، از یک سو بیست هزارده شش دانگ متعلق به ۳۷ خانوار بزرگ مالک بود و از سوی دیگر ۶۰٪ دهقانان ایران حتی یک وجب هم زمین نداشتند و ۲۳٪ کمتر از یک هکتار، ۱۰٪ از یک تا سه هکتار و فقط ۷٪ بیش از سه هکتار زمین داشتند.

و اما محمد رضا شاه تا آن وقت که توانست و تا آنجا که در نیرو داشت این ارشیه شوم پدر - نظام تحکیم یافته ارباب - رعیتی را - حفظ کرد. دو سوم از سالهای سلطنت محمد رضا شاه، سالهای سطره اربابان است و در بار پهلوی لجوج ترین مدافع ایمن غارتگران. بنابراین آمار سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۵ از سطح کل زمینهای کشاورزی فقط ۱۴٪ به دهقانان تعلق داشت، ۱٪ ملک مشترک و عام دهات بود، ۱۵٪ املاک سلطنتی و خالصه و موقوفه و ۷۰٪ باقیمانده نیز املاک اربابی را تشکیل می داد. آمار وزارت کشاورزی ایران (سال ۱۳۳۵) معلوم میشود که از این رقم ۷۰٪ نیز ۳۴ درصد (یعنی یک سوم سطح کل کشاورزی ایران) مرکب از اراضی بیش از یکمدهکتار بوده که جمع کل ملاکان آنها تنها ۲٪ عدده کل صاحبان زمین را تشکیل می دادند. این ارقام تمرکز فوق

العاده زمین را در دست اربابان بزرگ نشان می دهد که شمره اصلی سیاست دهقانی رضاشاه و محمد رضاشاه تا سالهای ۴۰ بود، سیاستی که بدبختیها، عقب ماندگی ها و فلاکت های بسیار برای اقتصاد ما و موانع عمده برسر راه رشد جامعه ما و تکامل معنوی و روحی آن نیز به بار آورد. فقر زارع ایرانی و عقب ماندگی ده ایران زبان زد شد. مسئولیت عمده نگه داشتن روستای ایران در این سطح نازل اقتصادی و اجتماعی و رفاهی با سلسله پهلوی - این ستون اصلی و تحکیم کننده نظام ارباب - رعیتی و سرکوب کننده همه جنبش های مترقی و ملی و ضد فئودالی است .

در سالهای ۴۰ عوامل عینی ادامه سیاست دهقانی سلسله پهلوی را محال ساخت . رشد جامعه، بیداری دهقانان ، مبارزه دیرینه مردم، محمد رضاشاه را وادار ساخت که به مقتضای زمان و همداستان با روش های نو استعماری ، در ثلث آخر سلطنتش "سیاستی دگر" در پیش گیرد تا آنچه را که نجات دادنی است ، نجات دهد و بویژه نظام سلطنتی را از سرنگونی برهاند .

عناصر عمده این مرحله تازه در سیاست دهقانی سلسله پهلوی عبارتند از:

- ترک تدریجی پایه های ارباب - رعیتی، ضمن کوشش برای نگهداری و حمایت و جلب رضایت مالکان بزرگ .

- تا زانندن مناسبات بهره کشی سرمایه داری در روستاها در ارتباط با آنچه که سیاست نو استعمار در سالیان اخیر ایجاب می کرد .

- انجام اصلاحات ارضی نیم بند نو استعماری با هدف حفظ و تحکیم رژیم .

- اجراء اصلاحات ارضی جدا از هرگونه شکل و اقدام مستقل دهقانی و مشارکت آنان همراه با سرکوب خشن مبارزات دهقانی .

در این مرحله تازه تمام کینه طبقاتی ضد دهقانی پهلوی ها و

زمینه سازی آنها برای بسط ملک داری شخصی مثل سابق حفظ شده است. درباره نتایج اصلاحات ارضی علاوه بر "ایجاد یک سری ویتترین های نمایی" از یک سو و از سوی دیگر "یک مشت عدد ورقم بی جان که روی کاغذ میتوان آنها را به دلخواه پس و پیش کرد" (که ولیان در مصاحبه ۱۱ دی ۵۱ روزنامه اطلاعات آن را بصورت نفی بیان کرد) با پدید آوری کرد که میلیون ها روستا نشین ایران همچنان فاقد زمین اند، بخش پهناوری از مرغوب ترین اراضی در دست زمینداران و صاحبان بزرگ مالکیت های سرمایه داری متمرکز شده، صدها هزار دهقان آواره به شهرها مهاجرت کرده و در جستجوی کارند، دهها هزار دهقان که زمینی خریده بودند ورشکست شده به کار مزدوری ناچار شده اند، محرومیت از زمین و کمک های حیاتی دولتی، از بازار فروش و وام های تولیدی، فقدان مسکن و بهداشت و آموزش لازم، فقر و بیکاری و گرسنگی و درد ورنج انسانی میلیونها زحمتکش روستاها، آنهم در این زمانی که ایران امکانات عظیم و استثنائی در اختیار دارد، نصیب اکثریت مطلق دهقانان زحمتکش است، مناسبات تولید سرمایه داری در حال استیلای تدریجی در روستاها است و انحصارات امپریالیستی در کار رسوخ در اقتصاد کشاورزی ما. نتیجه اینکه اصلاحات ارضی بنیادی همچنان در دستور روز جامعه ایران باقی است.

پنجاه سال غصب املاک و جنگ اندازی بر اراضی زراعتی، تبدیل

خانواد پهلوی به بزرگترین ملاکان فئودال و سپس کلان ترین

زمینداران سرمایه دار

رضا شاه که به قیمت خیانت و جنایت و دروغ از فرماندهی یک واحد

کوچک قزاق به تخت سلطنت رسیده بود با ولعی بیمارگونه به غضب املاک پرداخت. داستان سلب مالکیت از دهقانان و خرده مالکان و اخراج آنها و غضب زمین هایشان در زمان سلطنت رضاشاه به راستی جانکاه و دردناک است. این "مصادره شاهي" حتی در برخی موارد املاک عمده مالکان را نیز در بر می گرفت و بر وسعت املاک اختصاصی می افزود. بارها از برق چشمان دریده^{۱۶} او که به مزرعهای خیره می شد اطرافیان شپی می بردند که به زودی آن اهرازی هم به املاک وسیع اختصاصی ملحق خواهد شد. مالک مزبور ناگزیر می شد که ملک مربوطه را یا "هدیه کند" یا "مبادله کند" و یا "بفروشد" و گرنه... غضب، مبادله (نا برابر) و خرید (اسمی) سه طرز عمل مباشران رضاشاه برای گسترش املاک اختصاصی او بود. رضاشاه بعلاوه از دستگاه دولتی و وزارتش برای بسط مالکیت خصوصی خود بر زمین استفاده فراوان کرد. دستگاه اداری کا ملادر اختیار او برای خدمت به "اداره املاک" قرار داشت. فلان افسر رئیس اداره املاک مهم ترین شخصیت دولتی هر منطقه شمرده می شد، خداوندگار جان و مال و ناموس دهقانان بود و سرنوشتها در چنگ داشت. در املاک اختصاصی، دهقانان عملا وابسته به زمین بودند. هیچ موسسه ای حق نداشت دهقانانی که املاک اختصاصی را ترک کنند استخدام کند و به کار بگمارد. وقتی درما زندران - که اکثر املاکش متعلق به شاه شده بود - راه آهن ساخته می شد، کارگران مورد نیاز را از سایر نقاط کشوری آوردند. "اداره املاک" توسط دفتر مخصوص شاهنشاهی صورت می گرفت. رضاشاه با شلاق حکومتی و با عمای سلطنتی اش صدها هزار دهقان را به بیگاری در املاکش و می داشت. اجساد آنهائی که بر اثر شدت کار و ضمن بیگاری می مردند در همان جا با همان لباس زنده دهقانی به خاک سپرده می شد. اشکال بهره کشی فئودالی و نیمه فئودالی شیوه های عمده^{۱۷} ثروت اندوزی شخصی شاه در زمینه کشاورزی بود، اگرچه به مقتضای محل و نوع کشت، گاه

استثنا" از کار مزدوری و شیوه بهره‌کشی سرمایه‌داری نیز استفاده می‌برد.

بدین ترتیب عوامل مختلف فئودالی، نظامی، بوروکراتیک و گاه سرمایه‌داری در خدمت ملک‌داری رضاشاه قرار گرفت.

این چنین بود که میرپنجی که بنا به گفته پسرش در جوانی ننه سواد داشت و نه ثروتی، به بزرگترین فئودال ایران و به یکی از بزرگترین ثروتمندان جهان مبدل شد. در این ثروت او سهم خون و زحمت صدها هزار دهقان املاک سلطنتی کم نیست. پروین اعتمادی مستقیماً "رضاشاه را در نظر داشت، هنگامی که با زتاب تللوئی اشک دیده و عرق جبین میلیونها دهقان ورنجیر را در درخشش در و گوهر تاج‌های سلطنتی و نیماج‌های اعیان و اشراف مالک زمین دیده و تصویر کرده است.

مساحت املاک سلطنتی، در آستانه آخرین تقسیم (یعنی پس از آنکه عده زیادی از مالکین بزرگ دهات خود را بعد از شهریور ۲۰ پس گرفته بودند) به گفته آرسنجانی و زیروقت‌کشاورزی (۱۴ دی ۴۰) دویست و هشتاد هزار هکتار بود که فقط برای مساحتی و نقشه‌برداری آن ده میلیون تومان خرج شد. به هنگام فروش اخیر املاک اختصاصی ۲۵۰- هزار دهقان روی املاک مشمول فروش سلطنتی کار می‌کردند. به نوشته روزنامه اطلاعات (شماره ۸ اسفند ۱۳۳۹) مساحت آنچه که از زمین‌های سلطنتی در سال ۱۹۵۰ باقی مانده بود بالغ بر ۵۳،۰۰۰- هکتار زمین مزروعی و ۲۷۰،۰۰۰ هکتار زمین بایر اعلام شده بود و سیصد هزار نفر ساکن داشت.

سرنوشت املاک اختصاصی بعد از شهریور ۱۳۲۰ موازی با اوج و حوضیض نهضت ملی و ضعف و قدرت دربار پهلوی نوساناتی داشته است. بیستم شهریور ۲۰، چند روز پس از فرار رضاشاه پسرش ناچار شد آنها را به دولت واگذار کند. در خرداد ۲۱ که تمامی اعمال غیر

قانونی و جنایات مدعش شاه سابق در غصب این زمین ها - بویژه بهمت حزب توده ایران - برملا شده بود، قانونی برای بازگشت دادن این املاک به صاحبان قبلی آنها از تصویب گذشت. این زمین ها به صاحبان واقعی آنها یعنی دهقانان واگذار نشد ولی در پنج - شش سال بعد از شهریور ۲۰ عده ای از مالکان سابق توانستند دوباره املاک قبلی خود را صاحب شوند. بلافاصله بعد از غیرقانونی اعلام کردن حزب توده ایران در سال ۱۳۲۷ زیر فشار دربار آنچه که از املاک اختصاصی باقی مانده و عملاً در اختیار دولت بود به شاه برگردانده شد. حتی در تاریخ ۲۰ تیر ماه ۱۳۲۸ قانون "بازگشت املاک و مستغلات اعلیحضرت رضاشاه فقید به ملکیت اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی" تصویب شد. هم زمان با اوج مجدد جنبش، شاه با سرخود راخم کرد و فرمان فروش هشتصد ده را که عواید سالانه آنها ۵۰۰ هزار لییره بود صادر کرد. بعد از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲ با زدست چپاول شاه به سوی این املاک دراز شد. اما دیگر زمانه نه کلی عوض شده بود. شاه که بارها پس گردنی جدی از مردم ایران خورده بود و بارها ناچار شده بود دل از املاک اختصاصی بکند، در حالیکه هنوز اصلاحات ارضی آذربایجان و سالهای پرتوان نهضت و فرار از ایران را از یاد نبرده بود، صلاح دید برای تصرف و بهره گیری از املاک خصوصی زراعتی شیوه های تازه ای برگزیند. برادران شاه نیز به سرعت به زمینداری روی آوردند. شمره ۶۰ دو دهه اخیر فعالیت پهلوی ها در زمینه مالکیت ارضی در برابر ماست. شاه و خانواده پهلوی به بزرگترین زمینداران کشور و سرمایه گذاران در امور کشاورزی بدل شده اند. فعالیت این خانواده غارتگر در زمینه زمینداری به واقع تب آلود و سخیب آزمندانانه است. برخی نمونه ها در این زمینه:

شاه خود از طرق مختلف در این زمینه عمل می کند.

۱- زمینداری مستقیم و بهره‌کشی به شیوه مدرن سرمایه‌داری. شاه مزرعه کمال در نزدیکی پیله‌دژ گرگان با هزاران هکتار وسعت و برق و آب و تراکتور، اراضی زراعتی را مسرور و در ویران و نوشهر و جیرفت و باغ‌های پرتقال شمال و مبارک آباد آبدلی و ...

۲- ادامه بهره‌کشی از دهقانان از طریق دریافت اقساط سنگین و از طریق سیستم اعتباری اختصاصی و ربا خواری وسیع و عملیات ساختمانی و اقدامات جنبی سود آورد. در این زمینه بانک سلطنتی عمران بعنوان میاشرکل و ربا خواری عمده سلطنتی عمل می‌کند. ۳- مشارکت در واحدهای کشت و صنعت، درآمیختگی با سرمایه‌های

داخلی و خارجی که خود به اشکال مختلف است:

الف- مستقیم: جیرفت، گرگان، مازندران، گیلان، شاه آباد غرب، فارس، خراسان.

ب- سهم‌خریدن: بورس‌بازی با قبوض اصلاحات ارضی مرحله دوم و قبوض اراضی موقوفه توسط بانک سلطنتی عمران.

ج- توسط واسطه‌ها و عمال دربار، یعنی به نام اشخاص بینابینی ولی به حساب شاه، (نظیر بهبهانیان، هوشنگ‌نیسا، سهیلی، دینباری و ...)

د- همراه با سرمایه‌های انحصاری نظیر انحصارات امپریالیستی آمریکائی و انگلیسی شل و میچل کاتز در واحدهای وسیعی در زیر سد دز، شرکت اسپانیائی کابانادر "موسسه سرمایه‌گذاری عمران".

۴- استفاده از امکانات دولتی - تامین آب زراعتی، زهکشی، کانال‌کشی، جاده‌کشی، تامین برق، مبارزه با آفات، خاک‌شناسی، تهیه طرح‌های تولیدی، فشار ژاندارمری و سازمان امنیت ... از این امکانات دولتی به سود اراضی سلطنتی بهره‌گیری می‌شود، مخارج از خزانه دولت پرداخت می‌شود، فوائد حاصله به جیب شاه می‌رود.

شاهپور غلامرضا پهلوی ، در زمینه مورد بحث ما ، گوی سبقت را از دیگر برادران ربوده است . در زمانی که ادعا می کنند زمین ها به برکت انقلاب شاه مال کسی است که روی آن کار میکنند و اصلاحات ارضی امری خاتمه یافته است ، غلامرضا پهلوی همراه با زن و فرزندانش منیژه و مریم و آذردخت پهلوی منجمله صاحب این موسسات کشاورزی و اراضی زراعتی است :

شرکت سهامی کشاورزی پارس شهر ،

شرکت سهامی کشاورزی سبز دشت ،

شرکت کشت و صنعت گمیشان (برای اراضی جنگلی شمال) ،

سازمان شاهپور غلامرضا پهلوی در گرگان و دشت - در شمال باختری کلاله گرگان ۳۷/۲۲ و ۵۵/۲۹ (عرض و طول جغرافیائی) - در شمال خاوری کنگلیک ۳۷/۲۱ و ۵۵/۲۷ ،

واحد زراعتی مینودشت ،

اراضی زیرسد داریوش در فارس ،

اراضی وسیع زیر کشت گل محمدی (برای عطرواسانس) در فاصله بین کاشان و قمصر)

تاکستان های حاصلخیز رضائیه (برای انگور و شراب سازی) با همکاری سرمایه های فرانسوی ،

همکاری از طریق شرکت . ث . ث . با انحصار بزرگ آمریکائی جان دیر ، یکی از چهار انحصار بزرگ آمریکائی در رشته ماشین آلات کشاورزی و تراکتور .

شاهپور عبدالرضا پهلوی که در اسفند ۵۰ لقب "کشاورز اول کشور" را گرفت نمونه ای از یک واحد بزرگ سرمایه داری در کشاورزی را در نزدیکی ساری به وجود آورده است : "سازمان کشاورزی مکانیزه دشت ناز" دارای ۲۰ تراکتور ، ۹ کمباین ، ۱۳ تریلر ، ۴ موتور پمپ ۶ سیلو ، ۸ چاه آرتزین ، ۲ رشته قنات ، ۶ چاه عمیق و ۲ سد و برق

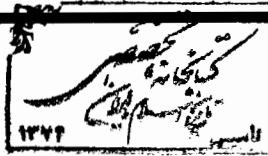
شبکه‌ای . برای مبارزه با آفات و سمپاشی از هواپیما استفاده می‌شود . محیط "مزرعه دشت ناز" ۴۵ کیلومتر است که باسیم‌خاردار محصور است . بخشی از اراضی دشت را شاهپور از املاک سابق سلطنتی تصاحب کرده و به آن با زور و اعمال نفوذ اراضی مجاور را به نام "هدیه" و یا باکتک و زور و انداختن بولدوزر "خریده" و ضمیمه دشت ناز کرده است .

شاهپور محمود رضا پهلوی ، منجمله صاحب : شرکت تولیدی و کشاورزی و دامداری ران ، شرکت‌سها می‌کیان دژ ، و شرکت‌سها می‌خاص‌کشت و صنعت گوشت قرمز (از طریق شرکت ران) است .

شاهپور احمد رضا پهلوی، همراه همسر و فرزندانش رزا ، شاهین ، شهرناز و پیری ناز پهلوی منجمله صاحب موسسات کشاورزی : شرکت‌کشت و صنعت شاهین کی (با بیست میلیون سرمایه) ، شرکت کشاورزی شهرناز (برای اراضی جنگلی و قلمستانها) است . شهرام پهلوی نیا ، پسر اشرف همراه با پسرش سیروس و دخترش نیلوفر پهلوی نیا منجمله صاحب :

شرکت کشاورزی نیلوفران ، شرکت‌سها می‌کی کا (برای اراضی جنگلی شمال) ، شرکت مجتمع دامپروری و شیرشهر (همراه با سرمایه خارجی) ، شرکت عمران روستائی ایران بوده و در موسسات متعدد کشاورزی سهم دارد .

زنان این خانواده نیز تنها شریک مالکیت و بهره‌کشی پدران و شوهران و پسران خود هستند ، بلکه مستقلاً نیز صاحب ملک و موسسه کشاورزی و اراضی هستند .



مادرشاه، (ملکه مادر) در شاهدشت کرج .

اشرف پهلوی ، در رامیان .

فاطمه پهلوی ، در شرکت سهامی خاص تهیه و تولید پنبه آریا در گرگان (با پنجاه میلیون ریال سرمایه) نمونه های آن هستند .

پهلوی ها که پنجاه سال پیش یک وجب هم زمین نداشتند حالا علاوه بر مزارع و واحدهای وسیع صاحب سهم قابل ملاحظه ای در بسیاری از شرکت های سرمایه داری در کشاورزی هستند .

در این روند تبدیل خانواده پهلوی به بزرگترین زمینداران سرمایه دار در ربع قرن اخیر سلطنت (در حالیکه در ربع قرن اول سلطنت مبدل به بزرگترین مالکان فئودال شده بودند) نه تنها عده کثیری از دهقانان زحمتکش از حق مسلم خود محروم شده و زمین دریافت نکردند یا نسق خود را از دست دادند و بسیاری آواره و یابدل به کارگر کشاورزی شده و انبوهی سالیان دراز به پرداخت قسط مجبور گردیدند، بلکه عده ای از مالکان کوچک و متوسط نیز زمین خود را از دست دادند تا بزرگ مالکینی سرمایه داری پهلوی ها ایجاد شود. بعلاوه این قشر از مالکان و زمینداران ، نظیر صاحبان سرمایه های کوچک تر که به کار در کشاورزی مشغولند متحمل عواقب چنگ اندازی ها و اعمال غیرقانونی شاهپورها و اعمال نفوذ آنها و بلعیدن امکانات دولتی (اعتبار ، آب ، جاده ، برق ، طرح ، ...) می شوند و به علت وجود بساط ترور پلیسی و سلطه فاشیست گرایانه سازمان امنیت شاه جرأت کوچکترین اعتراضی را هم ندارند. خطر سلب مالکیت و ورشکست همواره این گروه از زمینداران را نیز تهدید می کند، اگرچه قربانیان اصلی سیاست رژیم ، دهقانان زحمتکش بی زمین و کم زمین هستند .

کمونیست‌ها در کنار دهقانان زحمتکش علیه سلسله پهلوی

در نقطه مقابل سیاست‌خاندان پهلوی، در مورد دهقانان و روش عمیقاً ضد دهقانی این سلسله که در هر دوران به مقتضای زمان شکل ویژه‌ای یافته، روش کمونیست‌ها و سیاست حزب طبقه کارگر ایران قرار دارد. ریشه‌های این موضعگیری که در خود بذر اتحاد انقلابی بین پرولتاریا و دهقانان زحمتکش را می‌رویاند از همان آغاز فعالیت سوسیال دموکرات‌های ایران دیده می‌شود. در شهریور ۱۲۸۶ (سپتامبر ۱۹۰۷) برنامه سازمان مجاهدان مشهد که در زیر رهبری سوسیال دموکرات‌ها قرار داشت تصویب شد که در آن از "ماده املاک شاهی و خوانین بزرگ و تقسیم بلاعوض اراضی میان دهقانان، تحدید مالکیت برای همه مالکان و خریداری اقساطی از آنها" سخن می‌رفت. جمعیت سوسیال دموکرات موسوم به "همت" نیز در برنامه خود "ضبط کلیه اراضی اعم از دولتی و فئودالی و مالکان و تقسیم آن میان زارعین را گنجانده بود. در ماده ۸ دستورنامه جمعیت سوسیال دموکرات "مجاهد" که عملاً مرامنامه آن بود چنین آمده است: "وظیفه ما این است که دهقانان و نیز سایر مردم را از بردگی ملاکان و مپاشان آنها برهانیم و اجازه ندهیم که بسیاری از آنها برای یک لقمه نان به خارج کشور رفته و در معادن و زیر بار کارهای سنگین جان بسپارند". در سال ۱۲۹۹ حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، حـزب کمونیست ایران تاسیس شد. در این بیش از پنجاه سالی که از آن تاریخ می‌گذرد اگر پهلوی‌ها برای سرکوب و غارت دهقانان کوشیده‌اند و همواره سیاستی عمیقاً ضد دهقانی داشته‌اند، کمونیست‌های ایران در قطب مخالف آنان برای رهایی و سربلندی و رفاه دهقانان، برای حل درست و بنیادی مسئله ارضی بر شالوده

یک موضعگیری طبقاتی صریح و قاطع رزمیده‌اند. در ماده ۵ برنامه "حداقل حزب کمونیست ایران این وظیفه تعیین شده بود که باید دهقانان را از اسارت مالکیت آزاد کند و وضع اقتصادی آنان را به حساب مالکین بهبود بخشد." حزب کمونیست ایران درکنگره دوم خود (ارومیه ۱۳۰۶) یعنی هنگامی که رضاشاه تازه شالوده پنجاه سال استیلای شوم خانواده خود و ادامه سیطرهٔ نکتت‌بار بساط ارباب - رعیتی رامی ریخت، برنامه‌ای را تصویب کرد که در آن گفته می‌شد: "از وظایف دولت آینده محو کامل بقایای فئودالیسم و در مرحله اول الغای اصول ملاکی اراضی و تقسیم بلاعوض زمین‌های اربابی و وقفی و خالصه بین دهاقین است." و "واگذار نمودن کلیه املاک دولتی و ملاکین بزرگ و موقوفات بطور بلاعوض به دهاقین و ضبط املاک شاه و اشراف و خوانین و تقسیم آنها میان دهاقین" نیز در برنامه حزب کمونیست قید شده بود. به روشنی پیداست که نتایج ده سال عملکرد اصلاحات ارضی نیم بند شاه نه تنها از خواست برنامه‌های ۵۰ سال پیش کمونیست‌ها و اصل واگذاری بلاعوض کلیه اراضی به دهقانان عقب‌تراست، بلکه از نظر ماهیت طبقاتی کاملاً با آن تفاوت دارد. زیرا که خواست کمونیست‌ها از همان آغاز متکی بر منافع طبقاتی زحمتکشان روستاها و زمین‌های برای الغای بهره‌کشی بوده است.

در مرحله جدید جنبش کارگری در میهن ما پس از شهریور ۲۰، حزب توده ایران، وارث و ادامه دهنده راه حزب کمونیست با وجود آنکه به مقتضای شرایط موجود و خطر بازگشت دیکتاتوری و ادامه جنگ منتهای اعتدال را در تدوین نخستین طرح مرامنامه خود رعایت کرده بود، در ماده ۴ این طرح "اصلاحات لازمیه در طرز استفاده از زمین و زراعت و بهبود بخشیدن به وضع زارعین و دهقانان" و در ماده ۸ آن "ضبط اموال و اراضی پادشاه سابق

بمنفع ملت ایران" را گنجانده بود. در هردوسند مرامنامه حزب کمونیست (۱۳۰۶) و مرامنامه حزب توده ایران (۱۳۲۰) در مورد املاک متعلق به شاه از "ضبط" سخن می رود. یکسال بعد در ماده ۳ برنامه حزب مصوب نخستین کنفرانس ایالتی تهران (مهر ۱۳۲۱) گفته میشود: "تقسیم بلاعوض املاک خالصه و املاک اختصاصی رضاشاه بین دهقانان، باز خرید املاک اربابی و تقسیم بلاعوض آنها میان دهقانان". از سند پیشگامان کمونیست در سال ۱۳۰۶ تا این سند حزب توده ای مادر سال ۱۳۲۱ همواره در این پنجاه سال اصل واگذاری بلاعوض زمین ها به دهقانان همانند خط سرخی بعنوان یک ستون اصلی موضعگیری در مسئله آرضی از جانب کمونیست ها آمده است. در هردو زمان چه در آغز تا سیس حزب کمونیست و چه در آغز تا سیس حزب توده ایران، کشور ما در بحبوحه ارباب - رعیتی است و در برابر پهلوی کماکان ستون فقرات و حامی و مدافع این نظام.

در تمام این مدت پنجاه ساله در قطب مقابل سلطنت پهلوی ها، کمونیست ها نه تنها حامل مترقی ترین شعارها در مسئله ارضی بوده و قاطع ترین راه حل مسئله را نشان می دادند بلکه می کوشیدند مبارزه دهقانان را سازمان داده و این نیروی عظیم را به میدان حق طلبی و شرکت در تعیین سرنوشت و اثربخشی بر تحولات اجتماعی بکشانند و یک استخوان بندی پیکار جو از اتحاد کارگر و دهقان ایجاد کنند. کار در بین دهقانان بعقل تاریخی مشخص دشواری های فراوان در برداشت و کمونیست ها همیشه برای بهبود آن با نظر انتقادی به فعالیت خود در این زمینه حیاتی نگریسته اند. در نخستین سالهای حکومت رضاشاهی، حزب کمونیست علیرغم این مشکلات در پاره ای مناطق آذربایجان و گیلان و مشهد و قزوین توانست نقاط اتکالی برای کار در دهات پیدا کند. در اولین سالهای فعالیت حزب توده ایران، هنگامی که محمدرضاشاه

حریمانه مترصد بود تا املاک اختصاصی را بعنوان ارشیه پسداری حفظ کند و به عمر منحوس ارباب - رعیتی ادامه دهد، به ابتکار توده‌ای‌ها نخستین تشکیلات ویژه دهقانی در اطراف تهران و در برخی استانها بخصوص آذربایجان تشکیل شد (خرداد ۱۳۲۲). در مهرماه ۲۳ "اتحادیه دهقانان وابسته به حزب توده ایران" تاسیس شد که منجمله "باز خرید املاک بزرگ و تقسیم بلاعوض آن در میان دهقانان بی زمین و کم زمین، تقسیم بلاعوض زمین‌های خالصه و الفای روابط موجود ارباب - رعیتی" را طلب می‌کرد. علیرغم برخی دشواریها و نارسائیها حزب توانست به مشکلات رسوخ در روستاها غلبه نماید و مبارزه دهقانان را علیه ستمگری مأموران شاه و ژاندارم‌ها و مالکان بزرگ و مباشران و رباخواران سازمان دهد. نقطه اوج این مرحله، پیکارهای دهقانی در چارچوب نهضت ۲۱ آذر و دستاوردهای بیسابقه آن و اصلاحات ارضی در آذربایجان بود که روستاهای کشور را تکان داد. سیاست ضددهقانی خانواده پهلوی با ضربه بسیار شدیدی روبرو شد. در این شرایط در سراسر ایران عده‌ای اتحادیه دهقانان به پیش از یک صد هزار نفر رسید و جنبش‌های نیرومندی در روستاهای کشور به وجود آمد. در نقاطی مانند گیلان و قزوین و اراک و کرمان و شیراز کار به تصادم‌های متعدد و گاه به مبارزه مسلح انجامید. در حالیکه در بار پهلوی با جنگ و دندان همچنان از رسوم ارباب - رعیتی دفاع می‌کرد، این مبارزه توانست در بسیاری نقاط عملاً بیگاری را ملغی کند، به رسم سیورسات پایان دهد، ۲۵٪ تخفیف بهره مالکانه به دست آورد و بالاخره در سالهای بعد و در شرایطی دیگر، به‌هنگامی که تضادها شدت می‌یافت و مبارزات طبقاتی در روستاها اوج می‌گرفت و خطر "انفجار زپائین" دستگاه حکومتی و سلطنت پهلوی را تهدید می‌کرد، انجام یک رشته فرم‌ها را در جهت زوال تدریجی فئودالیسم، به همان هیئت حاکمه و درباری که تا

آن وقت لجوجانه مخالف هرگونه تحول و رفرفمی بودند و با سرنیزه و شلاق از شیوه های ارباب - رعیتی مدافعه می کردند، تحمیل نماید. در واقع دستاوردهای جنبش و تشکل و بیداری دهقانان و بسط پیکار - های دهقانی که در سازمان دادن آن توده های هانقش عمده را داشتند عاملی بود که مهره پشت سیاست دهقانی سلسله پهلوی را شکست و محمدرضا شاه را ناچار کرد به شیوه های تازه متوسل شود. اگر سیاست دهقانی سلسله جبار پهلوی - با وجود حفظ ماهیت ضد - خلقی و حمایت از استثمارگران ناچار دو مرحله متمایز را پیموده، این خود یکی از نتایج جنبی مبارزه حزب توده ایران در راه تشکل و بیدار ساختن روستائیان زحمتکش ایران است. اگر هیئت حاکمه ناچار دست به رفرفم هائی زد و شاه و اطرافیان - ناگزیرند دهقانان را به حساب بیاورند و نه فقط در تبلیغات خود بلکه در سیاست دهقانی خود نیز جایی برای آنان در نظر گیرند، این منجمله شمرهء مبارزه طولانی کمونیست های ایرانی از پنجاه سال پیش تا کنون است.

حزب توده ایران، حزبی که مسئله ارضی را با تمام قوا قبل از همه و با عمق و دامنه ای بیش از همه مطرح ساخته، دهقانان را به صحنه نبرد اجتماعی کشانیده و بیداری و حق طلبی و مشارکت اجتماعی را به ژرف ترین لایه های جامعه ماریسوخ داده است، هم اکنون برنامه عمیق و همه جانبه ای در زمینه سیاست کشاورزی و اصلاح ارضی و حل مسئله دهقانی مطرح نموده که نکات عمده آن در برنامه حزب و در اسناد دیگر حزبی در رابطه با مسئله ارضی مندرج است. حزب توده ایران هم در دورنمای یک مرحله تاریخی، همراه با سرنگونی بساط سلطنت و استقرار جمهوری، وظایف برنامه ای خود را هم زمان با ایجاد یک دولت ملی و دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی تعیین نموده و هم در شرایط کنونی وظایف مشخص و

مبرمی را که در برابر ما موجود است و انجام آنها برچیدن بساط استبدادی حکومت شاه و دار و دسته او و طرد سیاست ضد خلقی و ضد ملی کنونی را ایجاب می کند، روشن کرده است. وجه مشخصه لحظه کنونی عبارت است از نابسامانیهای اقتصاد کشاورزی بحران زده و راکد ایران، وضع ناهنجار دهقانان زحمتکش، فقر و ورشکست و مهاجرت و فقدان وسائل اولیه زندگی، ناراضی ها و مشکلات مالکان کوچک و متوسط و خطر دائمی از جانب گروه معسود زمینداران کلان و بزرگ مالکان سرمایه دار که با دربار پهلوی زد و بند و با انحصارات امپریالیستی پیوند دارند، و بالاخره نگرانی همه کسانی که در رشد تولید داخلی و تحکیم بازار ملی و ایجاد یک اقتصاد کشاورزی سالم و ملی ذینفع هستند. در این شرایط طبقات و اقشار و محافل بسیار وسیعی می توانند و بایستد برای انجام آن وظایف مشخص، به عمل مشخص و مبارزه متحد دست بزنند.

دنیا - شماره ۱۲ - ۱۳۵۴





حزب توده ایران در دفاع از منافع طبقاتی
دهقانان زحمتکش و بخاطر حل بنیادی مسئله ارضی



حزب توده ایران در دفاع از منافع طبقاتی دهقانان زحمتکش و بحاطر حل بنیادی مسئله ارضی

حزب ما می تواند به خود بیادکده - طی سی و پنج سال گذشته -
سرسخت ترین مدافع منافع دهقانان زحمتکش ایران بوده و پیگیری -
ترین برنامه را برای اصلاحات ارضی واقعی و حل بنیادی مسئله
ارضی عرضه داشته و کوشش های بی مانندی برای بیدار کردن
و متشکل کردن دهقانان نموده است. حزب ما برخوردی اصولی، طبقاتی

و انتقادی به کار خود در روستاها و سیاست دهقانی خود داشته و به سبب ادات اسناد و کارنامه فعالیت خویش در راه تامین اتحاد کارگران و دهقانان و تشکل مبارزه دهقانان کوشش بسیار کرده است. در عین حال حزب ما، همچونیک حزب لنینی، که خواستار بهبود مداوم کار خویش و پیشبرد امر انقلاب است با دقت و موشکافی به جنبه های ضعیف کار خود در روستا و در برخی موارد به اشتباهات خویش توجه نموده است، زیرا که چه بسا برنامه ها و شعارهای ما فعالیت تشکیلاتی و سازمان دهی مادرزمینه های مختلف و در رشته های گوناگون بسیار دقیق تر و هدفمندتر و موثرتر از زمینه ارضی و مسائل دهقانی بوده است.

حزب ما کار خود را در زمینه دهقانی برشالوده سنت و سابقه ای غنی آغاز کرد و در این زمینه نیز :

حزب توده ایران وارث سنت های حزب کمونیست ایران است

حزب کمونیست ایران همواره مدافع قاطع منافع دهقانان فقیر و ستمکش بوده و کوشیده است مشی خود را در زمینه ارضی بتدریج کامل تر و دقیق تر کند. حزب کمونیست ایران بر پایه تجربیات و سوابق جمعیت های سوسیال دمکرات انقلابی یکی از مواد اصلی نخستین برنامه خود را "مصادره زمین های مالکان بزرگ و فئودال ها و تقسیم بلاعوض آنها در میان دهقانان" قرار داد. ولی در میدان عمل بویژه در زمان حکومت گیلان حزب دچار اشتباهات و چپ روی هائی شد که پس از پلنوم مهر ۱۲۹۹ و انتخاب حیدر عمو و غلی به دبیرکلی حزب تصحیح گردید و تفاوت بین شعارهای استراتژیک نظیر "ضبط زمین های مالکین بزرگ" و اقدامات مبرم و تاکتیکی نظیر "اضافه کردن سهم دهقانان"

مشخص تر و دقیق تر شد. برنامه سال ۱۳۰۶ حزب کمونیست وظیفه استراتژیک نحو کامل بقایای فئودالیسم و الغای اصول بلائی ارضی و تقسیم بلاعوض زمین های اربابی و وقفی و خالصه بین دهاقین را تعیین می کرد. و در برنامه حداقـل، با در نظر گرفتن نرمشهای لازم، "بهبود وضع اقتصادی دهقانان رابه حساب مالکین" منظور می داشت. بطرز کلی در مسئله ارضی حزب کمونیست در مبارزه با راستگرایی موفق تربود و از آنجا که هنوز مرحله کودکی خویش را می گذرانید بیشتر در معرض بیماری چپگرایی قرار می گرفت. پس از شهریور ۲۰ و پایان دوره رضا شاهی که دوره تحکیم مناسبات ارباب-رعیتی و تشدید ظلم مالکان بزرگ بود،

سیاست حزب توده ایران در مسئله ارضی

در شرایطی تدوین شد که اربابان فئودال همچنان حاکم مطلق بوده و در دهات بساط غارت و ستم بی سابقه ای را براه انداخته و دهقانان را در عقب ماندگی مادی و معنوی باورنکردنی نگهداشته بودند. این سیاست در طول تاریخ سی و پنج ساله حزب بتدریج شکل گرفته و کامل تر شده، به فرمول بندیهای دقیق تر دست یافته و همچنانکه از یک حزب زنده و در پیوند با توده ها و با تکامل جامعه انتظار می رود، منجمد و خشک باقی نمانده و در جهت عمیق تر شدن، دقیق تر شدن و درست تربودن تحول پیدا کرده است. بعلاوه در حالیکه اساس مسئله و راه حل مارکسیستی-لنینیستی مسئله، همواره برای حزب ما روشن بوده، در هر مرحله مشخص حزب به شرایط مشخص زمان و بیه وظایف اصلی مبـرم روز و به امکانات و مقدمات عملی موجود توجه داشته و آنها را در فرمول-

بندی‌های خود در نظر گرفته است. مثلاً نخستین طرح مرامنامه حزبی بعلت وظایف خاص خود نبرده شد هیئت‌ری و خطر بازگشت دیکتاتوری هنوز تصویر روشنی از یک برنامه رضی‌رایه دست نمی‌داد ولی یکسال بعد در ماه ۶ سوم برنامه‌ای توسط کنفرانس ایالتی تهران (مهر ۱۳۲۱) به تصویب رسید، "تقسیم بلاعوض املاک خالصه و املاک اختصاصی رضا شاه بین دهقانان، بازخرید املاک اربابی آنها میان دهقانان"، طلب می‌گردند. دو نکته اساسی و دو اندیشه راهنما در این سند که بیانگر موضع طبقاتی حزب ما و درک درست مسئله است، عبارتند از: اولاً، تقسیم بلاعوض زمین بین دهقانان یعنی یول یا قسطی بابت زمین‌هایی که می‌گیرند نباید پرداختند و ثانیاً، تفاوت بین زمین‌های خالصه و سلطنتی از یکسو که ضابط و صادره میشود و زمین‌های اربابی که بازخرید می‌گردد. با این حال سند هنوز به اندازه کافی دقیق و مشخص نیست. چرا که بین خود مالکان تفاوتی دیده نمی‌شود و مقصود از "املاک اربابی" روشن نیست، تکلیف مالکان کوچک و متوسط معلوم نیست و در مورد دهقانان نیز فرمول بندی بسیار کلی است.

هنگامیکه حزب، هنوز در دوران علنی، سازمان دهقانی وابسته به خود "اتحادیه دهقانان" را به وجود آورد (مهر ۱۳۲۳) در برنامه آن چنین نوشته شد: "بازخرید املاک بزرگ و تقسیم بلاعوض آنها در میان دهقانان بی زمین و کم زمین، تقسیم بلاعوض زمین‌های خالصه و الغای روابط موجود ارباب-رعیتی، مشاهده می‌کنیم که در اینجا اولاً صراحتاً و ثانیاً "مسئله الغای روابط ارباب-رعیتی بمتابیه هدف اساسی تعیین شده، ثانیاً به قشر بندی مالکان توجه شده و مسئله بازخرید در مورد املاک بزرگ مطرح گردیده و ثالثاً، وجود قشر بندی در میان دهقانان نیز در نظر گرفته شده و اعلام شده که نه تنها دهقانان بی زمین (اعم از صاحب نسق و یا فاقد نسق) باید زمین بگیرند، بلکه

دهقانان کم زمین که مقدار کم زمینشان تکافوی زندگی و رشد تولید را نمی کرد باید به حساب "املاک بزرگ" صاحب زمین بیشتری بشوند؛ در آن زمان، یعنی سی و دو سال پیش، به هنگامیکه اربابان بزرگ سلطه بلامنازع داشتند و دربار پهلوی تکیه گاه اصلی آنها و امپریالیسم هنوز حامی آنها بود، این تنها حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران بود که چنین سیاست و برداشتی از مسئله ارضی داشت. بجاست که مدعیان امروزی، آنهاستیکه می گویند حزب توده ایران خواستار اصلاحات ارضی نشد و بر مبارزات حزب ما در این زمینه خط بطلان می کشند، این واقعات انکارناپذیر را نادیده نیانگارند.

چند سال بعد هنگامی که نهضت ضد امپریالیستی میهن ما ضربات سنگین بر استعمار و به دربار وارد ساخته و عملاً کمر سیاست دهقانی رژیم، بویژه بر اثر اصلاحات ارضی ۱۳۲۵ حکومت دمکراتیک آذربایجان و رشد نهضت توده‌ای و دهقانی شکسته شده بود ما با مرحله تازه‌ای از سیاست ارضی حزب و تدقیق و تعمیق آن روبرو هستیم. در حالیکه حداکثر آنچه که دولت به دهقانان ایران پیشنهاد کرده و وعده می داد "قانون ازدیاد سهم کشاورزان و سازمان عمران کشاورزی" بود که بنا بر آن ۲۰٪ از سهم مالکان کسر می شد (۱۰٪ به سود دهقانان مربوطه و ۱۰٪ برای عمران منطقه و تعاون)، "انجمن کمک به دهقانان ایران" یعنی سازمان علنی دهقانی که حزب غیرقانونی اعلام شده ما بوجود آورده بود خواستار "زمیندار کردن کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین، تقسیم کلیه اراضی فئودال ها و خان ها، بخشودگی کلیه قروض دهقانان بطور قطع و تقسیم مجانی و بلاعوض کلیه اراضی خالصه و املاک غصبی شاه" بود. این مطالب در نامه سرگشاده‌ای که از طرف انجمن مزبور به دکتر محمد مصدق نخست

وزیر ضمن تشریح وضع روستاها فرستاده شد، آمده است .
در آن زمان ، یک ربع قرن پیش ، مسئله مرکزی اصلاحات
ارضی بنیادی یعنی حذف مالکیت بزرگ خصوصی بر زمین و
زمین دار کردن دهقانان زحمتکش با قاطعیت و بدرستی توسط حزب
طرح شد . هیچگونه دروغ ، پرده پوشی یا افترا نمی تواند این
واقعیت تاریخی را مخدوش سازد . به نظر حزب ، از همان زمان ،
اولاً ، کلیه دهقانان می بایست از اصلاحات ارضی برخوردار شوند
(نه آنکه مثل اصلاحات مثله شده ملوکانه نیمی از دهقانان
بعناوین مختلف محروم بمانند) ، ثانیاً کلیه اراضی فئودال ها
می بایست مشمول اصلاحات ارضی شود (نه آنکه مثل اصلاحات
نیم بند شاهانه اغلب مالکان مرغوب ترین و بهترین زمین ها را
به بهانه های مختلف در دست خود نگهداشته و به زمین داران
صاحب سرمایه بدل گردند) ، ثالثاً زمیندار شدن دهقانان
می بایست مجانی و بلاعوض باشد (نه آنکه مثل شیوه ضددهقانی
شاه کمر دهقانان در مراحل چند گانه زیر بار قسط و اجاره
بهاخرد شود) و بالاخره عوارض و آثار سلطه اربابی و زورگویی
و دستاویز وابستگی ها که بدهیهای دهقانی ، در زمینه مالی ،
مهمترین و دردناک ترین آنها بود ، می بایست از بین برده شود
و کلیه قروض بخشوده گردد (نه آنکه مثل شیوه های شاهانه
دیون تقسیط گردد و با تنزیل و نرخ بهره اضافی هر ساله
زنجیر وابستگی دهقانان به رباخواران و سلف خرها و بانک های
دولتی و شخصی افزوده شود) .

در عین موضع گیری طبقاتی قاطع ضد فئودالی و ارائه برنامه
روشن ارضی در نامه نوشته شده بود : "نه تنها باید به دهقانان
بی زمین و کم زمین مساعدت کرد تا بتوانند از خود آب و ملک
داشته باشند بلکه به خرده مالکین و دهقانان دولتمند نیز

باید کمک کرد تا از زیر فشار مالکین بزرگ و تعدیات ماموران دولتی آزاد شوند. "حزب توده" ایران توانسته مسئله ارضی را بعنوان تابعی از منافع عمومی طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش و همه رنجبران کشور و در وابستگی کامل با مسئله اساسی زمان، نبرد ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه آزادیخواهانسه و با در نظر گرفتن مقتضیات پیکار به خاطر ملی کردن نفت و به نحو و شکلی مطرح نماید که موجبات جلب قشرهای هرچه وسیع تری از طبقات و قشرهایی که می توانستند در این نبرد سهمی باشند، فراهم آید.

از آنچه که گفتیم تحول مشی سیاسی حزب، رشد و تکامل سیاست و برنامه ارضی آن در طول زمان دیده می شود. برپایه این برنامه و سیاست بود که :

فعالیت عملی حزب توده ایران برای شکل و سازماندهی مبارزه

دهقانان

انجام گرفت اولین گام های مقاومت و حق طلبی و جنبش دهقانانی که با فرار رضا شاه (شهریور ۱۳۲۰) و انفجار حاصله در محیط سیاسی و اجتماعی ایران ابعاد کمی و کیفی تازه ای یافته بود ، می بایست توسط حزب جدید التاسیس توده ایران (مهر ۱۳۲۰) که ادامه دهنده فعالیت ها و سنت های حزب کمونیست ایران ، بود ، سازمان یابد ، رهبری شود و با شعارهای مشخص مجهز گردد. فعالیت عملی در میان دهقانان را حزب توده ایران هم بصورت علنی و استفاده از آزادیهای قانونی موجود و امکانات علنی و هم بصورت مخفی و غیرعلنی انجام می داد. باید توجه

کرد که این امر تنها مربوط به تقسیم تاریخ زندگی حزب به دوره علنی و مخفی نیست، چه بسا در دوره‌ای که حزب در مقیاس کشوری علنی بود و حتی نماینده در مجلس داشت به علت تسلط کامل ارتجاع در مناطق معین و مطلق العنان بودن ارباب و خان منطقه و همچنین سوء استفاده آنان از برخی سنت‌ها و عقب ماندگی‌ها حزب ناچار می‌شد در این مناطق بطور مخفی به کار سازمانی بپردازد و اندیشه‌ها و شعارهای خود را بطور غیر علنی و مخفیانه به میان دهقانان ببرد، فعالین توده‌ای در این موارد مطابق موازین فعالیت مخفی شعارهای حزب را تبلیغ و منتشر می‌کردند و هسته‌های تشکیلات روستائی را در این گونه مناطق بوجود می‌آوردند. پس از آنکه حزب را غیرقانونی اعلام کردند (بهمن ۲۷) با استفاده درست از آموزش‌لنینیستی در آمیختن فعالیت علنی و کار مخفی، حزب توانست، در حالیکه در مقیاس کشوری، "منحله و غیرقانونی" بود، تا سال ۳۲ فعالیت‌های آشکار و متعدد علنی و پیرارزشی را سازمان داده و از راه‌های علنی و قانونی کار تشکیلاتی عظیمی را در دهات از پیش ببرد و در زمینه شکل دهقانان و تبلیغ میان آنها و بسیج آنها و بیداریشان، به کامیابی‌های چشمگیر نائل آید. برای فعالیت‌های آینده توجه به این گذشته غنی و پربار و درس‌آموزی از آن لازم است.

نمونه برجسته کار سازمانی در زمان علنی بودن حزب، تشکیل "اتحادیه دهقانان وابسته به حزب توده ایران" (مهر ۲۳) و پس از غیرقانونی شدن حزب، تشکیل سازمان علنی "انجمن کمک به دهقانان ایران" بود.

پس از آنکه طی دو سال اول موجودیت خویش پیکر حزب سریعاً رشد یافت و حزب بویژه به توسعه تشکیلات خود در شهرها و

در کارخانه ها و در میان روشنفکران توجه نمود، کنسگره اول حزب توده ایران (مرداد ۱۳۲۳) منجمله متوجه کمبودها و نواقص کار در دهات شد و اعلام کرد که "اکنون دیگر هنگام آن رسیده که حزب توجه خاصی به کار در روستاها معطوف دارد." خود ترکیب اعضای حزب نشان می داد که واقعا هم می بایست نیرو را متوجه کار در روستاها کرد، در آن موقع ترکیب اعضای حزب عبارت بود از ۷۵% کارگر، ۲۳% کارمند، و تنها ۲% دهقان. در اجرای این رهنمود در اوائل پائیز سال ۱۳۲۳ تصمیم به تشکیل "اتحادیه دهقانان" گرفته شد. قبلا نخستین تشکیلات مخصوص دهقانان به ابتکار توده ای ها، در دهات اطراف تهران و در برخی روستاهای آذربایجان از خرداد سال ۱۳۲۲ ایجاد شده بود. بر پایه این سازمانهای محلی بود که "اتحادیه دهقانان" بوجود آمد. تشکیل اتحادیه تکان نیرومندی به جنبش دهقانی داد و آن را متشکل و هدفمند ساخت، سازمان یافتگی تغییر کیفی در این جنبش بوجود آورد. طی سه سال عده اعضای اتحادیه دهقانان به چندین هزار رسید. مبارزات روزمره بخاطر خواسته های مبرم در بسیاری نقاط منجر به الغای بی کاری و جلوگیری از تجاوزات مالکان شد. دهقانان به حقوق خود و به نیروی متشکل خویش و به لزوم مبارزه پی می بردند و این مسئله کوچکی نبود. در پایان سال ۱۳۲۵ اتحادیه در روستاهای گیلان و مازندران و کرمان و تهران و کردستان و خراسان و همدان و کرمانشاه و اصفهان و فارس و قزوین و اراک و یزد دارای سازمانهای وسیع بود. تنها در اتحادیه های دهقانی اطراف اصفهان ۱۵۰ هزار نفر نام نویسی کرده بودند. در ملایر سازمانهای مستحکم دهقانی در برابر نیروهای ژاندارم مسلحانه رزمیدند، در نقاط دیگری نیز کار به زد و خورد مسلح کشید. بعلاوه حزب توانست با جمعیت دهقانی

"مختلط ملی" که یک سازمان مترقی و پایگاه عمده اش در روستاها بود، در آبان ماه ۱۳۲۵ وحدت سازمانی بعمل آورد. فقط در زرند ۱۵۰۰ نفر دهقان عضو آن جمعیت به حزب ما و "اتحادیه دهقانان" ملحق شدند. همچنین حزب از فرصت کوتاه شرکت در دولت (از مرداد تا بهمن ۱۳۲۵) برای ژرفتر کردن رخنه در روستاها و ایجاد سازمانهای دهقانی استفاده برد.

نقطه اوج مبارزات دهقانی در سالهای ۲۵-۲۱، دستاوردهای درخشان نهضت ۲۱ آذر آذربایجان و اصلاحات ارضی توسط حکومت ملی در این منطقه بود که هم ستون فقرات سیاست دهقانی هیئت حاکمه را شکست و ضربه خردکننده ای برشالوده نظام ارباب-رعیتی وارد کرد و موجب تحولات آتی دامنه داری گردید و هم در تمام نقاط ایران چشمها را باز کرد و تحرک بی سابقه ای در میان دهقانان بوجود آورد. سازمان های حزب توده ایران در آذربایجان که در دهات شبکه های فعال و پرقدرتی بوجود آورده بودند، با الحاق به نرجه دموکرات آذربایجان و اعلام حکومت ملی فرصت یافتند آنچه را که می گفتند و وعده می دادند و در برنامه خود مطرح می ساختند، به مرحله عمل درآوردند. یگانگی گفتار و کردار و وفاداری به اصول اعلام شده را در عمل ثابت کنند، زمین به دهقانان زحمتکش واگذار گردید و برای اولین بار در تاریخ ایران اصلاحات ارضی بنیادی بدست دهقانان و به سود منافع طبقاتی دهقانان زحمتکش اجرا شد.

هجوم خونین ارتجاع هار همراه با بازگشت اربابان، بسیاری از این دستاوردها را نابود ساخت و دو سال بعد با توطئه بهمن ۲۷ و به دنبال غیرقانونی اعلام کردن حزب توده ایران "اتحادیه دهقانان" نیز منحل گردید.

اما حزب بعد از چند سالی توانست تشکیلات علنی جدیدی

برای دهقانان بوجود آورد. این سازمان یعنی "انجمن کمک به دهقانان ایران" که دارای شبکه تشکیلاتی و روزنامه علمی مخصوص بخود بود توانست بنوبه خویش کار مهمی در پیشبرد سیاست حزب انجام دهد. در سال های ۳۲-۲۷ حزب توده ایران، در شکل مبارزات ویژه دهقانی و برای مطالبات خاص آنها پیشقدم شد. در موارد مربوط به دعاوی ارضی و بهره مالکانه و بیگاری و طرز اجرای قوانین مختلف کشاورزی و در مسئله مالیات ها و همچنین برای روشن ساختن طرز فکر دهقانان و آشنا ساختن آنها با ماهیت امور و نشان دادن رابطه بین وضع مشخص و خواست های مبرم آنها با جریانات سیاسی و منافع اساسی طبقات خویش و با وضع جهان حزب فعالیت روشنگرانه تشکیلاتی و تبلیغاتی گسترده ای به انجام رسانید. هم چنین حزب توده ایران در زمینه درآمیخته ساختن مبارزات ویژه دهقانی با مبارزات عمومی خلق در راه استقلال و آزادی علیه شرکت نفت، علیه امپریالیسم و برای خواست های همگانی خلقی و میهنی نقش اساسی و راهگشا داشته و از امکانات علمی موجود برای جلب دهقانان به مبارزه در راه این هدف ها استفاده نمود. نمونه: در میتینگ بزرگ ۸۰ هزار نفری اول ماه مه ۳۰ دهقانان اطراف تهران در کنار کارگران و روشنفکران و پیشه وران به خیابانها آمدند، هزاران دهقان رودباری پای پیاده به استقبال کاندیدای نمایندگی در انتخابات مجلس که از جانب حزب توده ایران پشتیبانی می شد، شتافتند (فروردین ۳۱)، در کرمان نیز نماینده حزبی از جانب دهقانان روی دست تا مسافت زیادی برده شد، تشکیل کمیته های مشترک ضد امپریالیستی در برخی از روستاها پس از سی تیر ۳۱، اعزام مرتب گروه های کارگری و روشنفکری به دهات برای کار روشنگری و جلب دهقانان، در این دوران میتینگ های چند صد نفری در دهات و در برخی قصبات با گرد آمدن زارعین

حزب توده ایران...

چند ده نزدیک میتینگ‌های چند هزار نفری تشکیل می‌شدند. دهقانان ابتکارات جالبی برای خنثی کردن دسایس مباحث‌گران و ژاندارم‌ها نشان می‌دادند تا میتینگ خود را بر پا کنند. بست‌نشستن در تلگراف‌خانه و اجتماع در مقابل ادارت کشاورزی و استانداری و فرمانداری و جاری ساختن سیل نامه و طومار و تلگرام از اشکال روزمره حق‌طلبی شده بود. در دهکده‌های آذربایجان - چند سال پس از شکست حکومت ملی - دهقانان مالکان را از ده بیرون می‌رانند و حتی دستجات ژاندارم هم قادر نبودند مالک را به ده بازگردانند. هفته‌ای نبود که از دامغان یا چالوس، لنگرود یا نوشهر، شاهی یا اردکان، مراغه یا سنندج، خبر اعتراضات و دادخواهی در جراید منتشر نشود.

در مجموع مبارزات سازمانی و تبلیغاتی حزب توده ایران، فعالیت‌های انجام شده، بازتاب اصلاحات ارضی سال ۲۵ در آذربایجان و عقب‌نشینی‌های عمومی هیئت حاکمه در سطح کشور بر اثر مبارزه نیروهای مترقی، به بالا رفتن سطح سیاسی توده‌های دهقانان و مبارزه جوئی و آگاهی آنان و اوج تازه جنبش دهقانی کمک کرد. اما در حالی که جنبش‌های دهقانی وسعت می‌یافتند، رهبری و سازمان‌های حزبی همواره قادر نبودند هدایت آنها را بعهده بگیرند و تکامل سازمان یافته آنها را تأمین کنند.

اما هر جا که کمیته‌های حزبی یا فعالین حزبی اهمیت فعالیت سازمانی در ده را عمیقاً درک می‌کردند، بر دشواریهای ویژه این کار و منجمله آهستگی و کندگی آن و بر ناباوری‌ها و عدم اعتماد اولیه غلبه می‌کردند. بلافاصله نتایج درخشان کار آشکار می‌شد. توده‌های دهقانی در اکثریت قابل

ملاحظه خود به سوی حزب جلب می گردید . این واقعیت ، نشانه نادرستی نظریهٔ ناآمادگی دهات و عقب ماندگی ذاتی دهقانان و بیهودگی صرفانرژی درآن و در نتیجه همه این هاگویایی اثر بودن یا کم اثر بودن فعالیت در ده است . درست در همانجا که فعالیت تشکیلاتی و روشنگری در بین دهقانان با همت و شور فعالین حزبی انجام می گرفت ، نهضت های دهقانی اوج می یافتند .

با کودتای ۲۸ مرداد ۲۲ این مرحله از نبرد نیز پایان یافت . سازمان های حزبی درهم شکسته شد . سازمان های علنی دموکراتیک تار و مار شدند . هیئت حاکمه از مبارزان توده ای با اعدام و زندان انتقام می کشید . با وجود آنکه امکانات سازمانی توده ایها به حداقل کاهش یافته بود ولی ثمرات نبردهای پیشین ، آگاهی روزافزون دهقانان ، خاطره موفقیت ها و روشنگریها همچنان آتش حق طلبی و پییکار را در روستاها فروزان نگاهداشته تا جائیکه بر اثر همان مبارزات طولانی و پیگیر و بدنبال تکان عظیمی که روستاها خورده و دیگر حاضر به تحمل بساط ارباب - رعیتی نبودند ، رژیم شاه ناچار دست به رفرم از بالا زد و اصلاحات ارضی نیم بند و ناقصی را که در هر حال یک عقب نشینی و شمره فرعی آن مبارزات پر شور انقلابی و برای جلوگیری از اعتلای جنبش دهقانی و انفجار از پائین بوده به راه انداخت . در جریان اصلاحات ارضی تنها حزب توده ایران بود که از موضع مارکسیستی - لنینیستی توانست بدرستی ماهیت ، عمق ، جهت و هدف تدابیر رژیم را ارزیابی کند . تنها حزب ما بود که با فعالیت روشنگری و تبلیغاتی خود کوشید مردم و توده دهقانی را با این ارزیابی آشنا سازد و تبلیغات عوام فریبانه را بر ملا

حزب توده ایران ...

نماید و به مبارزه وسیع دهقانان که می کوشید حتی المقدور اصلاحات ارضی را در مسیر خواست های خویش سیر دهند، یساری رسانند. گله ارسنجانی وزیر کشاورزی وقت از اینکه دهقانان به جای آنکه به حرف های دولت توجه کنند، بیشتر به رادیوی پیک ایران گوش می دهند و هم چنین انعکاس وسیع شعارها و رهنمودهای مشخص حزب ما در زمینه ها و مراحل مختلف اصلاحات ارضی و نپرداختن اجاره بها و بدهی ها و راه ندادن مالک بده و خواست تعمیق مواد قانون، نشانه شمر بخشی این مبارزه است. در این مرحله که حزب فاقد شبکه سازمانی لازم در روستاها بود و زیر ضربات دائمی ترور و اختناق رژیم شاه قرار داشت نقش در خور بسیج کننده و به میدان آورنده را نتوانست در روستاها انجام دهد، اگرچه علیرغم همه مشکلات عمومی و دشواریهای داخلی همواره صدیق ترین مدافع منافع دهقانان زحمتکش باقی ماند و همچنان و بحق، از نظر اکثریت عظیم دهقانان آگاه تنها حزب مدافع صمیمی و پیگیر آنها، تنها راهنما و دلسوز آنها و بیانگر منافع طبقاتی و خواست های مبرم و دراز مدت آنان است.

نتیجه اینکه طی این سی و پنج سال چه از نظر تدوین مشی سیاست دهقانی و برنامه ارضی و چه از نظر فعالیت عملی و سازماندهی و تبلیغاتی برای بیداری و تشکل دهقانان، حزب توده ایران آن چنان کاری در دهات انجام داده است که حتی دشمنان هم نمی توانند اثرات آن را انکار کنند. دست کم، شگفت انگیز است که گاه مدعیان بررسی "مارکسیستی" تاریخ معاصر ایران این واقعیات را نادیده می گیرند. هنگامی که دسترسی به همه اسناد ممکن گردد و فعالینی که خود دست اندر کار این فعالیت پرتب و تاب بوده اند، چند و چون آن را بیان

نموده و ارزیابی نمایند، تازه آن وقت درخشش و ژرفنمای این کار پرشور و پراثر آشکار خواهد شد.

سیاست و برنامه ارضی و شعارهای حزب ما و مبارزات عملی و اقدامات سازماندهی که همراه آن بود، جامعه ایران را در ارکان خویش تکان داد. از همان سالهاست که دیهقانان دهقانان ایرانی عوض شدند. قشرهای هر چه وسیع تری از دهقانان پا به عرصه نبرد اجتماعی نهادند و به حق طلبی برخاستند و موجب ترس دائمی دربار و هیئت حاکمه شدند. از همان زمانهاست که تشکل و مبارزات دهقانان و آگاهی فزاینده آنان بصورت شبی هولناک برای دربار و هیئت حاکمه درآمد و آنها را به فرمها و گذشتها و عقب نشینی ها و عوام فریبی ها واداشته است. از همان زمان است که اجرای اصلاحات ارضی و الفئای بساط ارباب - رعیتی به امری ناگزیر بدل شد. این همه، مدیون حزب توده ایران است و عشق و علاقه دهقانان زحمتکش به حزب توده ایران که آن را حزب خود می دانند از همین جا ریشه و مایه می گیرد. به ارزیابی رفیق فقید کامبخش، دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران، "اگرچه حزب در زمان کار مخفی نتوانست توجه کافی به کار در ده کند ولی اثری که مبارزه حزب در ده گذاشت زوددنی نیست. و هرگز هیچ سازمان سیاسی دیگری چنین نقشه عمیق برای امحاء فئودالیسم و نجسات دهقانان ایران مطرح نساخته بود." (نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران، جلد اول، صفحات ۱۷۸ - ۱۷۷).

با تکیه بر یک سابقه تاریخی بیش از ۶۰ ساله، مشحون از نبرد در راه دفاع از منافع دهقانان، و کوشش برای تنظیم یک برنامه درست و جامع ارضی و با پند آموزی مستقیم از تاریخ ۲۵ ساله اخیر خود، با استفاده از آموزش جهانشمول

مارکسیسم - لنینیسم و بهره‌گیری از تجربیات دیگر کشورها و احزاب برادر است که:

برنامه ارضی حزب توده ایران

تدوین گردید و مرتباً جامع‌تر و دقیق‌تر شد و خواهد شد . سیاست ارضی حزب ما و راه حل‌هایی که در مسائل دهقانی و کشاورزی عرضه می‌کند بویژه در اسناد رسمی حزب ، برنامه حزب توده ایران ، گزارش‌های پلنوم ها ، قطعنامه‌ها ، اعلامیه‌ها ، ترزا و رهنمودهای کمیته مرکزی حزب و همچنین در مدارک و جزواتی که از جانب حزب انتشار یافته مندرج است و نکات مختلف و جزئیات مشخص آن توسط دستگاه تبلیغاتی حزب توضیح داده می‌شود .

وجه مشخصه این برنامه عبارت است از مبارزه قاطع علیه بهره‌کشی و ستم به دهقانان (چه در شکل اربابی آن و چه در شکل سرمایه‌داری و نواستعماری آن) و اجرای تمام و کمال اصل زمین مال کسی است که روی آن کار می‌کند، عبارت است از موضعگیری قاطع و روشن طبقاتی و طرح مسئله در چارچوب عمومی مسائل کشوری و پیشرفت جامعه ما ، یکی از مهم‌ترین هدف‌های آن جلب دهقانان به مبارزه و کمک به ایجاد یک جبهه واحد از همه نیروهای میهنی و ترقیخواه است که اتحاد کارگر و دهقان اسنخوان بندی آن را تشکیل می‌دهد . خصوصیت دیگر آن عبارت است از گرایش بسوی مشخص شدن هرچه بیشتر مواضع و ارائه راه حل‌های مشخص در زمینه‌های مختلف و عرضه رهنمودهای عمل در مورد اقشار مختلف دهقانی و خواست‌های متنوع زحمتکشان روستاها ، در مورد مسائل ویژه اقتصاد کشاورزی .

برنامه حزب توده ایران (مصوب پلنوم پانزدهم - تیر ۱۳۵۴) مسئله ارضی را در چارچوب کلی تکامل جامعه ایران و موافق با مرحله کنونی رشد اجتماع و انقلاب ایران طرح می کند. برنامه حزب با بررسی دقیق و علمی و واقع بینانه تحولاتی که در روستاها روی داده و نتایجی که اصلاحات ارضی به بار آورده ، این واقعیت مهم را که حائز اهمیت درجه اول است خاطر نشان می کند که "حل بنیادی مسئله ارضی به سود دهقانان بی زمین و کم زمین و به سود تمام جامعه همچنان در دستور روز مبارزه باقی است" (برنامه حزب توده ایران - صفحه ۱۳ ، چاپ آذر ۱۳۵۴) حزب ما در این زمینه هر دو انحراف راست و چپ را طرد کرده. نه معتقد شد که اقدامات نیم بند و مثله شده شاهانه مسئله ارضی را حل کرده و اصلاحات ارضی بنیادی انجام گرفته و نه منکر هرگونه تغییر و دگرگونی در روستاها و وضع مالکیت شد. حزب ما ابعاد، جا، نقش و ماهیت این اقدامات را بمتابسه یک عقب نشینی همراه با عوام فریبی ها، مملو از نارسائی ها و باروشی آشکارا ضد دهقانی و بمتابسه کوششی نواستعماری بشیرای ایجاد محملها و شرایط لازم برای بسط مناسبات سرمایه داری در روستای ایران ارزیابی کرد که به ناچار زوال تدریجی مناسبات ارباب- رعیتی را به همراه دارد، بدون آنکه مسئله ارضی را به سود دهقانان حل کند. در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اعلام خاتمه یافتن اصلاحات ارضی رژیم گفته می شود که ما " طرفدار انجام یک رفرم ارضی بنیادی و همه جانبه توسط دولت ملی و دموکراتیک بر اساس منافع طبقاتی دهقانان زحمتکش و با شرکت خود آنان هستیم". عواملی که در حال حاضر در تعیین سیاست و برنامه حزب ما مد نظر قرار می گیرند عبارتند از: رشد نسبتا سریع

مناسبات بهره کشی سرمایه‌داری در روستاها و سعی فراوان دولت در این جهت ، رسوخ روزافزون سرمایه‌های امپریالیستی در کشاورزی ، بی زمین ماندن میلیونها تن از دهقانان ، سلب مالکیت از عده فزاینده‌ای دهقانان کم زمین و ریزه مالکان و خرده مالکان ، رکود تولید کشاورزی ، بحران زدگی مزمینی که تقریبا همه رشته‌های کشاورزی را در بر گرفته و ریشه ایمن زمینه حیاتی اقتصاد ما را می‌پوساند، بی خانمانی و ورشکست و مهاجرت‌های روستائی بی رویه و غیرعادی بسای آمده‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و انسانی آن ، بار سنگین انواع پرداخت‌ها ، فشار ژاندارم و ساواک و رستاخیز و انواع ادارات دولتی و در نتیجه رویارویی مستقیم دهقان با دولت ، وضع بد زندگی و مسکن و بهداشت و آموزش در دهات .

در این شرایط مشخص ما حل بنیادی مسئله ارضی را باطرد راه رشد سرمایه‌داری ، تامین استقلال کامل سیاسی و اقتصادی و طرد سلطه امپریالیسم ، باسرنگونی بساط ترور و اختناق و سیطره سلطنت استبدادی مربوط می‌کنیم . ما حل قطعی و بنیادی مسئله ارضی را در سمت‌گیری سوسیالیستی جامعه توسط یک حکومت جمهوری ملی و دموکراتیک می‌بینیم که راه را برای زدودن هر گونه استثمار خواهد گشود . در این چارچوب ما به قشربندی درون دهقانان و تغییرات مداوم لایه‌های مختلف آن در روستاها ، به تلاشی مالکان قدیم و قشرهای مختلف زمینداران صاحب سرمایه توجه داریم و تضادهائی را که در حال زایش و نمو هستند و بیش از پیش سیمای روستای ایران را مشخص می‌کنند در نظرمی‌گیریم و در نتیجه برنامه ارضی همه جانبه‌ای را ارائه می‌دهیم . دریک فرمول بندی کلی در باره چگونگی حل مسئله ارضی ، برنامه حزب توده ایران (در بخش ۴ فصل ۲ ماده ۸) چنین

می گوید:

"برای اصلاحات ارضی بنیادی از طریق مصادره زمین های متعلق ب زمینداران بزرگ و ملی کردن موسسات بزرگ کشاورزی و دامپروری ، دایر کردن زمین های بایر و موات و هر گونه زمین قابل کشت بمنظور تامین زمین کافی برای دهقانان بی زمین و کم زمین ، تضمین مالکیت دهقانی کمک همه جانبه به ایجاد شرکت های تعاونی تولیدی دهقانی مجهز به تکنیک و شیوه علمی تولید، تامین و تسهیل اعتبارات دولتی برای دهقانان، گسترش شرکت های تعاونی فروش و مصرف به سود دهقانان ، گسترش تولید کشاورزی و تنظیم قیمت عادلانه برای محصولات کشاورزی، به کار بردن کلیه وسایل و ابتکارات لازم برای حل مسئله آب ، الغای وامها ، اقساط زمین و دیگر تحمیلاتی که توسط مالکان و دولت علیه دهقانان به عمل آمده" (برنامه ، صفحه ۳۲).

در این ماده آن نکاتی که مستقیماً مربوط به مسئله است مطرح شده ولی البته تمام جنبه های سیاست ارضی ما و نظریات و پیشنهادهای ما و برنامه ما را در زمینه ارضی و مسائل دهقانی در بر نمی گیرد. همانطور که از مطالب خود برنامه پیداست بسیاری از مسائل ارضی در جامعیت خویش در رابطه با مسئله تولید کشاورزی و رشد آن و تامین خود کفائی مقدور، در رابطه با تحولات عمیق اجتماعی بنفع اکثریت مردم و منجمله دهقانان زحمتکش مطرح میشود. در همین برنامه به هنگامی که از "تحکیم استقلال اقتصادی کشور" و "خاتمه دادن به سلطه غارت و مداخلات انحصارات و دولت های امپریالیستی و پایان دادن به سیاست هم پیوندی با امپریالیسم درزمینه های اقتصادی" سخن می رود نتایج عملی آن مستقیماً متوجه اقتصاد کشاورزی ماست. ما در رابطه با مسئله ارضی و هسته مرکزی

آن مسئله مالکیت بر زمین و دیگر وسائل تولیدی ، مسئله اتخاذ یک سیاست کشاورزی ملی و مستقل و همه جانبه را که اهمیت روزافزون و درجه اولی یافته است مطرح می کنیم (بند ب ، صفحه ۳۰). بعلاوه آن مواد برنامه که مربوط به تأمین حقوق دمکراتیک و انحلال سازمان امنیت و حق کامل زحمتکشان ده به تشکیل اتحادیه های دهقانی و دخالت واقعی آنها در امور تولیدی و شرایط کار و زندگی و تأمین حق اعتصاب برای زحمتکشان ده است ، (بند ج ، صفحه ۳۰ و ۳۱ برنامه) مستقیماً به وضع دهقانان و رابطه دهقان - دولت مربوط می شود و جوانبی بس مهم از مسائل حیاتی اجتماعی و سیاسی دهقانی را حل می کند . در برنامه حزب توده ایران رابطه ما بین پیمودن مشی سرمایه داری رشد در اقتصاد و تشدید استثمار بسا تشدید جهات ضد دموکراتیک در سیاست و تسلط استبداد خاطر نشان شده و معلوم می گردد که حل بنیادی مسئله ارضی جز در پیوند با استقرار دموکراسی و تأمین شرکت توده های دهقان در تعیین سرنوشت خود و عمل آزاد و مستقل سازمان های دهقانی یعنی جز با از بین بردن رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی ممکن نیست . همچنین در برنامه حزب هنگامی که از "ملی کردن موسسات متعلق به انحصارها و مصادره اموال خاندان پهلوی و سایر خائنین به خلق و میهن " سخن می رود (صفحه ۳۱) جلوه دیگری از عملکرد سیاست ارضی حزب توده ایران و طرح های پیشنهادی ما را میتوان دید . حتی موادی مانند " انحصار بازرگانی خارجی در دست دولت و تنظیم و تعدیل بودجه دولتی با توجه به اولویت های اقتصادی ... " (صفحه ۳۱) با برنامه ارضی حزب ارتباطی غیر مستقیم ندارند ، برعکس ، این جزء لاینفک است از برنامه ارضی ما . حل مسئله تولید داخلی کشاورزی و دامپروری

و لزوم رشد سالم و موزون آن ، جلوگیری از واردات بی بند و بار و باد کردن محصولات داخلی و نوسان بازار و غیراقتصادی شدن کار کشاورزی و با مال ورشکست ها و بی خانمانی ها بخشی از یک برنامه جامع ارضی است . بالاتر از این ، مسئله ارضی را باید در کادر یک سیاست اقتصادی و مالی و اعتباری صحیح ، سالم ، علمی و طبقاتی به سود زحمتکشان حل کرد . حل مسئله ارضی به نظر ما جنبه های اجتماعی مسئله نظیر سطح زندگی دهقانان و مسائل مشخص و انسانی ناشی از آن ، تنظیم مهاجرت های روستائی به صورتی عقلایی و برنامه ای و بنا به نیازهای اقتصادی و اجتماعی مسئله تنظیم قانون کار دموکراتیک و از بین بردن بی کاری و نیمه بی کاری در روستاها که بلیه عظیم ده ایران شده ، تامین بیمه اجتماعی مترقی و بازنشستگی زحمتکشان روستاها ، مسائل بهداشتی و شبکه درمانگاهها و داروخانه ها و مسئله آموزشی و شبکه مدارس و قرائت خانه ها ، تامین مسکن شایسته و مناسب برای دهقانان با کمک دولت و اجرای طرح های نوسازی روستاها و غیره را نیز در برمی گیرد و همه این نکات در بندهای مختلف برنامه حزب ما (صفحات ۳۲ و ۳۳ برنامه) آمده . ما آنها را جزء لاینفکی از سیاست ارضی خویش تلقی می کنیم . مسئله اساسی اصلاحات ارضی بنیادی ، مسئله مالکیت است که در برنامه حزب ما با اصل صادره املاک سلطنتی و زمین داران بزرگ و ملی کردن موسسات بزرگ سرمایه داری و امپریالیستی از سوئی و معافیت دهقانان از هر گونه پرداختی در مقابله و واگذاری زمین و الغای هرگونه وام و قسط و دیگر تحمیلات مشخص می گردد . راه حلی که ما ارائه می دهیم چند جانبه است و از افق دید وسیعی برخوردار . ما ضرورت های رشد تولید و لزوم داشتن بازده عالی کار و تامین مصرف و نیاز بازار با

جمعیتی روزافزون را در نظر داریم و می دانیم که بسویژه در شرایط نوین عصر انقلاب علمی و فنی ، روی آوردن به تولید وسیع میتواند امکان بهره گیری از تکنولوژی مدرن و دستاوردهای علمی و فنی را به سود جامعه و همه مردم امکان پذیر سازد. از این رو در برنامه از یک سو به مقتضای محل و بنا به مورد مشخص ، ملی کردن موسسات بزرگ کشاورزی و دامپروری و ایجاد واحدهای وسیع دولتی تولید کشاورزی در نظر گرفته شده است و از سوی دیگر با در نظر گرفتن تمایل و داوطلبی دهقانان و کمک دولت تشکیل تعاونی های تولیدی دهقانی در مدارج و مراحل مختلف تکامل با استفاده از وسائل جدید و تکنولوژی مدرن بدست خود دهقانان و زیر نظارت خود دهقانان پیش بینی شده . در عین حال کشور ما وسیع و شرایط اقلیمی و جوی آن گوناگون است و دهقانان دارای سنت ها و عادات مختلف و سطح تکامل مادی و معنوی ناهمگون هستند . این واقعیت و هم چنین در چهارچوب منافع مشخص اقتصاد ملی و شرایط معین اجتماعی ، بقای واحدهای تولیدی شخصی دهقانی نه تنها نفی نمی شود بلکه دولت ملی و دموکراتیک همه گونه کمک را برای بالا بردن سطح بهره دهی آنها و اقتصادی کردن آنها و بالا بردن سطح زندگی مادی و فرهنگی این دهقانان انجام خواهد داد. "تضمین مالکیت دهقانی" در برنامه ما تصریح و تاکید گردیده است .

برنامه ارضی علاوه بر هدف های دراز مدت و استراتژیک ، هدف های کوتاه مدت و اقدامات تاکتیکی را نیز در برمی گیرد که پاسخگوی خواست های مبرم روز و مسائل مطروحه در جریان زندگی روزمره مناطق مختلف و در مقابله با تدابیر اقدامات رژیم کنونی است . حزب توده ایران گام به گام در جریان

تحول رویدادها و همراه با مطالبات مشخص قشرهای مختلف روستائی، شعارهای مشخص و میرم روز را ارائه داده و در اسناد پلنومها و قطعنامههای ارگانهای رهبری و در ارگانهای نشریاتی و تبلیغاتی خود به این مسائل مشخص روز توجه خاص مبذول داشته، عواقب سیاست دولت و قوانین مصوبه را برملا ساخته، در بسیج دهقانان و سمت دادن به مبارزه و حق طلبی آنان به نحو مشخص در هر مورد مشخص می‌کوشد.

در حال حاضر که "تضادهای نوینی در روستاهای ایران در کار رشد است و شرایط برای گسترش آتی مبارزات دهقانی نضج می‌یابد" (برنامه، صفحه ۱۳) وظیفه خطیر و حساسی در مقابل حزب قرار دارد: وظیفه توجه با زهم عمیق تریه مسئله ارضی، مشخص تر و دقیق تر کردن برنامه ارضی، تعیین شعارهای میرم بسیج کننده روز، جلب دهقانان به مبارزه برای گرفتن حق خویش و اعتقاد به درستی راهی که حزب توده ایران نشان می‌دهد.

دنیا - ویژه سی و پنجمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران - ۱۳۵۵





شیوه سرمایه‌داری اصلاحات ارضی
و نمونه مشخص آن در ایران



شیوه سرمایه‌داری اصلاحات ارضی و نمونه مشخص آن در ایران

در خرداد ماه ۱۳۵۷ (ژوئن ۱۹۷۸) یک
سمینار بین‌المللی از جانب مجله صلح و
سوسیالیسم نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب
کمونیست و کارگری جهان در شهر اولان باتور
پایتخت جمهوری توده‌ای مغولستان تشکیل شد.

مسئله مورد بحث در این سمینار عبارت بود از مسئله ارضی در کشورهای آسیا و آفریقا و نقش دهقانان در جنبش‌های رهایی بخش ملی. نمایندگان احزاب مختلف کشورهای آسیا و آفریقا و همچنین مدعوینی از متخصصین کشورهای سوسیالیستی در مسئله ارضی، در این مشاوره بین‌المللی حضور داشتند.

از جانب حزب توده ایران رفیق امیر - نیک آئین در بحث‌ها و تبادل نظرهای سمینار اولان باتور شرکت داشت. گزارش این سمینار و خلاصه‌ای از سخنان وی در جلسه سمینار، در مجله دنیا (شماره ۷ - ۶ سال ۱۳۵۷) انتشار یافت. متن کامل سخنرانی به زبانهای خارجی چاپ شده و انتشار یافته و اینک به فارسی برای اولین بار در این جزوه به چاپ می‌رسد.

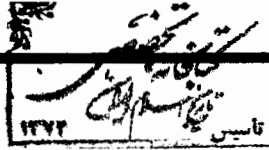
رفقای ارجمند!

گزارش‌ها و بحث‌های جلسه ما از یک سونشان می‌دهد که در مسئله ساختار اجتماعی و قشر بندی دهقانان و نقش آنان در جنبش‌های رهایی بخش ملی قانونمندیها و وجوه مشترک و عامی وجود دارد و از نظر چگونگی راه حل مسئله ارضی و در نتیجه اصلاحات ارضی در کشورهای مختلف نیز می‌توان گرایش‌های اصلی را تمیز داد. از سوی دیگر بحث جلسه ما نشان می‌دهد تا چه اندازه شرایط هر کشور و مشخصات طبقاتی و اجتماعی آن مختلف و تجربیات ویژه هر حزب برادر متنوع است و چگونه در هر مورد، وجوه مشترک و قانونمندی عام، به شکل کاملاً مشخص عمل می‌کند، امری که ما را وامی‌دارد با شرایط ویژه کشور خود هر چه دقیق‌تر آشنا شویم.

در کشور ما ایران، مسائل ارضی و دهقانی اهمیت ویژه‌ای دارند. اولاً، به خاطر جایی که دهقانان در جامعه ما دارند ۱۸۰ میلیون نفر (۵۲٪) از اهالی کشور روستانشین‌اند و از ۱۶ میلیون شه‌ر نشین کنونی بیش از نیمی از آنها طی ۱۵ سال اخیر از روستاها آمده‌اند، یعنی چه‌بسا هنوز در واقع نیمه‌شهرنشین‌اند و در اغلب موارد ارتباط محکم و دائمی اقتصادی و خانوادگی و معیشتی با روستا دارند. بعلاوه تغییرات کیفی مهمی طی ۱۵-۱۰ سال اخیر در بین آنها به صورت یک قشر بندی جدی و فزاینده به وجود آمده است. علاوه بر نضج و گسترش سریع پرولتاریا و نیمه‌پرولتاریای کشاورزی یک میلیون نفری، بیش از دو میلیون خانوار دهقانان بی زمین و کم زمین، سیمای طبقاتی هر چه مشخص‌تری می‌یابند و بیش از پیش "مستقیمان" روه روی سرمایه‌داران اعم از صاحبان زمین، موسسات بزرگ تجاری، بانک‌ها و رباخواران و دولت دیکتاتوری حامی آنان، قرار می‌گیرند. متحد اساسی طبقه کارگر ثروتمندتر می‌شود و به ویژه افق نوینی در مسئله اتحاد کارگران و دهقانان پدیدار می‌گردد.

ثانیاً، به خاطر مقامی که کشاورزی در اقتصاد ایران دارد علیرغم جای عظیم نفت در اقتصاد کشور، و بعد از آن، هنوز هم مهمترین رشته اقتصاد کشور را کشاورزی تشکیل می‌دهد و ۴۰٪ از جمعیت فعال کشور را در بر می‌گیرد. ما معتقدیم که ایجاد یک اقتصاد کشاورزی شکوفان، تا حد ممکن خودکفا، بارشده سالم و متوازن، بخش مهمی از نبرد مادر راه استقلال اقتصادی کشور و کوتاه کردن دست انحصارات امپریالیستی است.

رفقا! از میان تمام مسائلی که در اینجا مطرح است، تنها یک مسئله، حل سرمایه‌داری مسئله ارضی در زمان ما و نمونه‌های مشخص ایران را بررسی می‌کنم. همانطور که می‌دانید طی ۱۵ سال



اخیر در ایران یک رشته اصلاحات و اقداماتی به عمل آمده که مهم‌ترین آنها رفرم ارضی است. رژیم ایران آن را در سراسر جهان به کلی بی‌مانند می‌داند و سرمشق همگان می‌خواند و شمرهٔ نبوغ یگانهٔ شاه می‌نامد. ولی از همین آغاز و به یک باره باید گفت که نمونهٔ کشور ما نمونهٔ بارز و تیییک حل مسئلهٔ ارضی از طریق سرمایه‌داری است که در پیوند نزدیک با نواستعمار و در شرایط وجود رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک انجام گرفت. محتوی این اصلاحات همانطور که حزب ما اعلام داشت، عبارت بود از کوشش برای ایجاد محمل‌های ضروری بخاطر گسترش مناسبات سرمایه‌داری در روستای ایران و در نتیجه ایجاد شرایط مساعد برای تحکیم مواضع سرمایه‌داری در سراسر کشور. ولی بهتر است شمارا اگر چه به اجمال ولی بنحوی مشخص با چگونگی آن آشنا سازم.

تا حدود ۱۵ سال پیش در روستای ایران نظام نیمه فئودالیسی ویژه، یا شکل مشخصی از فئودالیسم وجود داشت که ما آن را "ارباب-رعیتی" می‌نامیم. قسمت عمدهٔ زمین‌ها (بیش از ۵۵٪) در دست عمده معدودی مالک بزرگ یا ارباب بود. زمین‌های متعلق به دولت و زمین‌های موقوفه هر کدام تقریباً ۱۰٪ سطح اراضی کشور را در بر می‌گرفتند. بیش از ۴٪ اراضی متعلق به خانوادهٔ سلطنتی بود و شاه بزرگ‌ترین ارباب کشور شمرده می‌شد. خرده مالکان وزن مخصوص قابل ملاحظه‌ای نداشتند. دهقانان که فاقد مالکیت بوده و برای مالک‌کار می‌کردند "رعیت" نام داشتند که وابسته به زمین نبودند. ولی همیشه مقروض بوده و وابستگی اقتصادی به مالک داشتند. اکثریت اینها صاحب سابقهٔ دائمی و مداوم کشت بر روی زمین بودند، امری که بر آنها نوعی حق کشت بر زمین را می‌داد، که در این صورت "صاحب نسق" نامیده می‌شدند. بسیاری برزگران روزمزد نیز وجود داشت. شکل عمدهٔ استثمار اربابی بر

شالوده‌های پنج عامل زراعی : زمین ، آب ، گاو (یا عامل شخم) ، بذر و نیروی کار قرار داشت .

در هر منطقه مالک به‌هرنسبتی که این عوامل را تامین می‌کرد ، به همان نسبت از محصول سهم برمی داشت . این نسبت به سنت‌های محلی و نوع زمین و نوع محصول نیز وابسته بود . معمولاً دهقان یک پنجم تا یک سوم محصول بیشتر سهم نداشت . این شکل رادر کشور ما "مزارعه" می نامند . در ۵۵٪ اراضی بزرگ مالکی ایمن شکل رایج بود . از بین سایر اشکال استثمار اربابی اجاره رانام می برم که ۷/۴٪ زمین‌ها را در برمی گرفت و چه بسا دو مرحله‌ای بود یعنی مستاجر اولی ، خود زمین را به زارع اجاره می داد . بعلاوه از دهه‌ها سال پیش مناسبات سرمایه‌داری استثمار نیز در روستاها رسوخ کرده بود ، در شرایط رشد صنایع و گسترش بازار داخلی که از آغاز قرن شروع شده بود و تقویت روزافزون بورژوازی مالی و صنعتی و تجاری ، ده نمی توانست کاملاً از بقیه جامعه و از ایمن روند تاریخی جدا بماند . علاوه بر برخی واحدهای قوام یافته تر سرمایه‌داری و قشر بالائی خرده مالکان ، مستاجران زمین های ۳۰-۲۵ هکتاری در مناطق حاصلخیز که زمین را برای مدت طولانی تر اجاره کرده و خود وسایل کار و تلمبه آب داشتند و بطور جنبی و فصلی کارگر روزمزد اچیر می کردند و بالاخره عناصر واسطه‌ای که صاحب بذر و یا دام بوده و در سیستم مزارعه بین ارباب و زارع قرار می گرفتند ، همه حامل این مناسبات سرمایه‌داری و یا شکل جنینی آن بودند .

ده یک واحد کشت و اقتصادای بهم پیوسته بود و چه بسا در آن بنا به مقتضیات محلی ، شیوه‌های مختلف کار جمعی و فعالیت‌های نوع تعاونی رایج بود . هر ده یا ملک صرف نظر از وسعت آن به شش بخش تقسیم می شد که ما آن را "دانگ" می نامیم . بسیاری از

مالکان بزرگ چندین ده شش‌دانگی در مالکیت داشتند. دانگ رابطه‌ای با هکتار ندارد.

بخاطر شرایط ویژه اقلیمی آب‌جای بزرگی در امر مالکیت کشاورزی دارد و در برخی نقاط حتی مالکیت آب مهم‌تر از مالکیت زمین شمرده می‌شد. سالیان متمادی امپریالیسم، دربار سلطنتی، هیئت حاکمه پشیمان نظام ارباب-رعیتی بود، استعمار آن را تکیه‌گاه عمده خود می‌دانست و سلطنت حامی لجوج آن بود.

اما بر اثر بحران این نظام که سد راه تکامل جامعه بود، بر اثر مبارزه شدید همه مردم و دهقانان و تاثیر نمونه کشورهای دیگر و بویژه کشورهای همسایه ایران، به دنبال تغییر جدی تناسب قوا در جهان و همچنین توصیه برخی محافظان نو استعماری که پایگاه اجتماعی مطمئن تری برای خود می‌جستند، رژیم ۱۵ سال قبل ناچار به یک رشته عقب‌نشینی‌ها و اجرای رفرم دست‌زد، حزب توده ایران در تمام مدت موجودیت خویش برای بیداری و تشکل دهقانان فعالیت کرد، پیگیرانه علیه نظام ارباب-رعیتی رزمید و خواستار اصلاحات ارضی جدی به سود دهقانان زحمتکش بود. اصلاحات ارضی که حدود ۱۵ سال به درازا کشید در سه مرحله اجرا شد، اگرچه از آغاز چنین نقشه‌ای موجود نبود.

در مرحله اول به هر بزرگ مالکی امکان داده شد یک ده شش‌دانگی یعنی کلیه زمین‌های یک ده که تعداد هکتار آن معین نبود و یا دانگ‌های متعدد که معادل شش‌دانگی شود، به انتخاب خود برای خویش‌نگه دارد و باقیمانده را به دهقانان صاحب‌نسق، یعنی فقط بخشی از دهقانان، بفروشد. این دهقانان به مدت ۱۵ سال می‌بایست اقساط زمین را بپردازند. در عمل این مرحله فقط ۱۷٪ از دهات را دربر گرفت و تنها ۲۵٪ دهقانان صاحب‌نسق از آن نصیب بردند. این امر نه می‌توانست مسئله حاد نظام ارباب-

رعیتی راحل کند و نه می‌توانست دهقانان را راضی نماید. اجرای مرحله دوم لازم آمد. مرحله دوم بقیه اراضی مالکان را شامل شقوق مختلفی نظیر اجاره سه ساله، فروش، تقسیم بر حسب میزان بهره مالکانه قبلی می‌کرد که بزرگ مالک در انتخاب هر یک از آنها مختار بود. اینان در اکثریت عظیم خود شق اجاره را برگزیدند (۷۲٪ موارد) میزان اجاره بها تقریباً "معادل بهره مالکانه قبلی بود. تنها ۱/۴٪ مالکین زمین را فروختند. بنابراین این درخاتمه مرحله دوم باز هم تغییر اساسی در مالکیت زمین و میزان بهره‌کشی از دهقانان حاصل نشد. بطور عمده مزارعه به اجاره بدل شده بود. می‌بایست مرحله سوم هم عملی شود که موضوع آن درست مربوط به همین زمین‌های اجاره‌ای می‌شد. مالکین می‌توانستند یا این زمین‌ها را بفروشند و یا بین خود و دهقانان برشالوده همان نسبت سابق مزارعه تقسیم کنند.

در اینجا باید دو مطلب اساسی را خاطر نشان سازیم، در تمام طول این مراحل:

اولاً، کلیه زمین‌های مکانیزه و باغ‌ها و قلمستان‌ها و اراضی واقع در محدوده شهرها، از هرگونه شمول قانون معاف بودند. ثانیاً، تنها گروه دهقانان صاحب نسق، بطور کامل یا قسمی، از شقوق و مراحل مختلف فرم، آن هم به بهای پرداخت‌های سنگین بهره می‌گرفتند و بقیه یعنی فقیرترین و ستمکش‌ترین روستائیان بی‌نصیب می‌ماندند.

واضح است که دهقانان به اینگونه اصلاحات ارضی نیم‌بند و مثله‌شده راضی نبودند، زیرا که:

اولاً، بیش از یک میلیون خانوار بدون نسق و کلیه دهقانان اراضی معاف از قانون هیچگونه نصیبی از آن نبردند و کماکان بی‌زمین ماندند. ۱،۴۰۰،۰۰۰ خانوار از ۳،۶۰۰،۰۰۰ خانوار،

ثانیاً، نیمی از بهترین زمین‌ها به عناوین مختلف در دست زمینداران باقی ماند. ۴,۷۰۰,۰۰۰ هکتار از ۸,۲۰۰,۰۰۰ هکتار، ثالثاً، پرداخت اقساط و اجاره‌بهای سنگین از توان اکثریت بزرگ دهقانان خارج بود، بخصوص که انواع بدهی‌ها و وام‌ها به آن اضافه می‌شد.

به همین جهت مبارزه و دادخواهی دهقانان که از حقوق دریافت زمین محروم شده و یادریزیر با رقص و اجاره بها کمرشان خم شده و زرفترین امیدهایشان بر باد رفته بود، پس از یک دوران انتظار و امید، اوج گرفت. عکس‌العمل دولت در برابر این حق طلبی، سرکوب‌خشن و بیرحمانه بود. در حالی که بدهی‌های کمرشکن به‌زور توسط دولت از دهقانان گرفته می‌شد، امکانات عظیم مالی و تسهیلات عدیده برای مالکان فراهم آورد و بخاطر تبدیل آنان به زمینداران بزرگ سرمایه‌دار پول‌های کلان از بودجه دولت در اختیارشان قرار گرفت.

این بود شیوه مشخص‌اصلاحات ارضی در ایران و نحوه ویژه‌ای که کوشیدند طبق آن مسئله ارضی را حل کنند. بدینسان هم اکنون اکثریت دهقانان کشور مابقی زمین و کم‌زمین‌اند. مسئله مالکیت بزرگ ارضی حل نشده است. ارقام در برابر مایک‌هرم واقعی را نشان می‌دهند.

- ۳۲۰ زمیندار بزرگ یا شرکت سرمایه‌داری صاحب مزارعی وسیع‌تر از ۳۰۰ هکتار هستند، گاه تا ۲۰-۱۰ هزار هکتار،
- صاحبان بیش از صد هکتار تا سیصد هکتار فقط نه هزار خانوار هستند،

- ۶۳۶ هزار خانوار بین ده تا یک صد هکتار زمین دارند،
- و بالاخره ۲/۲ میلیون خانوار کشاورز بین نیم تا ده هکتار زمین دارند که از میان این توده عظیم دهقانان خرده‌پا

یک میلیون و هشتاد و هفت هزار خانوار دهقانی جمعا" فقط ۸۶۷، هزار هکتار دارند یعنی هریک خانوار کمتر از یک هکتار (خانوار روستائی در ایران حدود پنج نفری است).

این ترازنامه چه نشان می‌دهد؟ تمرکز جدید مالکیت ارضی برشالوده‌ای تازه و تعمیق تقسیم نابرابر و غیرعادلانه زمین به سود سرمایه‌داران زمیندار و به‌زیان دهقانان زحمتکش.

ارزیابی این اقدام گسترده رژیم، از همان آغاز برای همه روشن نبود. بودند کسانی که آن را بکلی پوچ و خالی از محتوی دانستند، کسانی هم برعکس آن را یک تحول بنیادی شمرده و بامثابه مرحله‌ای انقلابی توصیف کردند. تنها حزب توده ایران بود که با تکیه به آموزش سوسیالیسم علمی با شناخت واقعیت مشخص کشور و بررسی جدی تدابیر و عمل هیئت حاکمه توانست از وضع مارکسیستی-لنینیستی، به درستی ماهیت، عمق، ابعاد، هدف و سمتگیری این فرم را ارزیابی کند. ما هر دو انحراف راست و چپ را طرد کردیم. حزب ما بطور مشخص این تدابیر را بامثابه یک عقب نشینی صاحب محتوی ولی همراه با عوامفریبی، مملو از نارسائی و باروشی آشکارا، ضد دهقانی ولی متزلزل کننده بساط نیمه فئودالی، بامثابه کوششی نو استعماری برای بسط مناسبات بهره‌کشی سرمایه‌داری ارزیابی کرد که بناچار زوال مناسبات ارباب-رعیتی را به همراه دارد بدون آنکه مسئله ارضی را حل کند. واقعیات درستی این نظر را ثابت کرد.

تجربه کشور ما نشان می‌دهد که نحوه سرمایه‌داری اصلاح ارضی اولاً، اقشار عظیمی از دهقانان را بدکلی از زمین محروم می‌کند تا با زوی کار ارزان و آماده در خدمت سرمایه‌داران شهر و ده قرار دهد. ثانیاً، قشر بندی و مرز بندی های طبقاتی جدید به وجود می‌آورد. در یک قطب مشتی زمینداران بزرگ صاحب سرمایه

با سهم کلانی از مرغوب‌ترین اراضی و در قطب دیگر انبوه عظیم دهقانان یا به کلی فاقد زمین و یا کم زمین که اکثریت آنها نیز در گرداب مناسبات سرمایه‌داری محکوم به ورشکست و نابودی هستند و در این میان اقشار بینابینی که بنا به قدرت و بنیه اقتصادی خویش یا به دهقانان مرفه‌الحال بدل خواهند شد و یا ورشکست شده به قطب مقابل خواهند پیوست.

این پدیده‌ها و روندها را ما در کتاب هانمی خوانیم بلکه طی ۱۵ سال اخیر در عمل، در زندگی روزانه میلیون‌ها روستا-نشین ایرانی مشاهده کرده‌ایم. در عین حال همین پراتیک درستی تئوری مارکسستی - لنینیستی ما را ثابت می‌کند که ما متقابلاً از آن برای درک پدیده‌هایی که در روستاهای ایران می‌گذرد و در نتیجه بهبود فعالیت عملی خود فیض می‌گیریم. ما در تجربه خود شاهد نقش حکومت ضد دمکراتیک و سرکوب‌کننده مبارزه دهقانان در چگونگی روند تجدید تقسیم مالکیت و باقی ماندن زمین‌های وسیع در ملکیت زمینداران بزرگ، شاه، خانواده سلطنتی، امرا و فرماندهان ارتش و ساواک، بورژوازی قدرتمند کمپرادور و بوروکراتیک بوده‌ایم.

ما در تجربه خود همپیوندی سیاست‌گسترش و مناسبات سرمایه‌داری را بار خنده‌فزاينده انحصارات امپریالیستی و نفوذ نواستعمار به شکل ایجاد واحدهای بزرگ کشت و صنعت امپریالیستی و واحدهای مختلط و تبدیل روستا به بازار وسیع فرآورده‌های انحصاری امپریالیستی دیده‌ایم.

در مهم‌ترین سند حزب ما - برنامه حزب توده ایران - مصوبه ژوئیه ۱۹۷۵ (تیر ۱۳۵۴) گفته می‌شود، "علیرغم تحولاتی که روی داده حل بنیادی مسئله ارضی به سود دهقانان بی زمین و کم‌زمین و به سود تمام جامعه ما همچنان در دستور روز مبارزه باقی است".

اصلاحات ارضی سرمایه‌داری در کشور مادارای عواقب سوء - اجتماعی - اقتصادی نظیر ادامه فقر و شرایط بد زندگی و مهاجرت بسیار شدید روستائی (۵۰۰ هزار نفرسالانه) و بحران همه‌جانبه اقتصاد کشاورزی بوده است . تولید محصولات دچار رکود جدی شده یا درجای زندگی، آهنگ رشد نه تنها با امکانات واقعی کشور ما و با نیازهای حیاتی رشد عمومی اقتصاد و مصرف مردم نمی‌خواند، بلکه به‌سختی جوابگوی رشد جمعیت است (۲/۵۴٪ رشد تولید در برابر ۲/۵۴ درصد رشد جمعیت) .

کشاورزی ایران از نظر سطح تکامل نیروهای مولده، از نظر تجهیز فنی همچنان بسیار عقب مانده است . واحدها از نظر فنی مدرن سرمایه‌داری ریزه جزایر بسیار مخدودی در میان اقیانوس و سایل سنتی و روش‌های عقب مانده کشت هستند و تازه با بازار داخلی رابطه ارگانیک ندارند .

چند نمونه از این حالت عقب‌ماندگی : حد متوسط بهره‌برداری از هر هکتار گندم که عمده‌ترین فرآورده کشاورزی ایران است ، حدود ۸۰۰ کیلوگرم است . مصرف برق در کشاورزی از ۳٪ تولید برق کشور کمتر است و تعداد تراکتورها کمتر از ۵۰ هزار عدد برای ۸ میلیون هکتار زمین زیرکشت است . عده تکنیسین‌های کشاورزی به‌جای حداقل ۶۰ هزار نفر مورد لزوم تنها ۵ هزار نفر است . بازده کار کشاورزی در ایران سی بار کمتر از ایالات متحده است . تمام برنامه‌ها و وعده‌های دولت در مورد رشد تولید کشاورزی با شکست روبرو شده ، در مقابل واردات کشاورزی سالیانه به‌رقم باورنکردنی یک میلیارد ونیم دلار رسیده است .

معضل نگران‌کننده و افسانندگی را اصلاحات ارضی سرمایه‌داری نتوانسته و علی‌رغم امکانات عظیم مالی نمی‌تواند حل کند . مسئله طرد عقب‌ماندگی کشاورزی با همه جوانب اقتصادی، سیاسی ،

اجتماعی و انسانی آن از مهمترین مسائلی است که در مقابل ما قرار دارد. ما به خوبی احساس می‌کنیم که در عصر انقلاب عظیم اجتماعی و انقلاب علمی و فنی غلبه بر عقب ماندگی به یکی از حساس ترین ضروریات تکامل جامعه ما منجمله از نظر نبرد آزادی بخش ضد-امپریالیستی بدل می‌شود. هم ضرورت اقتصادی و سیاسی تا مین مواد غذایی در داخل کشور و هم ضرورت تامین مواد خام برای مصرف رشد یابنده صنایع هر روز بیشتر خودنمایی می‌کند. اگر ما در جاده رشد سریع و سالم نیفتیم فاصله ما از کشورهای پیشرفته بیشتر و عمیق تر می‌شود. حزب ما با چنین دورنمایی نمی‌تواند موافق باشد. تجربه کشور ما نشان می‌دهد که، حتی در شرایط استثنائی برخورداری از درآمدهای چشمگیر نفت، هنگامی که امکان مالی و انسانی برای طرد عقب ماندگی موجود است، یک حکومت ضد خلقی و یک اصلاحات ارضی سرمایه‌داری، از حل آن مسئله و تبدیل این امکان به واقعیت، به کلی عاجز است. و اما در آینده؟ چندین سال است که روند فروش زمین‌های بسیار کوچک و کوچک‌توسط دهقانان کم بنیه و حتی خرده مالکان تشدید یافته است. ما اکنون شاهد روند تجربه تقسیم زمین‌ها به سود زمینداران صاحب سرمایه هستیم. واحدهای بزرگ با سرمایه داخلی، مختلط، خارجی تشکیل می‌شود. اراضی بزرگ مالکان قدیمی به واحدهای سرمایه‌داری بدل می‌شود و با چنگ اندازی بر زمین‌های ریزه مالکان و دهقانان مهاجر گسترش می‌یابد. از زمین‌های حاصلخیز و مرغوب نزدیک شهرها و زیرسدها دهقانان را به اجبار بیرون می‌کنند. به بهانه مکانیزه کردن و بهره‌گیری از شیوه مدرن کشت و اقتصای کردن مقیاس‌های زمین و وسایل کار و با تکیه به مفرهای "قانونی" دهقانان خرده‌پا را می‌رانند. اقتصاد کشاورزی ایران توسط تکنوکرات‌های دولتی به دو بخش سنتی و نوین (یاتجاری) تقسیم

شده و سیاست اعتباری و کمک‌های فنی دولت حربه مهمی علیه اولی یعنی دهقانان زحمتکش و به سوددومی یعنی سرمایه‌داری درکشاورزی است. چند نمونه: درحالی که به هر دهقان وام گیرنده، بطور متوسط حدود ۶۰ دلار وام داده می‌شود، واحدهای سرمایه‌داری بزرگ هر یک بطور متوسط معادل ۸ میلیون دلار وام و اعتبار گرفتارند. ۲۸٪ رکودهای کشاورزی توسط بخش سنتی و ۷۲٪ توسط بخش تجارتي مصرف می‌شود. تقریباً کلیه ماشین‌های کشاورزی و تراکتورها در اختیار بخش تجارتي است. سازمان‌های تعاونی از هرگونه محتوی جدی دمکراتیک خالی شده و در شرایط رژیم موجود نمی‌توانند نقشی در رشد نیروهای مولده و بالابردن درآمد روستائیان و دفاع از منافع حیاتی آنان در مقابل سرمایه‌داری حریص داخلی و خارجی ایفاء کند.

از آنچه در مورد تجربه کشور ما گفته شد این نتایج حاصل می‌شود که: شیوه سرمایه‌داری حل مسئله‌های و اصلاحات ارضی سرمایه‌داری:

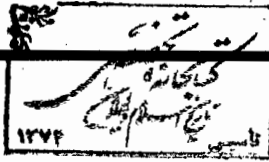
- ۱- مسئله مالکیت، زمین‌ها را حل نمی‌کند و قادر به حل ریشه‌ای مسئله‌های ارضی به سود دهقانان نیست.
- ۲- وسیله نفوذ نواستعماری است و استقلال اقتصادی کشور را شدیداً به خطر می‌اندازد.
- ۳- قادر نیست به اقتصاد کشاورزی سروصورتی بدهد و آن را از چنگال عقب‌ماندگی برهاند.
- ۴- با فقر و بدبختی و مهاجرت ناشی از تنگدستی و بی‌کاری و تضادهای جدید اجتماعی همراه است.
- ۵- روند طولانی و دردناکی را در روستاها حاکم می‌کند که طی آن چه بسا اشکال معینی از نحوه استثمار را قبل سرمایه‌داری، تا حدود معینی باقی می‌ماند.

۶- چون در اساس علیه منافع و مبارزه دهقانان زحمتکش متوجه است، ضد دمکراتیک است، سرکوب زحمتکشان و آزادی‌کشی و ممنوعیت احزاب و جمعیت‌های ملی و مترقی را به همراه دارد.

۷- اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی تنها می‌تواند توسط یک حکومت ملی و دمکراتیک، در رابطه با نبرد عمومی ضد امپریالیستی، با شرکت و به دست و به نفع دهقانان زحمتکش، انجام شود و اصولاً، درجه قاطعیت و پیگیری اصلاحات ارضی در کشورهای قاره‌های ما به ماهیت حکومت نوع دولت و ترکیب طبقاتی نیروهای حامی آن و درجه سمت‌گیری ضد امپریالیستی و دمکراتیسم آن وابستگی تام دارد.

بحث جلسه ما نشان خواهد داد این نتیجه‌گیری‌ها در مورد کشورهای نظیر ایران تا چه حد دعایم و مشترک هستند. در آنچه به ایران مربوط است حل قطعی مسئله ارضی را حزب ما جز با سرنگونی استبداد سلطنتی و استقرار حکومتی دمکراتیک و ملی که دست انحسارات امپریالیستی را از حیات اقتصادی و سیاسی کشور کوتاه کند امکان پذیر نمی‌داند و آن را با مسئله سمت‌گیری سوسیالیستی جامعه توسط یک جمهوری ملی و دمکراتیک مربوط می‌کند. در فصل چهارم برنامه حزب ما نکات مشخص برنامه ارضی ما در چنان حکومتی تشریح شده است.

این برنامه مدرنیزه کردن کشاورزی و تجدید سازمان آن، اتخاذ سیاست ملی و علمی کشاورزی، مصادر زمین‌های متعلق به زمینداران بزرگ و خاندان سلطنتی و انحصارها، ایجاد تعاونی‌های تولیدی و مصرفی با کمک همه‌جانبه دولت، ایجاد واحدهای دولتی در آنجا که ممکن و لازم است، حمایت از واحدهای تولیدی شخصی برای بالابردن سطح زندگی و بهره‌دهی کار، الفای همه‌بدهی‌ها و اقساط، تأمین آزادی عمل سازمان‌های روستائی و بسیاری نکات مشخص دیگر را در برمی‌گیرد.



رفقای عزیز، اجازه بدهید از بین مطالبی که گفته شد به یک نکته بازگردم، و آن، رابطه مسئله مورد بحث ما با ماهیت دولت و شیوه حکومت است. در ایران اصلاحات ارضی نوع سرمایه‌داری در شرایط حکومتی استبدادی متکی بر ترور پلیسی، بدون کمترین توجهی به خواست و حق دهقانان، انجام شد. سیاست رژیم شاه در مسئله ارضی جدا از ماهیت آن و از سایر جنبه‌های سیاستش نیست. این حکومت در سیاست خارجی، خویش را "متحدمماتز" امپریالیسم آمریکامی داند و رسماً خود را ژاندارم و مدافع منافع نواستعمار و انحصارهای نفتی در منطقه خوانده، با سیاست تسلیحاتی دیوانه‌وار و مداخله‌گرانه‌اش آرامش و امنیت منطقه را تهدید می‌کند و از منطقه خاورمیانه و نزدیک خلیج فارس گرفته تا تیوپ و آنگولا نقشش تشنج‌زا و تحریک‌آمیزی را به عهده می‌گیرد. این حکومت در سیاست داخلی بر ساواک (پلیس سیاسی جنایتکار) کشتار، شکنجه و زندان متکی است. هیچ حزب و جمعیت مترقی و ملی اجازه فعالیت ندارد. شیوه‌های فاشیستی و تروریسم دولتی به سطح موازین عادی کشورداژ ارتقاء یافته است. دهها تن از اعضای حزب مادر سالهای اخیر تیرباران شده، زیر شکنجه کشته شده یا در زندان‌ها اسیر هستند. رفیق ما صفرقهرمانی ۳۱ سال است در زندان به سر می‌برد. او قدیمی‌ترین زندانی سیاسی دنیاست. اما رژیم ایران همانطور که شاه بارها در مصاحبه‌های خود گفته، مارکسیست‌ها را زندانی سیاسی نمی‌شمرد و کمونیسم را برابر خیانت می‌داند. تظاهرات خیابانی و اجتماعات انبوه عظیم مردم به خون کشیده می‌شود. نیروهای مسلح شاه همین امسال در ماه ژانویه طی تظاهرات شهر قم ۲۴۱ نفر، در ماه فوریه در تبریز بیش از ۴۰۰ نفر و طی ماه مارس در پیشاز سی شهر ایران بیش از ۸۰ نفر را به قتل رساندند. در سال‌های اخیر بنا به ارقام رسمی دولتی هر سال

شیوه سرمایه‌داری...

بین ۵۰ تا ۱۰۰ نفر یعنی هر هفته بطور متوسط یک یادو نفر از مخالفان سیاسی رژیم اعدام یا در خیابان‌ها کشته شدند. با چنین حکومت استبداد فاشیستی بدیهی است که نحوه سرمایه‌داری اصلاحات سرمایه‌داری از ورای خشن‌ترین اسلوبهای ضد دهقانی و سرکوب خونین روستائیان جلوه‌گری کند و منفی‌ترین ثمرات خود را در کمترین مدت به بار آورد، بدیهی است که نبرد رهائی بخش ملی و نقش دهقانان در آن، تا این حد به مسئله کلیدی برچیدن بساط این رژیم و استقرار دموکراسی وابسته گردد.





مبارزه دهقانان ایران اوج می گیرد



مبارزه دهقانان ایران اوج می گیرد

در شرایط متحول جامعه انقلابی ایران، نبرد ضد امپریالیستی خلقهای مای رود تا انقلاب بزرگ ایران را به مرحله نوینی ارتقاء دهد و ریشه های رخنه و رسوخ همه جانبه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی امپریالیسم آمریکا را بشکاند و پس از پیروزی عظیم نبرد ضد سلطنتی به پیروزی کبیر نبرد ضد امپریالیستی نیز نائل گردد. در این متن، مبارزات دهقانی مطلبی فرعی و جدا از عمده ترین

مسئله: مسئله این که آیا انقلاب پیروز خواهد شد یا ضدانقلاب، نیست، برعکس جای مهمی را در این نبرد دوزان ساز و سرتوش است آفرین ایفاء می کند.

شرکت در انقلاب و انتظار از انقلاب

در جریان انقلاب بزرگ مردم ایران میلیونها نفر دهقان نیز شرکت جستند، بسیاری از دهات مستقیماً "عرصه" نبردهای شدید بود. پدیده‌های بغرنج و متضادی در روستاها روی داد که نشان‌دهنده تاثيرات انقلاب بزرگ ما در روستا و زمین‌های متفاوت موجود در آنها بود. میلیونها دهقان که در سالهای اخیر به شهرها مهاجرت کرده بودند در تظاهرات و راهپیمایی‌ها شرکت فعال داشته و صدها هزار نفر هر بار به این مناسبت‌ها به شهرهای نزدیک می ریختند تا با مشارکت خود، مهر خلقی این اقدامات را ژرفتر و درخشان تر سازند. توفان انقلابی که جا معه ما را تکان داد از فراز روستاها گذشت و واقعیات نشان می دهد که در عمق آنها رابه لرزه درآورد و در ضمن حل مسائل حاد اجتماعی و اقتصادی آنها رابه طریقی میرم در دستور روز قرار داد.

دهقانان ایران پس از سالها تجربه تلخ، دیدند که از رژیم شاه منفور نه تنها معجزه‌ای حاصل نخواهد شد، بلکه بعلت سیاست طبقاتی اش در دفاع از استثمارگران و علیه زحمتکشان و بعلت سیاست وابستگی اش به امپریالیسم علیه استقلال و شکوفائی اقتصادی، بردگی بیشتر و جان فرساستری را برای اکثریت زحمتکش ده بهارمغان خواهد آورد.

دهقانان ایران در انقلاب شرکت کردند تا مانند سایر ایرانیان به حیاتی ترین خواسته‌های میهنی و طبقاتی و انسانی...

خویش تحقق بخشند. آنها نیز زیر شعار "استقلال، آزادی - جمهوری اسلامی" رزمیدند، کشته و زخمی دادند. آنها نیز پس از پیروزی بهمن ماه شعار "بعد از شاه نوبت آمریکا است" را طنین افکن ساختند و خواستار تعمیق انقلاب و اجرای وعده‌ها و برآوردن خواست‌ها شدند. جامعه ما تشنه دگرگونی‌های عمیق و بنیادی در همه زمینه‌ها بود و منجمله در زمینه حل قطعی مسئله مالکیت زمین‌های زراعی و به دنبال آن سایر مسائل حاد و بسیار مختلف روستایی. دهقانان به حق انتظار داشتند که در درجه اول اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی به سود زحمتکشان روستاها، بویژه به سود تهیدستان ده، دهقانان بی زمین و کم زمین عملی شود و یکسره دست‌آربانان و خوانین و زمینداران بزرگ از زمین و سرنوشت ده کوتاه گردد. در مقابل آن مسخره‌بازی "اصلاحات ارضی ملوکانه" که نیمی از دهقانان ایران را محروم گذاشت و نیمی از زمین‌های مزروعی را نیز در اختیار زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران ناراضی وابسته نگاه داشت، دهقانان منتظر بودند انقلاب اصیل ایران نمونه اصلاحات ارضی واقعی را به سود مستضعفین دهات عرضه و به سرعت عملی کند.

سه انتظار به حق و سه ضرورت انقلاب

این انتظار به حق بود و اجرای آن یک وظیفه مسلم انقلاب. انجام این وظیفه تنها برآورده ساختن انتظار توده عظیم میلیونی نبود، بلکه ضرورت انقلابی داشت. زیرا که اولاً به میلیون‌ها دهقان حقانیت و اصولیت و اصالت انقلاب را عملاً ثابت می‌کرد و آنها را به مدافع سرسخت و بی‌تزلزل انقلاب، علیه ضد انقلاب بدل می‌ساخت، ثانیاً "عدالت اجتماعی را که این همه

دهات فقر زده و به فلاکت کشیده ما به آن نیاز دارند و خود از اهداف انقلاب بود، برقراری کرد و به ظلم و ستمی که قرن ها ادامه داشت پایان می داد، ثالثاً "راه را برای اعتلای واقعی و سریع و سالم کشاورزی و ازدیاد تولیدات کشاورزی و خودکفائی مقدور و نسبی که اهمیت عظیم اقتصادی و سیاسی دارد می گشود، رابعاً" زمینه عمل و بهانه تفتین و توطئه را از دست ضدانقلاب برای ایجاد نارضائی و تشنج و دسیسه آفرینی می گرفت، خامساً" به زمینداران بزرگ و سرمایه داران ارضی و وابستگان به انحصارات خارجی و به رژیم سابق که پایگاه طبقاتی و اجتماعی ضدانقلاب و امپریالیسم اند کاری ترین ضربات را وارد می ساخت و آنها را ریشه کن می نمود.

دهقانان همچنین انتظار داشتند که یک برنامه منسجم و درست و علمی برای رفع نیازهای حیاتی آنان و تامین حداقل رفاه انسانی و رفع مشکلات باورنکردنی روستاها از نظر مسکن و بهداشت و آموزش و راه و غیره و غیره تدوین و اجرا شود. دهقانان خود مرد کار و عمل هستند، می دانند که رسیدن به این هدفها وقت لازم دارد و بذر نیست که بپاشند و فردایش خانه و درمانگاه بسز شود. ولی وجود چنین برنامه ای و برداشتن نخستین گام های عملی کافی بود تا آنها را بسیج کند، کما اینکه همان جهاد سازندگی که هدفش تجهیز نیروی انسانی و انقلابی شهرها برای عمران دهات بود توانست از آن همه پشتیبانی و استقبال و همکاری دهقانان برخوردار شود.

دهقانان بعلاوه انتظار داشتند یک برنامه جدی و همه جانبه علمی برای بیرون کشیدن کشاورزی از بحران، برای رشد سالم رشته های مختلف کشاورزی و دامپروری و تامین تولید هر چه بیشتر، تامین آب که این همه در کشور ما مهم است و تامین وام ضروری،

بذر و کود، سموم ضد آفات نباتی و دامی با نظر خواهی از کارشناسان وارد و دلسوز و از خود دهقانان کارگشته و سرد و گرم چشیده تدوین شود، چراکه زندگی و آینده آنان وابسته به چنین برنامه‌های است.

تردیدی نیست که این انتظارات در هیچ حالتی نمی‌توانست به خودی خود عملی شود و روشن است که برای عملی شدن آنها و به‌کرسی نشستن خواستهای دهقانان مبارزه‌ای جدی و وسیع و پیگیر لازم بود. مسئله، مسئله مبارزه طبقاتی است و بدیهی است که خود به‌خود و با تسلیم و رضا یا پند و اندرز نمی‌شد به چنین اهداف مهمی رسید. انقلاب تداوم مبارزه و کوشش هرچه بیشتر و اشکال مبارزاتی هرچه متنوع تر و ریشه‌ای تر شدن پیکار را طلب می‌کرد. پس‌شکی نبود که مبارزات دهقانی پس از انقلاب نمی‌توانست قطع شود و ادامه پیدا نکند. برعکس، حکم انقلاب، نیازهای عینی جامعه و بیداری و آگاهی فزاینده دهقانان موجب شد که این مبارزه با حمایت همه علاقمندان به مسائل کشاورزی و دهقانی دامنه بیشتری پیدا کند و اشکال مختلف و متنوعی به خود بگیرد، تا رسیدن به این اهداف امکان پذیر شود.

مالکان و زمینداران بزرگ از نوجوان می‌گیرند

اما آنچه به این مبارزه بعدی تازه داد و جوی نودر دهات ایجاد کرد عبارت بود از اینکه بعد از پیروزی انقلاب دولتی روی کار آمد که در مقام مسئول امور اجرائی نمی‌خواست و نمی‌توانست به این خواستها پاسخ مثبت دهد، نه تنها خود میتکرو محرک حل این مسائل نشد، بلکه اصل این هدف‌ها و مسائل را جلوی روی خود قرار نداد. دولت موقت خلاف بسیاری از رهنمودهای امام

خمینی و حتی با تحریف آشکار و انتساب دروغ گفته‌هایی به امام از جانب وزیر کشاورزی (درباره‌نا محدود بودن مالکیت) برخلاف مشی عمومی و مصوبات عام شورای انقلاب، به راه دیگری رفت، به راه حفظ "وضع موجود" دفاع از منافع زمینداران و مالکان را وظیفه اساسی خود دانست، مبارزه دهقانان را که بدیهی، قانونی، بحق و انقلابی بود اغتشاش خواند و حفظ منافع اربابان را تأمین آرامش و امنیت کشاورزی" طاغوتی اندیشید و عمل کرد. برنامه‌های درهیج یک از سه رشته اساسی فون الذکر ارائه نداشت و مطابق با ماهیت طبقاتی و مشی سیاسی خود نمی توانست هم داشته باشد. دولت موقت که وزارت کشاورزی را در دست‌های مشکوک و نابابی قرار داده بود، بخصوص در مسئله بسیار حساس و اساسی مالکیت زمین به کلی درگول فرماید و آن را حل نشده باقی گذاشت. تازه کار را به همین جا محدود نکرد. به سود مالکان سنگ تمام گذاشت و وضعی را ایجاد کرد که خود مالکان هم شاید بعد از انقلاب جز آن آرزویش را هم نداشتند. دولت موقت با سیاست و عمل خود جان تازه‌ای به کالبد متعفن و در حال تلاشی اربابان دمید و امیدهای تازه‌ای به این مستکبران غارتگر و فاسد داد که خودشان شاید تصورش را هم نمی کردند. اینان ما بنند ماری که تابش نور آفتاب را حس کرده باشند نخست خزنده و سپس خشن به حرکت درآمدند، دندان نشان دادند و زهر خود را در بسیاری از دهات پاشیدند. به تصرف مجدد زمین‌ها برخاستند، جماقدار و تفنگدار استخدام و اعزام کردند. آنها که مشغول فرستادن آخرین بخش پولهای خود به خارجه و در فکر بستن چمدان‌ها بودند و نا بودی طبقه استثمارگر و خونخوار خرد را بعد از آن همه جنایات جرمی می دانستند، مشاهده کردند که زمین‌ها عمل دارد. برایشان مهیا میشود و حتی میتوان امیدوار بود که بساط کهنه دوباره علم شود. اینها همه نتیجه سیاست غلط و

ضد دهقانی دولت موقت و وزارت کشاورزی بود. جدید نمونه را از جریان سمیناری که خود وزارت کشاورزی در کاخ بلورین بلوار تشکیل داده بود ذکر می کنیم: در سمینار افراد گوناگون چنین گفتند: "مردم ما خون دادند و انتظارات بیشتری داشتند اما این قانون "نحوه" واگذاری "به نفع مالکان بزرگ است ... مالکیت های قلابی را صحت گذاشته اید و کشاورزی را به دوره "فئودالیت" رضا خان بازگردانیده اید ... توقع این بود که قانون گزاران بیشتر جانب مستضعفین را بگیرند تا فئودال ها و سرمایه دارها را ... ما محمد رضا شاه را از زمین بردیم . بزرگ مالکان راهم از بین خواهیم برد ... شما باید به گرایش اکثریت مردم توجه کنید، اقلیتی گرایش تقدس مالکیت را می خواهد ولی مردم ما خون دادند و شهید شدند و باید گرایش آنها مطرح باشد ... شما به تمام بزرگ مالکان ایران نگاه کنید ببینید چه حرصی دارند برای اخراج کارگران تا مکانیزه کنند ... در حال حاضر زارعین خرده مالک از طرف مالکین بزرگ تهدید می شوند ... این ها را در سمینار مسائل کشاورزی زودتر رو و چشم در چشم وزیر مربوطه گفتند. وزیر کشاورزی دولت موقت که خود از مالکان بزرگ فارس و از سرمایه گذاران ارضی در ایران و آمریکا بود، اندیشه و عملی خلاف خط امام داشت . می خواست خود را به نام مسلمان و وزیر دولت موقت انقلابی در پشت سر امام و شورای انقلاب مخفی کند. ولی خود امام خمینی سخما" و شورای انقلاب توسط آیت اله دکتر باهنر چنین تشبیهی وارد کردند. در تمام آن هشت ماه سرنوشت یکی از حساس ترین وزارتخانه ها که مربوط به زندگی میلیونها ایرانی و مربوط به یکی از حساس ترین و مهم ترین رشته های اقتصاد ملی ما می شد دستخوش ماجراهائی گردید که از خدمت به اربابان آغاز شد و بسا افشای نزدیکی ها و ارتباط با عمال ساواک و شبکه "ضدانقلاب" پایان

یافت. صحبت البته از شخص نیست. از سیاست و روش است، روشی که منجمله موجب شد مبارزهٔ دهقانی بعد از انقلاب به جای سیر در مجرای طبیعی و قابل انتظار خود، بعدی تازه و جوی نوپیدا کنند.

تداوم مبارزهٔ دهقانان علی‌رغم شرایط نامساعد

این بدیهی بود که دهقانان علی‌رغم آن سیاست و روش حاکم از حق خود نگذرند و اصلاحات ارضی واقعی وزمین بخواهند، برنامه جدی کشت و کار زراعی و کمک‌های وابسته به آن را برای خدمت به کشور و اجرای فرمان امام طلب‌کنند، برنامه عملی رفاهی و گنم‌های عملی و مشهود در این زمینه را بطلبند. طی مبارزه‌ای کسه در راستای انقلاب، منطبق با هدف‌ها و نیازهای آن بود، دهقانان خود را با عالی‌ترین مقامات اجرائی، با سیاستی غلط و ضد دهقانی و ضد انقلابی و به قول طرفداران اسلام راستین، ضد اسلامی و ارتجاعی - از جانب وزیر کشاورزی - روبرو دیدند. آنها در مقابل خود و علیه خود، مقامات مختلف دولت موقت و دادگستری و ژاندارمری و فرمانداری را دیدند، در حالیکه انتظار داشتند آنها را در کنار و مدافع خود ببینند. دهقانان گاه حتی باور نمی‌کردند که چگونه انقلاب‌تغییری در این دستگاه‌ها و سمتگیری آنها، نحوه برداشت و سیاست آنها، عمل و برخورد آنها نداده و آنها را عوض نکرده است.

طی این مبارزه، دهقانان که امیدوار بودند از جانب کمیته‌های انقلاب و دادگاه‌های انقلاب و پاسداران و سایر ارکان‌های زائیده شده از انقلاب حمایت شوند و آنها را به درستی نهادهای انقلابی می‌دانستند و ملجأ و پناه خود می‌شمردند، در بسیاری از موارد دیدند که عناصر ناباب و مشکوک و حتی بدنام و با سوء شهرت

و شناخته شده به عنوان فاسدیا وابسته به رژیم سابق در این ارگانها نفوذ کرده اند و این جا و آنجا مشاهده کردند که کمیته ها و دادگاهها هم به صبر آنها اقدام می کنند و جان مالک را می گیرند. اگرچه این مسئله هنوز همه گیر نبود و همه جا چنین نبود ولی تکرار آن در بسیاری نقاط قیافه دیگری به محیط ده و در نتیجه به مبارزه دهقانی می داد.

همه این عوامل سیمانی تازه و بعدی نوا اگرچه غریب و به کلی غیر قابل انتظار، به پیکارهای دهقانی هشت ماه اول بعد از انقلاب بخشیدند. برای پی بردن به کمیت دقیق این نبردها وعده هر یک از انواع مبارزات البته زمان و امکانات بیشتری لازم است ولی مسلم است که روستاهای ایران شاخه خیزش بزرگ و آگاهان دهقانان در بهار و تابستان و پائیز امسال بوده اند. این جنبش هم اکنون روبه اعتلاست و امواج انقلاب همانگونه که در شهرها هم به مرحله تازه و بالاتری وارد شده در دهات هم پیش از پیش گسترده تر و ژرف ترمی شود.

بیداری و حق طلبی دهقانان در جهت پیشبرد انقلاب و به کرسی نشاندن مطالبات حقه خویش و ریشه کن کردن بساط ارباب سی و زمینداری بزرگ یعنی ریشه کن کردن یکی از ارکان مهم ضد انقلاب روز افزون است و این همه جزئی است از نیازهای انقلاب و حکم زمان. این جنبش و جوش اشکال مختلف داشته از درجات مختلف شکل و پیگیری برخوردار بوده رهبری فاعلی مختلف داشته یا حتی بدون رهبری بوده و از نام نگاری گرفته تا مراجعه به دادگستری، از تحمّن گرفته تا بستن جاده های بین شهرها، از زد و خورد بسا عمال مالک و چماقداران گرفته تا مغایله با ژاندارمها، از تظاهرات در شهرها گرفته تا تجمع در مقابل فرمانداریها و سایر ادارات دولتی، از اخراج مالک گرفته تا تصرف زمین و تقسیم آن، از طومار نویسی گرفته تا مقاومت مسلحانه، انواع مختلفی را در بر گرفته که در استانهای مختلف می توان نمونه های بسیار متعدد هر یک از

آنها را ذکر کرد. واضح است که صورتهای شدید این مبارزه مانندی زد و خورد و تحصن و اعصاب و تظاهر بیشتر در بین افکار عمومی منعکس شده ولی این از اهمیت سایر انواع مبارزه دهقانانی نمی گاهد. در سمینار مسائل کشاورزی منعقد در اوایل مهرماه گفته شد که پس از انقلاب سیمد برخورد دهقانی در کشور رخ داده که در این میان ۱۲۰ تن کشته شده اند. همین دورقم مربوط به حادثه ترین اشکال برخوردها حکایت از حدت و شدت وضع می کند.

نمونه ای مشخص از تنوع اشکال مبارزات و تکامل آن

قبل از آنکه بر روی مهمترین و عمده ترین خواست و مسئله که مسئله زمین و خواست طرد کامل بساط اربابی و بزرگ مالکی است، بر روی شیوه مهم کنونی نبرد دهقانی که تصرف زمین و خلع یسد عملی از مالکان است مکث کنیم، بدنیست نمونه مشخصی از یک ده و با تنوع ابتکارات دهقانان و پیگیری ستایش انگیز و درجه شکل و اتحاد فزاینده آنها در جریان نبرد و همچنین با نیروهای که در این هموردی در برابر هم می ایستادند آشنا شویم:

در ده "کلاریج کلا" واقع در شهرستان قائم شهر از مدت ها قبل دهقانان به حق طلبی برخاسته و حتی در زمان طاغوت با نوشتن نامه و امضای طومار نشان دادند که مالکیت ارباب نامشروع است و خواستار اصلاحات ارضی به نفع دهقانان شدند. این روستا - میان از جو انقلابی عظیمی که به هنگام نبردهای خلق ما علیه رژیم شاه در آخرین ماههای حکومت ننگینش به وجود آمده بود استفاده نموده و تصمیم به عمل انقلابی تصرف زمین گرفتند. آنها سعی ام دی ماه پارسال، تقریباً دو ماه پیش از پیروزی انقلاب در مسجد ده جمع شدند و نوشتند: "با توجه به اینکه زمین این قریه تیرآبادی

است و به زور و به قیمت ناچیزی خریداری شده و غصب شده، تصمیم گرفته‌ایم این زمین را بین خودمان بطور عادلانه تقسیم کنیم و برای اجرای چنین کاری امضاء کنندگان زیر به کلام الله مجید سوگند یاد می‌کنیم که تا آخرین مرحله برای رفع احتیاجات خودمان در مقابل زورگوئی ایستادگی کنیم." زیرنامه دهها امضاء و منجمه بیست‌اثر انگشت نهاده شده بود.

در این روستا ۹۰ خانوار زندگی می‌کنند که ۴۰ خانوار آن به کلی بی‌زمین‌اند. زمین‌های زراعی ۱۲ خانوار کمتر از نیم هکتار و هشت خانوار کمتر از یک هکتار است. در حالی که ۱۳۵ هکتار از زمین‌های مزروعی در اختیار چهار نفر قرار دارد که از آن میان تازه ۷۰ هکتار تنها متعلق به مالک عمده حسین عزتی است (وابسته به رژیم شاه، فاسد، شهرت به داشتن سوء اخلاق، ربای خوار، قلدر، در سایر دهات هم ملک دارد) حدود سی هکتار هم متعلق به رحیم عزتی است که این شخص هم از کیا کلاتا کلاتیج کلا زمین‌های وسیعی دارد (کارمند املاک سلطنتی بوده و صاحب نفوذ در ادارات دولتی و ژاندارمری است). این است وضع ده.

پس از پیروزی انقلاب دهقانان منتظر بودند به حق مسلم خویش برسند و دست مالکان بزرگ فاسد و وابسته به رژیم شاه کوتاه شود و زمین‌ها مال خود آنها باشد. آنها از مقامات جمهوری اسلامی بارها تقاضا کردند به درد دلشان برسند. آنها که حتی در زمان طاغوت تصمیم گرفته بودند تا زمین‌ها را بین خود قسمت کنند، پای خواست خود البته ایستادند. ولی مالک از تذبذب و مماشات دولت و سیاست ضد دهقانی وزارت کشور و روش غیر انقلابی ارگانهای دولتی استفاده کرده و برای مقابله با دهقانان آگاه عمده‌ای چماق‌دار برای سرکوب آنان اجیر نمود. خطری که از این طرف متوجه دهقانان بود در نامه به فرمانداری شهرستان قائم شهر،

مورخ ۵۸/۳/۲۵ منعکس شده است. دهقانان بیدار به هنگام ارتکاب یکی از موارد اعمال خلاف، شخص مالک را دستگیری کنند و تحویل مقامات می دهند. آنها کوشیدند همکاری با کمیته انقلاب داشته باشند. ولی متأسفانه شیخ طاهری که توانسته بود علی‌رغم توصیه‌های مکرر امام خمینی در مورد پاکسازی کمیته‌ها، در کمیته انقلاب اسلامی کیا کلا وارد شود و ریاست آن را بعهده بگیرد، با مالک تباری کرد و او را آزاد نمود. این مطلب در نامه مورخ ۵۸/۳/۲۸ به کمیته حل اختلاف کشاورزی قائم شهر منعکس شده است. دهقانان حق طلب که فریادشان طنینی نمی یافت و پس از انقلاب و پس از تأیید مکرر بر حقوق مستضعفان، زمین را از آن خود می دانستند از چهارم خرداد ماه را با "مبادرت به کشت زمین با چماق داران شدند و با وجود آنکه خودشان می توانستند ده دوازده نفر چماقدار را گوشمالی دهند با احترام نهادهای انقلابی و به قول خودشان برای جلوگیری از هرج و مرج جریان را به اطلاع فرماندار رساندند. ولی مقامات مسئول اجرائی توجهی نداشتند. دهقانان نوشتند: "با توجه به تأکید امام خمینی به پیروزی مستضعفین بر مستکبرین از شما و از تمام مراجع مترقی و مالحه رسیدگی به امر فوق را طلب می نمایم". و باز دهها امضاء و اثر انگشت. دهقانان تنها ۲۵ هکتار از اراضی مالک مزبور را تصرف کرده یعنی از غصب غارتگرانه عزتی به در آورده بودند. ولی متأسفانه بیش از پیش خود را با کمیته انقلاب، با فرمانداری، با کمیته حل اختلاف، با پاسگاه ژاندارمری که همه به درجات مختلف از مالک حمایت می کردند روبرو دیدند. هنگامیکه لوبیای کشت شده دهقانان آماده برداشت شد چماقداران مالک روز ۹ مهر به صورت تجاوز وارد کشتزار شدند. این بار دهقانان

نامه به‌استاندار نوشتند با این خاتمه که: "با توجه به اینکه" زراعت مال زارع است اگرچه (زمین را) غصب کرده باشد "برطبق عبارت فوق و اینکه انقلاب اسلامی ایران به منظور پیروزی مستضعفین بر مستکبرین می باشد از آن مرجع تقاضا داریم از هرگونه تضییق حقوق ما جلوگیری قاطع بعمل آید". و باز هم دهها امضاء و اثر انگشت. در اینجا بار دیگر بیداری و هشیاری دهقانان زحمتکش ظاهر می شود که به حق زمین و محصول کار خود را از آن خویشتن می دانند، آنها می دانند که منافع زورگویان ستمگر و بهره‌کش و منافع ستمکشان بهره ده آبی نیست که به یک جوی برود و ایمان دارند که بالاخره مستضعفین بر مستکبرین پیروز خواهند شد. آنها به کسی هم التماس نمی کنند، بلکه تمام جریاناتی را که جلوی چشم آنها رخ می دهد برخورد منافع این دو طبقه می دانند و مصمانه و متحدان "واز راههای مختلف مبارزه می کنند."

این مبارزه می‌توانست در چارچوب عادی خود - عادی برای زمان انقلابی ما - جریان یابد و به تحقق خواسته‌های حقه و انقلابی دهقانان بیانجامد و با همین اشکال خاتمه یابد، به شرطی که مقامات اجرائی وزارت کشاورزی و کشور به حق مسلم دهقانان گردن می - نهادند و زمین های غصبی و به‌زور و تزویر گرفته شده را از مالک بازپس می ستانند و به دهقانان می دادند و از محصول کار آنها دفاع می کردند. در آن صورت حق به حق دار می رسید و رودرروئی پایان می یافت و ریشه ظلم و کفر و استکبار هم، از نظر زمینداری، خشکانیده می شد. اما چنین نشد. و چون چنین نشد کار به زد و خورد بین چماقداران متجاوزان ارباب و دهقانان حق طلب کشید. کار به سرنیزه‌کشی ژاندارم‌ها کشید که متأسفانه نه علیه ارباب و چماق - دارانش، بلکه علیه دهقانان تهیدست متوجه شد. ژاندارمنری کیاکلا، فرمانداری قائم شهر، کمیسیون حل اختلاف شهرستان، در

مبارزه دهقانان...

آن وقت که ایزدی وزیر کشاورزی و همدستانش همه کاره بودند، زیر نفوذ مالک و در خدمت او عمل کردند. در نیمه دوم ماه مه ——— ر ژاندارمهای مسلح درست مانند زمان طاغوت سوار کامیون هابسه روستا حمله بردند و هشتاد نفر دهقان را دستگیر کرده به پاسگاه بردند. دهقانان گفتند: "ژاندارم‌ری جمهوری اسلامی باید از مستضعفین حمایت کند نه از مستکبرین طاغوتی و غارتگر". ولی کار از جای بالاتری خراب بود و صدای آنها به جایی نرسید. بالاخره دهقانانی که به فرماندار، به کمیسیون حل اختلاف، به کمیته انقلاب، به استاندار مازندران نامه نوشته و نتیجه‌ای نگرفته بودند ملجاء و پناهی نیافته مستقیماً "نامه به امام خمینی رهبر انقلاب نوشتند" (۵۸/۷/۲۳). آنها شرح دادند که: "اصلاحات ارضی آمریکائی شاه خائن عملاً در خدمت تقویت زمینداری بزرگ بود و دهقانان بی زمین و کم زمین را همچنان در محرومیت باقی گذاشت... آنها نوشتند: "کارد به استخوان ما رسید و ما تصمیم گرفتیم دست غارتگران و متجاوزان را از حق و حقوق مسلم خود کوتاه کنیم"، نوشتند که: "ژاندارم‌ها با اسلحه‌ای که جانب ما نشانه گیری کرده بودند به محاصره ما پرداختند و رئیس پاسگاه ژاندارم‌ری اظهار می داشت که مانع برداشت محصول ما خواهد شد". و خواسته‌اند که: "بیش از این مراجع گوناگون خصوصاً ژاندارم‌ری کیا کلاً در جهت حمایت از مستکبرین فاسد و سرسپرده رژیم مخلوع نباشند و مانع جمع آوری محصول و زراعت ما نگرددند".

خوب پیدا است که دهقانان از چه انواع بسیار متنوع و مختلفی در مبارزه خود استفاده کرده‌اند و با تکیه بر اتحاد و حقانیت خود و اعتماد به رهبری انقلاب پیش رفته‌اند و زمین را گرفته‌اند و کشت کرده‌اند و محصول خود را به عمل آورده‌اند. خوب پیدا است که

ادامهء حکومت و مالکیت ارباب با هیچگونه موازین شرعی و عرفی وفق نمی دهد و برجیدن ریشه این مستکبران لازم است. خوب پیداست که دستگاه پاکسازی نشده و تقریباً دست نخورده باقی ماندهء دولتی همچنان به سود زورمندان متنفذ عمل می کند و نفع مستضعفین را به هیچ می گیرد. خوب پیداست که این سیاست و طرز عمل به زیان تولید کشاورزی است و حتی به بهای پیوسیدن محصول موجب کاهش تولید می شود و به اقتصاد کشور و استقلال آن لطمه می زند. همهء اینها در جهت نقشهء ضد انقلاب است که از ایجاد اغتشاش و تشنج و ناراضائی و خشم، ایجاد قحطی و کمبود و نارسائی اقتصادی، از برخورد بین مقامات دولتی که اکنون دیگر در هر حال نماینده و مظهر قدرت انقلابی هستند و رسماً باید نمایندهء مردم زحمتکش باشند با این مردم که کاملاً در دفاع از منافع حقه خویش محق هستند، نهایت سوء استفاده را برای تضعیف انقلاب می نمایند.

مشنی نمونه خروار

در نمونه کلاز تیج کلا، هم با انواع مبارزه ها و اشکال مختلف ابتکارات پیکار جویانه دهقانان آشنا شدیم و هم با حیاتی ترین خواسته های آنان .

دهقانان در ماه های اخیر به خاطر آب و وام، در اعتراض به ژاندارمها، چماقداران، به خاطر کود و بذر، برای جاده و درمانگاه، برای قطع مداخلات عناصر ناباب کمیته های انقلاب اسلامی و روش غیر قابل انتظار آنان به سود مالک مبارزه کرده اند و برای هریک از آنها هم از اشکال مختلف، به دنبال هم و با همراه با هم، استفاده ها برده اند.

ولی مسئله اصلی دهقانان و خواست عمده آنان مسئله زمین

مبارزه دهقانان...

بود و هست و مهمترین و بارزترین شکل مبارزه در این راه هم تصرف زمین، خلع ید عملی از مالک، بذرپاشیدن و کشت کردن، چند نمونه دیگر را هم فهرست وار ذکر می‌کنیم تا سپس در یک جمع بندی کلی بتوانیم به ماهیت و سمت و اهمیت این اقدام انقلابی و خواست حقه بپردازیم:

— در ده میدان، بخش چالانچولان دهقانان به خاطر زمین رزمیده و آن را تقسیم کردند، اگرچه بعلت عدم هماهنگی کار راهنوز تا به آخر نرسانده‌اند. دهقانان به ماده ۴۵ و تقسیم زمین و عدم مراعات عرف محل اعتراض داشتند. در اینجا دهقانان خود را سا به تقسیم زمین دست زدند و شعار می‌دادندما "زمین می‌خواهیم". مبارزه آنها در دهات اطراف هم تاثیر داشته است. مثلاً در کلنگانه یا هشویه.

— در گلدسته نزدیک تهران دهقانان خود شعار دادند "برویم و زمین‌ها را بگیریم" بر پرچم سفیدی نوشتند با پیروی از فرمان امام خمینی جهت شروع به امر کشاورزی زمین‌ها را می‌گیریم و کشت می‌کنیم". زمین‌های اربابان و منجمله‌اراضی را که سرهنگ زمانی شکنجه‌گر تصرف کرده بود باز پس گرفتند. ۹۸ هکتار زمین راسی نفراتراکا" گرفتند و شرکت تشکیل دادند و شروع به کشت کردند. این اقدام انقلابی تاثیر سریع بخشید و سایر دهات اطراف به دهقانان گلدسته پیوستند. به دنبال گلدسته دهقانان سعید آباد، فیروزبهرام، چاردانگه، ملک آباد، ده عباس و غیره و غیره زمین‌ها را گرفتند و به حق خود، بنحوی انقلابی، رسیدند. زیر تاثیر و به قدرت خواست توده دهقانان کمیته محل اعلام داشت "تایک هفته اگر زمینی کاشته نشود، بکارید مال خودتان".

به دنبال پیروزی مبارزه دهقانان گلدسته ستاد جهاد

سازندگی جاده ساوه طی اعلامیه‌ای که در همه دهات اطراف پخش شد اعلام کرد: "بر اساس فرمان امام خمینی مبنی بر آباد کردن ایران خراب، تصمیم قطعی اتخاذ گردید تا زمین های مزروعی زیرکشت رود لذا زمین های قابل کشت اطراف جاده ساوه از نعمت آباد تا رباط کریم از شمال و جنوب جاده مزبور به شعاع پنج کیلومتر باید زراعت شود. بادر نظر گرفتن اینکه مملکت نیاز مبرمی به کشاورزی دارد و با کمال تاسف مشاهده میشود که مالکان زمین ها اقدام در جهت احیاء و کثیت آن نکرده اند بیه، این دلیل جهاد سازندگی بخش ساوه از تاریخ ۵۸/۸/۱ به مدت یک هفته به مالکان زمین مهلت می دهد که جهت کشت آن اقدام کنند و در غیر این صورت این مرجع با قاطعیت تمام با این مسئله برخورد و زمین ها را به افراد داوطلب به کشاورزی واگذار خواهد کرد".

- در حصار مهتر شهریار دهقانان زمین را از ۱۳ آبان ماه گرفتند. سیمد هکتار زمین و دو چاه آب. شروع کردند به کار و بارها با مراجع مختلف تماس گرفتند و به کمیته تهران هم آمدند. در اینجا خوشبختانه پاسداران به کمک دهقانان شتافتند. اقدام انقلابی دهقانان هم زمان بود با اقدام انقلابی درخشمان دانشجویان پیرو خط امام در تصرف لانه جاسوسی آمریکا. همین خود تاثیر مثبتی در جریان و حمایت از آن داشته است و رابطه بین نهضت دهقانی و نهضت عمومی خلق راحتی در موارد مشخص ثابت می کند. در دهات حصار مهتر نیز اثرات این حرکت شروع به تظاهر کرده است.

- در بوکان ۱۲ کیلومتری اصفهان با حدود دو هزار نفر جمعیت، روستائیان سرزمین ها رفته شروع به کار کردند زمین های مالکان در هفته آخر مهر ماه بین دهقانان تقسیم شد.

مبارزه دهقانان...

- در ده سیستان بیضا که ایزدی مالک ۴۰۰ هکتار از زمین های آن است دهقانان بعد از انواع اقدامات شروع به تصرف زمین کرده و گفتند: " ما به فرمان امام کشت کردیم و روی زمین هائی که محصول آنها تنها جارو بوده ما جو عمل آورده ایم. "

- روستای طارس - فیروزکوه ، دهقانان صدها هکتار مرتع را برای احشام خود از مالک باز پس گرفتند .

- علی آباد - الیگودرز ، خوش نشین ها صدها هکتار زمین را که مالک بلا استفاده رها کرده بود تصرف کرده و به دستور امام بذر پاشیدند . ولی متاسفانه مالک با حکم دادستانی و نیروی ماموران پاسگاه آمده زحمت و کار آنها را به هدر داد .

- رزن - همدان ، اقدام انقلابی دهقانان به تصرف زمین ها را "اخلال گری" نامیدند و عده ای را به نقاط دور منجمله فارس تبعید کردند .

- مجید آباد - شهرستان اهر ، دهقانان ، فتودال را بیرون کردند و گفتند ما تصمیم گرفتیم که زمین خودمان را خودمان بکاریم و تا جان داریم از خواست خودمان دفاع خواهیم کرد . در نتیجه مبارزه آنها مالک فراری میشود .

- در ده هرابال بیضا دهقانان شروع کرده اند به گرفتن حق خود و تاکنون ۱۸ هکتار را پس گرفته اند .

- دهقانان دهستان کلیائی (کرمانشاهان) به تصرف زمین های مالکان ادامه می دهند . اکثر زمین های چهارریسک مالکان و بخشی از زمین های مکانیزه به تصرف دهقانان درآمده است .

- در روستاهای چرکس ، بغدادشه ، چم کمبود از توابع سنقر کلیائی دهقانان زمین ها را بین خود تقسیم کرده و اقدام به بدرپاشی کرده اند . در چم کمبود دهقانان بین خودشان و خوش -

نشینان زمین‌ها را به تساوی تقسیم کردند. در سوران آباد زادگاه رفیق شهید حیدری بیگوند حدود یکصد هکتار از اراضی مالکیین را از راه مذاکره گرفته و بین خود قسمت کردند.

- پای صحبت دهقانی نشستیم که حرف دل بسیاری از دهقانان را می‌زد. اومی گفت: " این که (این مالک که) تاجر شهره مال شهره یا دولتی، این دیگه اینجا چی میگه؟ هرکسی باید خودش کار بکنه، این که خودش کار نمی‌کنه، این که دیگه نمیتونه صاحب زمین باشه. روزای جمعه، اونم بعضی اوقات، یکساعتی می‌یاد اینجا و چرخ می‌زنه. این دفعه بهش گفتیم این جمعه هم اومدی خوب حالا هم سالم برو. اما جمعه دیگه نیا، اینجا دیگه مال ماست. هم زمینش، هم محصولش..."

این منطق اصیل و درست، منطق انقلابی و عمل انقلابی دهقانان است. قدرت ابتکار و تشخیص درست و اتحاد آنها وثیقۀ پیروزی آنها در بسیاری موارد شده و می‌شود.

تصرف زمین از مهم‌ترین اشکال مبارزه دهقانان بوده و هست، همانطور که زمین خود اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین خواست دهقانان زحمتکش است. این خواست اکثریت بزرگ دهقانان است که یابی زمین مانده‌اند و یا کم زمین هستند.

حل مسئله زمین، مسئله حاد روز

دهقانان بی‌زمین به پانصد هزار خانوار بالغ می‌شوند. دهقانان کم‌زمین به حدود یک میلیون خانوار می‌رسند که کمتر از دو هکتار زمین دارند و ۴۳٪ کل دهقانان کشور ما را تشکیل می‌دهند ولی تنها ۴/۵٪ کل مساحت ارضی مزروعی ایران را در اختیار دارند. این ارقام حدت مسئله زمین‌و اساسی بودن خواست حل

مسئله زمین به سود دهقانان را نشان می دهد. این هابیش از هفت میلیون نفر ایرانی هستند که نان بخور و نمیرهم به دشواری گیرمی آورند و نیروی فعاله آنها به هدر می رود. غیر از اینها تازه دهقانان خرده پانیز وضع چندان بهتری نسبت به تهیدستان ندارند و البته بسته به منطقه، آنها نیز احتیاج به زمین دارند و خواستار اصلاحات ارضی بنیادی هستند. گروه کم زمین تر از زمین دهقانان خرده پای یعنی کسانی که بین دوتا پنج هکتار زمین دارند حدود نیم میلیون خانوارند. ذکر اجمالی همین ارقام ثابت می کند که اصلاحات ارضی ملوکانه تا چه حد از یک رفرم واقعی ارضی به دور بوده و تا چه اندازه اصلاحات ارضی بنیادی و به سود دهقانان همچنان در دستور روز جامعه ماست قرار دارد.

دهقانان که ریشه اصلی تمام بدبختی ها و محرومیت خود را به درستی تشخیص داده اند، به حق می طلبند که اصلاحات ارضی واقعی و عمیق آن چنانکه شایسته انقلاب بزرگ ماست انجام گیرد، مشکل زمین حل شود، تکلیف مالکیت ارضی بسود دهقانان زحمتکش یعنی این میلیونها خانواده دهقان تهیدست بی زمین و کم زمین و دهقان خرده پا روشن شود و دست زمینداران بزرگ و سرمایه داران اراضی غارتگر برای همیشه از این منبع عظیم ثروت طبیعی میهن ما، زمین زراعی، کوتاه گردد.

دشمنان دهقانان و طرفداران زمینداران بزرگ تصرف زمین را از جانب دهقانان که عبارت است از رسیدن حق به حقیق دار "تصرف عدوانی" و "تجاوز غیرقانونی" می دانند. ولی این کار در واقع بازگرداندن حقی است که از آنها غصب شده، پایان دادن به تجاوزی است که سالها و سالها بر آنها و پدران آنها رفته است، خاتمه دادن به یک دزدی آشکار و به یک مالکیت ناشی از زور

زور و تزویر است. تصرف زمین عملی است کاملاً قانونی و به حق و به عقیده بسیاری از مفسرین مذهبی و مدافعان اسلام راستی، عملی است اسلامی، عملی است دور از هرج و مرج و برای پایان دادن به هرج و مرج و استقرار نظام خلقی و مستحکم، نظمی مطابق با موازینی که با حق و عدالت و انصاف و منافع ستمدیدگان میخواند و به دست خود دهقانان عملی می شود و با اتحاد و مشارکت و مشاورت خود آنها شکستناپذیر می گردد.

بدینگونه است که مادران نهایی مازندران و مرکزی، فارس و خوزستان، گیلان و گرگان، اطراف تهران و غیره در بسیاری و بسیاری از نقاط با این عمل انقلابی و اصولی که از اهداف راستین انقلاب نشأت می گیرد و با شیوه عملی مردمی و خلقی آن تطابق کامل دارد و ادامه و مکمل آن است و بروهستیم. دهقانان با تکیه حمایت امام خمینی از محرومان جامعه به ابتکار خود، به دست خود، با تکیه به نیروی خود و با آگاهی به این نیرو و ایمان به حقانیت خویش دست به این عمل انقلابی تصرف زمین می زنند، مستکبرین را در هم می کوبند، زمین های غصبی زمین هائی که مال خودشان است، می گیرند و چه بسا وقتی در دهی جرقه ای درخشیدن گرفت دهکات اطراف را نیز شعله های گرما بخش حق طلبی و بیداری فرامی گیرد و منطقه ای بیای می خیزد. روستائیان زمین - این حق مسلم دهقانان زحمتکش را که آبادی هروجب خاک مرهون زحمت و کوشش آنها است - می خواهند و خود را سا" آن را می گیرند.

این عمل انقلابی در جهت حفظ و حمایت از انقلاب است، زیرا که زمینداران بزرگ غارتگر نفعی در حفظ انقلاب و پیشبرد آن ندارند. برعکس در بازگشت نوعی نظام طاغوتی که با ماهیت طبقاتی آنها و استثمارگری و زورگویانه آنها بخواند نفع دارند. نفع آنها در حمایت از امپریالیسم و عوامل آن و از بقایای رژیم

پوسیده، مخلوع و ازساواکی ها . و مفسدین است . در عمل هم بارها دیدیم که چگونه همه این عوامل به دور هم جمع شده و زیر چتر مالک بزرگ با هم همکاری کردند . زمینداران بزرگ بالقوه یا بالفعل دشمن انقلاب هستند و علیه آن خرابکاری می کنند . وظیفه انقلاب ریشه کن کردن قدرت آنها - مالکیت بر زمین های وسیع - طرد این طبقه از حیات جامعه انقلابی ماست . عمل دهقانان در تصرف زمین در همین جهت است . عملی است انقلابی ، اجرای یک وظیفه انقلابی است . آن کسانی که در مقامات اجرائی و ژاندارمری و احیاناً " کمیته ها و فرمانداری ها با این اقدام انقلابی مخالفت می کنند آب به آسیاب دشمن انقلاب می ریزند و یک عمل انقلابی را که در خط عملکرد انقلابی است سرکوب می کنند .

مخالفین اقدام انقلابی دهقانان عملاً در مخالفت با انقلاب

ورهبری آن قرار داشتند

دامنه تصرف زمین یعنی احقاق حق مستقل و قائم به خود دهقانان از خاتمه بهار به جایی رسیده بود که آیزدی وزیر حامی مالکان بزرگ طی بخشنامه ای در خرداد ماه عمل انقلابی دهقانان را " تصرف عدوانی " خواند و برای " کلیه زارعین " خط و نشان کشید و آنها را به نخریدن محصول و محروم شدن از کمک های دولت ، خلع ید و حتی پس گرفتن زمین هایی که از طریق اصلاحات ارضی قبلاً به دهقانان داده شده بود ، تهدید کرد و عملاً هم در فارس به زندان انداخت و در لرستان تبعید کرد . ولی رویدادهای ماههای پس از آن نشان داد که در بسیاری از نقاط هنگامی که اشکال دیگر مبارزه دهقانان به نتیجه نرسید ، آنها نیز همین شیوه را

برگزیده و بیش از پیش راسا" به تصرف زمین پرداختند. وزیر کشاورزی وقت باز در ۱۲ مهر ماه اطلاعیه‌ای صادر کرد و مالکیت غصبی و زورگویانه مالکین را "موازین شرعی حقوق قانونی و مشروع اشخاص" نامید و دهقانان حق طلب و مبارز را "غاصبین اراضی کشاورزی" خواند و حتی وقتی مقامات محلی روشن بین و عناصر خلقی ارگانهای انقلابی با دهقانان همگامی داشته و عمل آنها را تأیید می کردند، تصمیم آنها را غیر قانونی "که مورد تأیید دولت نمی باشد"، خواندند. دهقانانی که از انقلاب انتظار عمل داشتند و مطابق با شیوه مردمی انقلاب خود راسا" زمین هارا تصرف می کردند، وظیفه انقلابی خویش را انجام می دادند. اما مشتی ارباب با تکیه به وزیر و عقاید ارتجاعی و عمل ضد انقلابی او مانع می شدند. وزیر دولت موقت اعلام می کرد: "وظیفه اساسی دولت و مراجع قضائی و انتظامی حفظ محیط امن است"، محیط امن برای اربابان! آنهم به دست لیبرال هائی که به نام انقلاب و در دولت موقت لانه کرده بودند. به این ترتیب بود که در ماههای بعد از انقلاب به سود "امنیت اربابان" دهها و دهها دهقان به زندان افتادند، با سرنیزه ژاندارم روبرو شدند، مثل زمان طاغوت سروکارشان با "مراجع انتظامی و قضائی" افتاد، کتک خوردند و تبعید شدند.

وقتی که دهقانان شنیدند امام خمینی در سخنان ۸ آبان خود گفت: "شما منتظر این نباشید که این ادارات، این استانداریها و امثال اینها برای شما کار بکنند، اینها بسیارشان همان مغزهای فاسد رژیم سابقند"، درست مثل این بود که سخنی را که از دل آنها برخاسته بود و زبان حالشان بود می شنیدند. وقتی امام در همان سخنان معروف خود گفت: "خود ملت باید قیام کند" دهقانان به درستی دانستند که عمل آنها در جهت تصرف زمین قیامی است به حق و در سمت انقلاب و رهنمود رهبران انقلاب تأییدی است برخواست

وروش آنها و دست ردی است بر مشی و عمل و سیاست مشابه رژیم فاسد سابق .

آن روش دولت موقت در نقطه مقابل ارزیابی کنونی و درست شورای انقلاب قرار دارد. شورا در اعلامیه شماره ۲ خود "حیل مشکل زمین برای روستائیان و مبارزه با فئودالی" را وظیفه اساسی خود شمرد و آیت اله دکتربا هنر عضو شورای انقلاب در یک گفتگوی اختصاصی با روزنامه اطلاعات (۱۹ آبان) گفت : " در مورد زمینداری بزرگ و اراضی وسیعی که در اختیار افراد هست جهت کار شورای انقلاب و هدفش این است که بتواند بتدریج زمین ها را در اختیار کسانی بگذارد که رویش کار می کنند، وی اضافه کرد : "هدف این است که کسانی که روی زمین کار می کنند مالک زمین باشند، صاحب زمین باشند". وزیر سابق دولت بازرگان منکر وجود فئودال و فئودالیتة شد (مباحثه مطبوعاتی - ۱۸ مهر - "انقلاب اسلامی" ۱۹ مهر) و گفت این اصلا یک شعار است و معنای ندارد اما شورای انقلاب می گوید : "مبارزه با فئودالی" یکی از وظایف اصلی اوست . (اعلامیه شماره ۲ - کیهان ۱۶ آبان) ، امام خمینی پیرامون مالکیت اربابی بزرگ بر زمین به اعتراض می پرسد که چه کسی از قول وی گفته است که اسلام مالکیت نامحدود را قبول دارد و با این برداشت از سخن وی با اسلام آشکارا مخالفست می کند . و این درست همان بزرگ مالک ایزدی وزیر کشاورزی بود که در همان مصاحبه ۱۸ مهر گفته بود "وقتی که شورای انقلاب نوشت که باید حدود مالکیت را مشخص کنیم، آقا (یعنی امام خمینی) قلم روی آن کشیدند و گفتند که در اسلام مالکیت وجود ندارد". دیده میشود که برای جلوگیری از حق طلبی دهقانان حتی به جعل و دروغگویی از قول امام نیز متوسل می شوند .

مهم است که این مدافعان منافع طبقاتی اربابان غارتگر

می کوشند نقش خود را به نام اسلام ایفاء کنند. آنها حل مسئله مالکیت بر زمین را "تفاوت بین انقلاب کمونیستی و اسلامی" می خوانند (همان مصاحبه)، در حالی که شورای اجرائی جهاد سازندگی استان تهران از مالکینی یاد می کند که "با پرداخت خمس و زکات مزارع را بلا استفاده می گذارند ولی کشاورزان و زارعین واقعی سرگردان شده اند". (کیهان ۲۶ مهر) روزنامه "امت" به حق در شماره ۶۲۰ آن می نویسد که می خواهند "بعضی اقطاع اسلامی حاکمیت و مالکیت ملاکانی را که جزو و غارت و تجاوز آبا و اجدادی سندی برای اثبات حقوق خود ندارند ثبت و تأیید کرده و بدانها جنبه قد است و مشروعیت دینی ببخشند". حجت الاسلام دستغیب ، رئیس دادگاه انقلاب اسلامی شیراز با اشاره به دسائس مالکان علیه دهقانان گفته است : "تا دیروز در زیر پوشش مخالف با شاه و امروز در زیر پوشش مخالف با اسلام ، کشاورزی که سال ها محرومیت کشیده باید برای حق طلبی و حق گوئی به زندان برود". (کیهان ۱۷ مهر) کسانی که مانع رسیدن حق به حق دار و زمین به دهقانان می شوند ، محیط نارضائی و خشم می آفرینند و روستاها را در ناامنی و تشنج فرومی برند و امکان زد و خورد و توطئه فراهم می آورند . این محیط بِنفع چه کسانی بود ، بِنفع ضد انقلاب و امپریالیسم . یک دستگاه اجرائی انقلابی می بایست به دور از هرگونه هرج و مرج به فوریت و بطور قاطع موازین درست کوتاه کردن دست مالکین بزرگ را تدوین می کرد و ترتیب سریع و بی تزلزل رساندن زمین را به دهقانان (یعنی بخش مهمی از همان مستضعفین که به گفته امام انقلاب کردند و حکومت مال آنهاست و نتیجه انقلاب هم مال آنها) بخصوص به دهقانان بی زمین و کم زمین فراهم می ساخت .

پس نتیجه کلی اینکه : تصرف زمین در سمت عمومی شیوه انقلاب مردمی ماست و در شرایط برخورد غیرانقلابی و ضد دهقانی مقامات مسئول اجرائی کاملاً بدیهی و طبیعی است .
این مطلب که برای حل مسئله ارضی و بطور کلی مسائل کشاورزی ایران اولین و مهم ترین اقدام می بایست دادن زمین به خود زارعان با استفاده از اشکال مختلف تولید فردی یا تعاونی و قطع کامل اصول بزرگ مالکی ، بهره شیوه و رسم (اربابی یا سرمایه داری) باشد ، بیش از پیش در اذهان جای می گیرد و مورد قبول همه نیروهای انقلابی و ملی و مترقی واقع می شود .

يك نیاز عینی به کرسی می نشیند و يك اندیشه درست

مورد قبول قرار می گیرد

گذشت آن زمان ها که بانگ حزب توده ایران تنها صدائی بود که در این زمینه به سود دهقانان تهیدست طنین می افکند و ما ناچار بودیم یک تنه به جنگ فتوادلها و مالکان بزرگ برویم . اکنون دیگر همه می دانند که حل مسئله زمین از نظر استقلال اقتصادی کشور ما ، از نظر دارا بودن تولید سالم و مطمئن داخلی ، برای کشور ما که درگیر مبارزه ای سخت با امپریالیسم است اهمیت حیاتی دارد . اکنون دیگر همه نیروهای سالم می گویند باید قاطعانه و بی تردید جانب دهقانان را گرفت و مسئله را از ریشه حل کرد . برای عموم دهقانان ایران باعث خرسندی بسیار بود که شورای انقلاب پس از تجربه ناموفق دولت موقت در زمینه کشاورزی تصمیم دارد دریک "فرصت محدود"

که آقای دکتر بهشتی مهلت آن را حدود دو ماه تعیین کرد به "حل مشکلات زمین برای کشاورزان و دهقانان و مبارزه با فئودالیسم" بپردازد و آقای دکتر با هنر عضو شورای انقلاب هسته مرکزی این تصمیم را "مالک زمین شدن و صاحب زمین شدن کشاورزی کسه روی زمین کار می کند" دانست .

این مبارزه مداوم و پیگیر که مرهون هوشیاری و بیداری دهقانان است ، علیرغم همه دشواری ها موجب شد که در طرح " سیاست اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی برای نیل به جامعه بی طبقه توحیدی " (شامل سه مرحله) که اواخر مهرماه انتشار یافت در زمینه مالکیت زمین ، حتی در مرحله اول ، وظیفه اساسی چنین توصیف گردد: "حل مسائل ارضی محور فعالیت های کشاورزی را تشکیل دهد. زمین های بزرگ و اراضی غیر مشمول اصلاحات ارضی گذشته بین دهقانان بی زمین و کم زمین و متناسب با شرایط هر نقطه و بر مبنای بهره برداری کشاورزی خانوادگی و تامین شرایط زندگی مناسب را برای این خانواده تقسیم گردد ، در مناطق با مزایای اقتصادی بادشواری های اجتماعی - سیاسی بهره برداری از زمین های بزرگ به صورت تعاونی ها به دهقانانی واگذار شود که به کار در اراضی مزبور اشتغال دارند " . (کیهان ۲۸ مهر)

در این دومین ماه پائیز باید اضافه کرد که حالا کسه اصولیت مسئله مسلم شده باید فوریت حل آن نیز هرچه سریع تر در نظر گرفته شود زیرا که مسئله شخم و بذرپاشی و کشت مطرح است و دارد دیر می شود. دیر می شود زیرا تا تکلیف زمین ها معلوم نشود، در بسیاری نقاط کار کشت آغاز نخواهد شد. دهقانان پای حرف خود ایستاده اند و چون می خواهند طبق فرمان امام هرچه بیشتر کشت کنند و محصول بردارند می طلبند که مقامات

مسئول به فوریت و تاکست پائیزه دیرنشدہ تکلیف را تعیین و اربابان را از زمین ها بیرون رانند. معاون اجرائی دفتر مرکزی جهاد سازندگی به حق گفته است: "به منظور روشن شدن وضع کشت پائیز و تسریع در کار جهاد سازندگی دولت باید هر چه زودتر نوع مالکیت های زمین های کشاورزی را مشخص کند". (انقلاب اسلامی - ۵ آبان ۵۸) در گنبد و گرگان کشت پائیزه تا آخر آبان و حداکثر تا دهم آذر باید انجام شود ولی شروع کار همچنان در گروی تعیین وضع مالکیت است.

اشاره ای به اهمیت پیوند زمین با :

بفرنجی های مسئله حاد ملی

مسئله زمین ابعاد مهم دیگری نیز دارد که یکی از حساس ترین آنها گره خوردن آن در برخی از مناطق کشور با مسئله حاد ملی است. رفع ستم ملی و به رسمیت شناختن حقوق حقه خلق های ساکن میهن واحد و تجزیه ناپذیر ما در اداره امور داخلی خود که یکی از مسائل جدی کشور ما و یکی از وظایف بالاتر دید انقلاب است، هم اکنون بطور جدائی ناپذیر با حل مسئله دهقانی گره خورده است و زمین دار شدن دهقانان کرد و بلوچ و آذربایجانی و ترکمن و عرب و غیره، با در نظر گرفتن ویژگی های منطقه ای و قومی هر یک، از عمده ترین مسائل این نواحی است. هم می دانیم که چگونه مالکان بزرگ با ساواکی ها و عمال رژیم سابق در کردستان برای آتش افروزی و تشنج آفرینی همکاری داشتند و چگونه توطئه گران بین خوانین و اربابان کرد اسلحه پخش کردند و چگونه با انواع وسایل و با سوء استفاده از سیاست ضد دهقانی و غلط دولت موقت کوشیدند دهقانان را نسبت به انقلاب

بدبین و بی اعتماد سازند. آقای حجت بدرستی در روزنامه «انقلاب اسلامی» (۱۶ آبان) "حل مسئله کردستان و سایر مناطق مشابه کشور را وابسته به حل مسئله زمین" می‌داند. در کردستان دهقانان خود ابتکار عمل را به دست گرفته و در بسیاری نقاط مالکان را رانده و زمین‌ها را گرفتند. و به راستی حل مسئله کرد به سود این خلق و به سود انقلاب ایران جز با درهم کوفتن بساط بزرگ مالکی و خان‌خانی و جز با احقاق حق دهقانان نمی‌توانند همراه باشد. همین طور است سایر نقاطی که ملیت‌ها در آن ساکنند.

انجمن‌های اسلامی و سازمان‌های دانشجویان مسلمان دانشگاه‌های تهران در نامه خود به شورای انقلاب به حق می‌نویسند: "خیال می‌کنید مسائل کردستان با ترکمن صحرا یا خوزستان یا سیستان و بلوچستان و مسئله دهها نقطه دیگر چیزی جز ایجاد زمینه توطئه آن‌هم به دست فئودال‌های کثیفی است که اگر دولت تقویت‌شان نکرده باشد، حتما دست‌نپاکشان در دست‌اجانب و دشمنان انقلاب است ... تحقیقا" می‌گوئیم که از اصلی‌ترین معضله‌های اجتماع چیزی نیست جز مسئله زمین ... تا حاکمیت شوراها بر کارخانجات و مالکیت کشاورزان بر زمین‌های زراعی حل نگردد نباید انتظار داشت هیچ یک از حرکت‌های انقلابی ما ... مثمر واقع گردد". (جمهوری اسلامی ۲۹ مهر)

دادستان انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان می‌گوید: "پایگاه‌های ارتجاع و رژیم پیشین در پاره‌ای از نقاط این منطقه هنوز پابرجا است. در هر بخشی پایگذارید خواهید دید که فئودالی چنگال‌ش را در قسمت اعظم دسترنج کشاورزان و مردم مستضعف این ناحیه فرو برده و همچنان مشغول استعمار توده‌هاست. استبداد و زورگوئی و بهره‌کشی از مردم ستمدیده بلوچ و

سیستانی بوسیله همان عناصری که با توسل به دربار و رشوه‌گیری و جیره‌خواری نظام شاهی بر جان و مال مردم مسلط بودند هنوز ادامه دارد... با آنکه هشت ماه از انقلاب گذشته هیچ کاری انجام نشده است". این سخنان دادستان انقلاب اسلامی است، و بنوبه خود نشان می‌دهد که حل مسئله زمین چگونه با حیات‌ی‌ترین اهداف انقلاب وابستگی دارد. برای آنکه ضد انقلاب و امپریالیسم، رژیم پیشین و ارتجاع یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های خود را از دست بدهند باید بساط بزرگ مالکی و فئودالی، همانند بساط سرمایه‌داری بزرگ وابسته، برچیده شود. این نیاز عینی انقلاب ما در مرحله تازه تکامل آن است و بدون برداشتن گام‌های عملی و موثر در این جهت نمی‌توان از انقلاب پیروزمندانه دفاع کرد.

مبارزه دهقانی و وظیفه توده‌ای‌ها

وظیفه همه انقلابیون نبرد در راه برچیدن بساط سرمایه‌داری بزرگ وابسته و زمینداری بزرگ این پایگاه‌های طبقاتی - اجتماعی ضد انقلاب و امپریالیسم است. وظیفه دهقانان هم تن دادن به مالکیت اربابی و به‌کرسی نشاندن خواست‌حقه خود - دریافت زمین - و مبارزه برای گرفتن زمین است. دهقانان به این راه می‌روند و روز به روز هم بیشتر و مصمم‌تر می‌روند. انقلاب باید به یاری آنها بشتابد. دهقانان می‌خواهند انقلاب به ده آنها هم بیاید، انقلاب هم باید خود را به ده برساند و از دهقانان عقب‌نماند. انقلاب باید همگام با دهقانان بساط بزرگ مالکی متکی بر استثمار را - از هر نوعش برود و بکوبد و از پیش پای انقلاب بردارد.

ماتوده‌ای‌ها خرسند و سربلندیم. این اندیشه که زمین باید مال زارع و محصول مال او باید باشد و بساط اربابی باید برچیده شود اندیشه‌ای بود که زمانی بیان دفاع از آن ابداء کارآسانی نبود. بسیاری توده‌ای‌هایی که به همین علت زجرها کشیدند، شکنجه‌ها دیدند، کتک‌ها خوردند و به زندان افتادند و کم نیستند دهقانان توده‌ای که به همین خاطر کشته شدند یا به زندان‌ها افتادند. اما اینک همین فکر و عمل به اندیشه قابل قبول و اجرائی و ضرور برای تقریباً همه کس بدل شده است. جز برای مدافعان مستقیم بزرگ مالکی و قشریون تنگ نظر و نزدیک‌بین و البته ضدانقلابیون آشکار و پنهان و طرفداران طاغوت که دلیل و حسابشان روشن است. بیش از پیش روشن می‌شود که مسئله زمین برای دهقانان و مسئله مبارزه دهقانان و جنبش حرکتی که روستاها را فرا گرفته و تشدید می‌شود یکی از بخش‌های عمده و گرهی خود انقلاب ایران و سرنوشت آن و سیرآتی آن است.

توده‌ای‌هایی که در دهات کار می‌کنند یا در شهرهای مرکز مناطق کشاورزی فعالیت دارند و باده رفت و آمد و رابطه دارند و وظیفه انقلابی خود می‌دانند که در راستای تحکیم انقلاب و برای خرد کردن عوامل ضدانقلابی به این نبرد روزافزون دهقانی کمک همه جانبه بنمایند. توده‌ای‌ها، مبارزه با فئودالیسم و بزرگ مالکی را که پایگاه طبقاتی - اجتماعی ضد انقلاب است از اهم وظایف خود می‌دانند و برای سازمان دادن و تشکل مبارزات متنوع دهقانی به خاطر زمین و اینکه زمین و محصول از آن کسی باشد که روی زمین کار می‌کند، همه نیروی خود را به کار می‌برند. تحول مبارزه دهقانی و رشد آن و سمت آن، در سرنوشت انقلاب ما و تکامل کیفی آن تاثیر جدی و مستقیم داشته و خواهد داشت.

توده‌ای‌ها باید نتایج تجربیات هر ده و شهرستان را باطبلاع دهقانان سایر نقاط برسانند و از نکات مثبت و پیروزی آفرین و یا نکات منفی که موجب شکست یا سرخوردگی شده درس بگیرند. اعضای حزب توده ایران که نبرد علیه امپریالیسم و ضدانقلاب و تحکیم و پیشبرد دستاوردهای ضد امپریالیستی دمکراتیک و خلقی انقلاب را وظیفه عمده خود می‌دانند باید در کنار قشرهای زحمتکش روستائی و برای تشکیل آنها و برآورده ساختن خواسته‌های حقه طبقاتی آنها هرکوشی را که می‌توانند و هراستکاری را که می‌دانند بابت بهره‌گیری از تجربه خود دهقانان انجام دهند. نبردهای حقه دهقانی در راستای انقلاب ما باید به همت همه انقلابیون هرچه کمتر خود به خودی و هرچه بیشتر آگاهان و هدفمند شود و نقش تاریخی خود را به کمک اتحاد و همبستگی، آگاهی و هشیاری، شکل و سازمان یافتگی در پیشبرد انقلاب ما ایفاء نماید.

وظیفه توده‌ای‌ها در این زمینه وظیفه آسانی نیست. ولی حقانیت مبارزه و سنت‌های درخشان که از نبرد توده‌ای‌ها در بسیاری از دهات باقی مانده و همکاری توده‌ای‌ها با عناصر راستین مذهبی و طرفداران صدیق خط امام که اسلام را پرچم مبارزه برای دفاع از حقوق مستضعفین می‌دانند و با جان و دل در کنار محروم‌ترین مردمان کشور ما قرار دارند، و شیعهای است برای انجام موفقیت‌آمیز این وظیفه. کوشش برای ایجاد جبهه متحدی از همه نیروها و کسانی که در این راه به سود دهقانان زحمتکش و علیه اربابان و زمینداران بزرگ می‌رزمند و به اهمیت انقلابی این نبرد واقفند و وظیفه‌ای دشوار ولی بسیار مهم و حیاتی است. توده‌ای‌ها بیگیرانه این کوشش را انجام خواهند داد.

همکاری و تعاون، تنوع اشکال بهره‌برداری از زمین

روشن است که حل مسئله^۶ ارضی که خواست عمده^۶ دهقانان و هدف عمده^۶ مبارزات دهقانی است و نحوه بهره‌برداری از زمین برحسب محل و نوع زمین و کشت و درجه استفاده از شبکه آبیاری و ماشین آلات و خصوصیات منطقه می‌تواند به صورت انفرادی و خانوادگی باشد یا به صورت تعاونی و دسته‌جمعی و با ایجاد شرکت‌ها واضح است که فلان واحد کشت مدرن که سابقاً "متعلق به فلان سرمایه‌دار بزرگ بود یا فلان باغ سوپرمدرن خواهرشاه را که آبیاری اش هم با سیستم خودکار تنظیم می‌شود نمی‌توان و نباید قطعه قطعه کرد و تاسیسات مدرن و نحوه بهره‌گیری علمی از منابع طبیعی را به دور ریخت. مقصود از دادن زمین به دهقانان البته در این موارد تکه‌تکه کردن مزرعه و تاسیسات نیست زیرا که نه به سود کشور و اقتصاد ماست نه به سود خود دهقانان. ولی باید آن راهم به مالکیت مشاع و مشترک خود دهقانان و بزرگان و کارگران کشاورزی واحد مربوطه درآورد و با نظام شورائی آن را اداره کرد و براساس تعاونی امور آن را گرداند. در این صورت بسیار بهتر و سالم تر از علوم و فنون و مدیریت‌ها می‌توان استفاده برد. (در بعضی واحدها به علت ویژگی‌های خاص آن شاید ضرورت اقتصادی و سیاسی داشته باشد که واحد دولتی درست کرد). دهقانان گلدسته که زمین‌ها را گرفته‌اند خود مشترکاً شرکت تشکیل داده و به اتفاق کار می‌کنند. آنها اراضی را تکه تکه کردند و خودشان دیدند که با تراکتوری که دارند و به اشتراک، بهتر و مفیدتر می‌توانند عمل کنند و کشت کنند و از کمک‌کار-شناسان کشاورزی بهره‌گیرند. این دهقانان در عمل به ما درس می‌دهند که چگونه باید رفتار کرد و معنای سطح آگاهی بالای

دهقانی یعنی چه و چرا آنها عمیقاً با منافع خودشان و کشورشان آشنا هستند. دهقان ایرانی در نمونه‌های بسیار نشان می‌دهد که علاقه واقعی و به‌حقش به زمین در زنجیر تنگ نظری‌ها و خودبینی‌ها تا بدان حد گرفتار نیست که نتواند از بهترین اشکال بهره‌برداری از منابع آب و خاک و از امکانات فنی و سازمانی و اداری موجود استفاده نبرد و آنها را تشخیص ندهد. تجربه به آنها نشان می‌دهد که باید متحد بود و تنگ نظری را به کنار گذاشت. دهقانان اطراف بیروجرد که زمین می‌خواستند و زمین گرفتند با این روش نادرست و خودبینانه روبرو شدند که یک نفر قسمت حاصلخیز زمین را به زور می‌خواست و حاضر به همکاری با سایر دهقانان نمی‌شد. همین موجب فروکش مبارزه شد و حالا خود دهقانان دارند پی می‌برند که تحریک مالک برای دو به هم اندازی و ایجاد تفرقه در این پدیده موثر بوده است. در کوره همین تجربه‌هاست که دهقانان می‌آموزند و مبارزه خود را به سطوح عالی تری ارتقاء می‌دهند.

همکاری و همیاری که در بین روستائیان ما ریشه‌های دیرینه دارد سنتی است که باید در سطحی نواحیاء شود.

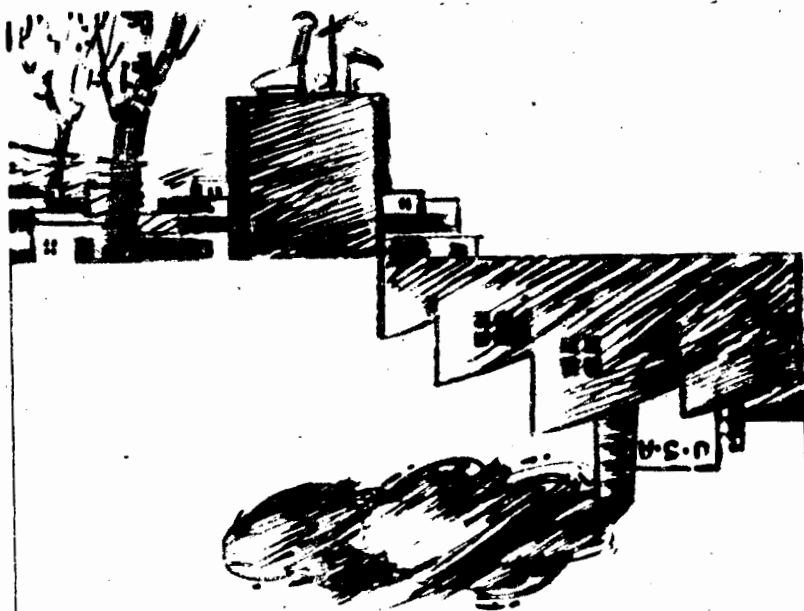
تقسیم بخش‌های اقتصادی کشور به دولتی و تعاونی و خصوصی در طرح قانون اساسی، که مشابه پیشنهادی است که در همین مورد حزب توده ایران به هنگام عرضه پیش‌نویس مطرح کرده بود شالوده مناسب و بجائی برای برخورد درست مطابق با شرایط مشخص هر منطقه و هر کشت و متناسب با درجه تشکل و آمادگی در هر ناحیه، با تشخیص و انتخاب خود دهقانان و کمک کارشناسان می‌توان هر یک از آن اشکال را در کشاورزی پیاده کرد و زمینداری بزرگ را از صحنه کشور برای همیشه زدود. هدف مبارزه دهقانان در لحظه فعلی و مهم‌ترین آماج موج بزرگی که

روستاهای ایران را فراگرفته جزاین نیست : محوکامل مالکیت فئودالی و شبهفئودالی و سرمایه‌داری ارضی وابسته به غارتگر. این هدف در خدمت انقلاب ایران است و برای به‌شمر رسیدن این "انقلاب دوم"^۳ که به قول امام خمینی - بزرگ‌تر از انقلاب اولی است و پیروزمندساختن آن یکی از حادثه‌ترین و مهم‌ترین ضروریات تحقق خواست دهقانان زحمتکش و ریشه‌کن کردن اصول زمین‌داری بزرگ در کنار سرمایه‌داری وابسته است . مبارزه دهقانان در راه این هدف به برچیدن پایگاه درونی ضدانقلاب و امیرالیسم، به نیل به استقلال اقتصادی و ازدیاد تولید داخلی و به تأمین عدالت اجتماعی و دفع ستم بی حد و حصری که بر دهقانان رفته و می‌رود کمک می‌کند .

پیروزی این مبارزه آرزوی همه انقلابیون و کمک به آن وظیفه همه انقلابیون است .

دنیا - شماره ۴ - ۱۳۵۸





اجرای پیگیرتر و قاطع قانون اصلاحات ارضی
به بروز خصلت ضد امپریالیستی
خلقى و دمکراتیک انقلاب ایران کمک خواهد کرد

مصاحبه با رفیق هوشنگ ناظمی (نیک آیین) عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران

اجرای پیگیرتر و قاطع قانون اصلاحات ارضی
به بروز خصلت ضد امپریالیستی، خلقی و دمکراتیک انقلاب ایران
کمک خواهد کرد

سؤال - با تشکر از وقتی که به ما دادید، نخست می خواهیم
خوانندگان "امیدفردا" را با تاریخچه طرح شعار اصلاحات ارضی و
مبارزه برای انجام آن آشنا کنید.

رفیق نیک آیین - خوانندگان جوان "امیدفردا" البته
حاصله کافی دارند و می توانند یک تاریخچه طولانی و پرفراز
و نشیب و گاه هیجان انگیز را در مورد یک مسئله مهم و حیاتی

اجرای پیگیرتر و ...

جامعه ما بخوانند و بدانند ولی گمان می‌کنم در حوصله صفحات محدود مجله شما نباشد که چیزی جز رثوس یک تاریخ سه ربع قرنی را منعکس کند. شاید تنها بعنوان سرنخی برای جلب توجه خوانندگان "امیدفردا" و برانگیختن آنها به مطالعات بعدی کافی باشد که بگوئیم بطور عمده این افتخار در تاریخ برای سوسیال دمکراسی انقلابی میهن ما ثبت شده است که ضرورت برجیدن بساط فئودالی و خانخانی را در شرایط تکوین و انجام انتقال مشروطیت ایران مطرح کرد. در کشور ما نیز اندیشه‌های رها ئی بخش مارکسیسم که راه نبرد طبقاتی و تکامل اجتماعی را روشن میکرد، موجب شد که دفاع از منافع دهقانان زحمتکش، رعایای استثمار شده و محروم از همه مواهب پیشرفت و تمدن، به صورت خواست اصلاحات ارضی و حل مسئله مالکیت بر زمین‌ها و برجیدن بساط ارباب‌ورعیتی متبلور شود.

حزب کمونیست ایران - که دو ماه دیگر شصت سال از تاسیسش می‌گذرد و ادامه دهند راه اجتماعیون عامیون انقلابی و پیگیر بود به درستی و بطور علمی به مسئله ارضی توجه کرد و با تکیه به آموزش لنینی در این مسئله حساس، بویژه در کشورهای مشرق زمین، نقش دهقانان را در کشور ما ارزیابی نمود و در برنامه‌های خود مسئله اصلاحات ارضی و جای آن را در تحولات بنیادی جامعه مطرح ساخت و راه حل آن را به طور عمده به درستی نشان داد.

در کنگره‌های این حزب و در برنامه‌های مصوبه آن مسئله ارضی و راه حل آن جای نمایانی داشته است. "مصادره زمین‌های مالکان بزرگ و فئودالها و تقسیم بلاعوض آنها میان دهقانان" یکی از مواد اصلی نخستین برنامه حزب کمونیست ایران بود. می‌بینیم که اساس سیاست ارضی به درستی و با برداشتی طبقاتی در این شعار برنامه‌های مطرح شده است. در برنامه مصوبه سال

۱۳۰۶ حزب کمونیست ایران وظیفه "محو کامل بقایای فئودالیسم و الفئای اصول ملاکی ارضی و تقسیم بلاعوض زمین های اربابیی و وقفی باغالد بین زارعین" را در برنامه خود قرار داد. در نظر بگیرد که این شعار استراتژیک اصلاحات ارضی و فعالیت های پرشور عملی که برای انجام آن صورت گرفت بیش از پنجاه سال پیش یعنی در اوج قدرتمندی نظام ارباب رعیتی و سال های آغاز حکومت منفور پهلوی مطرح شد.

این چارچوب تاریخی بیش از پیش نقش و اثر مارکسیست-لنینیست ها را در طرح مسئله ارضی و نشان دادن راه حل آن برجسته می کند.

پس حزب طبقه کارگر ایران نخستین نیروی سیاسی کشور است که مسئله اصلاحات ارضی واقعی را به سود دهقانان زحمتکش و از دیدگاه نبرد طبقاتی در شرایط مشخص جامعه ایران مطرح ساخت و پی برد که امر تکامل جامعه و بنای ایرانی آباد و آزاد و مستقل تاجه اندازه با این مهم در پیوند است. هیچ طبقه دیگر و هیچ نیروی سیاسی دیگری این روشن بینی و آینده نگری را که در پرتوی تحلیل مشخص واقعیات جامعه ایران به دست آمده بود نداشته و نمی توانستند داشته باشند. حزب طبقه کارگر ایران در عمل نیز با پیگیری تمام - البته با کم و کاست ها و تندروی های ایاکم - کاریهائی - ولی بطور عمده در خطی درست و اصولی با توجه به مرحله مشخص رشد اجتماعی - اقتصادی کشور و نضج مبارزات طبقاتی در راه تحقق این شعار کوشید.

در زمان رضاخان - اولین شاه سلسله منحوس پهلوی - حزب کمونیست مبارزه وسیعی را برای اجرای سیاست ارضی و برنامه خود در این زمینه (که در مرحله اخیر بطور مشخص برنامه خدافل و حداکثر را از هم جدا می کرد و وظایف تاکتیکی را با نرمش و اصولیت و با توجه به شرایط روز تعیین می کرد تا به

اجرای پیگیرتر و ...

هدف‌های استراتژیک خدمت‌کننده (سازمان داد، اشتباهات و لغزش‌هایی که بویژه در آغاز کار روی داد نمونه‌وار نیست و وجه مشخصه سیاست و روش حزب کمونیست ایران را تعیین نمی‌کند. توجه به آنها و کاوش در برخی انحرافات راست‌گرایانه یا تندرویهای چپ‌روانه، از نظر تاریخی بویژه از آن جهت می‌تواند اهمیت داشته باشد که ما را از تکرار اشتباه و خطا باز دارد، و گرنه کمونیست‌ها در شرایط سخت پس از شکست نهضت جنگل، در سالهای سیاه رژیم رضاخانی با شهامت و درایت در جهت درست طرح و حل مسئله اصلاحات ارضی به سود منافع طبقاتی دهقانان زحمتکش رزمیدند.

سالهای بسیار، حزب توده ایران تتها مدافع اصلاحات ارضی بود

همینطور است در زمان محمدرضای مخلوع - آخرین شاه سلسله منفور پهلوی - که این بار نیز حزب توده ایران، وارث و ادامه دهنده سنت‌های درخشان حزب کمونیست ایران، پیس از شهریور ۱۳۲۰ نخستین سازمان سیاسی کشور ما بود که به نحو اصولی مسئله ضرورت اصلاحات ارضی را مطرح کرد. در ماده دوم برنامه مصوب کنفرانس ایالتی تهران - مهر سال ۱۳۲۱ - نوشته شده است: "تقسیم بلاعوض املاک خالصه و املاک اختصاصی رضا شاه بین دهقانان، باز خرید املاک اربابی و تقسیم بلاعوض آنها میان دهقانان". و در برنامه اتحادیه دهقانان وابسته به حزب توده ایران - مهر ۱۳۲۳ - نوشته شده است: "تقسیم بلاعوض املاک بزرگ در میان دهقانان بی زمین و کم زمین و الغای روابط موجود ارباب - رعیتی".

اسناد و واقعیات مربوط به سیاست حزب توده^۶ ایران و اتحادیه دهقانان و انجمن کمک به دهقانان ایران که سازمان عملی دهقانی حزب در زمان غیرقانونی بودن حزب بود، نشان می دهد که از سی سال پیش مسئله مرکزی اصلاحات ارضی بنیادی به درستی توسط حزب مطرح شده است. این گره مرکزی عبارت است از: الغای کامل بزرگ مالکی و زمیندار کردن کلیه دهقانان زحمتکش، امری که مسئله مالکیت بر زمین زراعی را به سود منافع طبقاتی دهقانان تهیدست حل می کند.

وجوه مشخصه برنامه و شعار و عمل حزب ما در تمام این دوران آن بود که اصلاحات ارضی واقعی نیاز عینی جامعه ما و خواست حیاتی دهقانان است، اصلاحات ارضی باید کلیه دهقانان را بدون استثناء دربرگیرد، کلیه اراضی اربابان و بزرگ مالکان را بدون استثناء شامل شود، زمیندار شدن دهقانان باید مجانی و بلاعوض باشد، اصلاحات ارضی واقعی با قطع پیوندهای نواستعماری و وابستگی همه جانبه کشور رابطه متقابل دارد، اصلاحات ارضی واقعی کار رژیم ضد خلقی، وابسته و استبدادی نمیتواند باشد. سالهای بسیار حزب توده ایران تنها مدافع اصلاحات ارضی واقعی بود و به این جهت در معرض یورش وحشیانه ای قرار داشت. درباره جنبه های مختلف سیاست و برنامه و عمل، شعارها و فعالیت های حزب مطالب بسیاری نوشته شده که منجمله می توان به دوستان جوان خواستار اطلاعات دقیق تر و جامع تر مطالعه کتاب "نظری به جنبش کارگری و کمونیستی ایران" نوشته رفیق فقید عبدالصمد کا مبخش را توصیه کرد. بعلاوه در ویژه نامه دنیا - مهر ۱۳۵۵ - بمناسبت ۳۵ مین سالگرد تاسیس حزب ما مقاله ای نوشته شده که عین آن در جزوه "۳۵ سال حزب توده ایران" صفحات ۶۹ تا ۷۸ تجدید چاپ شده و اطلاعات مبسوط تر به شما در این زمینه خواهد داد. مطالعه همه این اسناد و مدارک نشان صحت این ارزیابی

اجرای پیگیرتر و ۱۰۰

رفیق کا مبخش است (همان کتاب صفحه ۸-۷۷) که : "اثری که مبارزه حزب در ده گذاشت زدودنی نیست.....هرگز هیچ سازمان سیاسی دیگری چنین نقشه عمیق برای امحاء فئودالیسم و نجات دهقانان ایران مطرح نساخته بود."

فشار این نبرد پیگیر و اصولی در کنار سایر عوامل موجب شد رژیم شاه دست به مانور نواستعماری "اصلاحات ارضی ملوکانه" بزند. دعای النای نظام اربابی را ضمن اجرای سیاستی ضد دهقانی و مروج بزرگ مالکی سرمایه داری مطرح نماید. تاریخچه شعار اصلاحات ارضی با انقلاب بزرگ مردم ایران بطور جدی ورق می خورد. ماهیت ضد امپریالیستی، خلقی و دمکراتیک انقلاب ما با حدت و شدت، لزوم اجرای اصلاحات ارضی را مطرح می کند و دهقانان به پا خاسته و آگاه با مشارکت فعال خود آن را به ثمر می نشاندند. پس از ماهها تعلل و خرابکاری در زمان دولت موقت، بالاخره در آبان ماه ۵۸ طرح استاد درضا اصفهانی در دستور روز قرار می گیرد و در اسفند ۵۸ بالاخره قانون اصلاحات ارضی به تصویب شورای انقلاب می رسد که پیروزی بزرگ انقلاب ما و ثمره آن همه سالهای طولانی نبرد دهقانان زحمتکش ماست.

اصلاحات ارضی نواستعماری و اصلاحات ارضی دمکراتیک

سؤال - تفاوت اصلاحات ارضی نواستعماری و اصلاحات ارضی دمکراتیک چیست؟

رفیق نیک آئین - گمان می کنم پاسخ سؤال اول شما به درازا کشید و شاید اگر اینطور جلو رویم کار به جایی انجامد که طول مطلب در حوصله صفحات مجله که هیچ، در حوصله خوانندگان "امیدفردا" نیز نباشد! اما سؤال دوم شمارا می توان در یک

جمله پاسخ داد: اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ ملوکانه و عملکرد و نتایج آن را با قانون مصوبه اسفند ۵۸- اگر به درستی و کامل و همه جانبه اجرا شود- مقایسه کنید تا تفاوت اصلاحات ارضی نواستعماری را با اصلاحات ارضی دمکراتیک دریا ببید. ولی البته شما به این یک جمله - هر چند طولانی - قانع نخواهید شد، پس می توان چنین اضافه کرد: امپریالیسم و بویژه امپریالیستهای آمریکائی برای حفظ مافع غارتگرانه خود و مقابله با جنبش های آزادیبخش ملی و تشبیت رژیم های دست نشاندۀ خویش، طی سی سال اخیر روشهایی را به کار گرفته اند که از آن جمله است: انجام "اصلاحات از بالا برای جلوگیری از انقلاب از پائین"، گسترده کردن بازار داخلی کشورهای زیر سلطه برای فروش کالاهای خود اعم از وارداتی و مونتاژی، تا زانندن جریان رشد مناسبات سرمایه داری در وابستگی به انحصارات امپریالیستی و برداشتن سدهای شیوه تولیدی که جلوی این نقشه را بگیرد و در این چارچوب توصیه انجام "اصلاحات ارضی" و ایجاد پایگاه طبقاتی جدید برای خویش به جای اربابان فئودال و نیمه فئودال در وجود زمینداران بزرگ یا بزرگ مالکان سرمایه دار. نمونه های فراوانی را از سه قاره آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین می توان در این مورد ذکر کرد که برای همه ما ملموس ترین و حاد ترین آنها اصلاحات ارضی شاه مخلوع است. این "اصلاحات ارضی" که البته عامل فشار شرایط عینی رشد جامعه و سابقه نبردهای طولانی دهقانان و در نتیجه تشبیت برای جستجوی راه فرار و نجات را نباید در آن فراموش کرد به توصیه مستقیم کارشناسان امپریالیسم آمریکا (در زمان ریاست جمهوری جان کندی) و با هدف مشخص حفظ سیادت امپریالیسم، گسترش غارتگری او و تشبیت رژیم شاه تدوین و اجرا شد. این اصلاحات ارضی اقتصاد کشاورزی ما را به نابودی کشاند، مسئله مالکیت زمین راحل نکرد، نیمی از زمین ها را در دست بزرگ مالکان که اکثریتشان به شیوه سرمایه داری استثمار یا شیوه های

مخلط روی آوردند باقی گذاشت. بیش از نیمی از دهقانان ایران را از دریافت زمین محروم کرد. موجب مهاجرت روستائی بی سابقه و ضمنا ایجاد ارتشی از بیکاران و نیمه بیکاران مورد احتیاج "صنایع" مونتاز شد. ضمن اجرای آن کمک های عظیم مالی و اداری و فنی به مالکان و زمینداران سرمایه دار داده شد و متقابلاً ضربات شدید پلیسی و اداری و اقتصادی بر دهقانان زحمتکش وارد آمد. خلعت طبقاتی آن صریحا ضدهقانی و آشکارا به سود بزرگ مالکان سرمایه دار بود که راه رسوخ سرمایه های امپریالیستی را به کشاورزی و دامپروری ما بازمی کردند. رژیم منفور استبداد سلطنتی دست نشانده از آن برای تحکیم خویش سودمی برد. این است نمونه یک اصلاحات ارضی نواستعماری.

ولی اصلاحات ارضی دمکراتیک یعنی آنگونه اصلاحات ارضی که به سود خلق زحمتکش باشد، به امر ترقی جامعه یاری رساند، زمین را به دهقانان بی زمین و کم زمین بدهد، اشکال مناسب مالکیت را که با نیاز پیشرفت جامعه بخواند (که در زمان ما مالکیت سرمایه داری نیست و شکل تعاونی است) ایجاد کند، پاسخگوی منافع طبقاتی زحمتکشان روستاها باشد، ریشه بزرگ مالکی را اعم از اربابی و سرمایه داری برکند، زمینه را برای رشد سالم اقتصادی کشاورزی فراهم کند، با مجموعه سیاست مدون و طبق برنامه اقتصادی کشور، در جهت تامین و تحکیم استقلال همه جانبه کشور و بهروزی عموم زحمتکشان تطبیق نماید.

انواع اینگونه اصلاحات ارضی که البته با درجات گوناگون با قاطعیت و خلعت دمکراتیک بودند در کشورهای مختلف صورت پذیرفتند. چنین اصلاحاتی تنها توسط دول مستقل ضدا امپریالیستی و متکی به خلق برمی آید و هر قدر این خلعت دردولتی بیشتر بود اصلاحات ارضی آن هم دمکراتیک تر و ریشه ای تر انجام گرفته و می گیرد.

ما خواستار این نوع اصلاحات ارضی و مخالف اصلاحات ارضی نوع

اول بوده و هستیم. بیش از ۱۶ سال مبارزه ما علیه ماهیت و شیوه عمل اصلاحات ارضی ملوکانه از همین موضع، یعنی از موضع دمکراتیک، از موضع طبقاتی دهقانان زحمتکش، از موضع ضد-امپریالیستی و استقلال طلبانه و از موضع پیشرفت واقعی جامعه ما انجام شده است. خوشبختانه اکنون کلیه شماره‌های مجله دنیا - ارگان تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - تجدید چاپ میشود که در آنها خوانندگان جوان، طالب آگاهی بیشتر، می‌توانند اسناد حزبی، مقالات تحلیلی پر شمار ما را در این زمینه بخوانند.

طرح اصلاحات ارضی استاد رضا اصفهانی

سؤال - نظر شما درباره طرح اصلاحات ارضی استاد رضا اصفهانی چیست؟ آیا بین طرح ایشان و طرح حزب توده، این تفاوت‌هایی هست یا خیر؟

رفیق نیک آئین - طرح اصلاحات ارضی استاد رضا اصفهانی که اکنون دیگر خوشبختانه یک قانون تصویب شده و مسجل است، بطور عمده با خصوصیات که برای یک اصلاحات ارضی دمکراتیک قائلیم تطابق می‌کند. ما کاملاً با آن موافقیم. ما به آن تهنیت گفته‌ایم. ما آن را یک موفقیت بزرگ انقلاب ایران در یک زمینه حیاتی و حساس محسوب می‌کنیم. ما با تمام نیرو برای اجرای قاطع و همه جانبه آن می‌کوشیم.

قانون مصوبه بطوری که اعلام شده عین طرح اولیه استاد رضا اصفهانی معاون وزارت کشاورزی نیست ولی از قرار معلوم سرفصل‌های عمده رئوس مطالب و روح آن را در بردارد. آقای رضا اصفهانی که پیگیرانه با بزرگ مالکی غارتگر مخالف است و زمین

اجرای پیگیرتر و ...

رامک خداوند و در اختیار داشتن آن را مستلزم کار روی آن و بار روز نمودن آن می داند و طرح خود را بر شالوده زمیندار کردن دهقانان تهیدست استوار نموده، تنها نه ماه پس از پیروزی انقلاب توانست این طرح را در سطح تصمیم گیری مطرح کند و تنها یکسال بعد از انقلاب آن را به همت پشتیبانی بی دریغ خود دهقانان و محافل مترقی به تصویب برساند و در سطح اجرائی مطرح نماید. در آن سه ماه اول - که وقت بسیار گرانبهای انقلاب در این زمینه فوت شد - خط غالب، خط ایزدی و وزیر کشاورزی دولت موقت بازرگان بود. خط او خط دفاع از بزرگ مالکان و مغایر با منافع انقلاب و دهقانان زحمتکش بود. خط او یک پایگاه بزرگ ضد انقلاب را حفظ کرد و موجب نارضائی و سرخوردگی میلیونها دهقان که پایگاه اجتماعی انقلاب بوده و هستند، می شد.

پس از اشغال جاسوسخانه و آغاز مرحله دوم انقلاب ما، دولت موقت ساقط شد و خط ایزدی شکست خورد. از آن وقتی که شعار "بعد از شاه نوبت آمریکاست" بالاخره پس از نه ماه در آسمان میهن ما طنین افکن شد، دیگر بدیهی بود که شعار "دست بزرگ مالکان از اراضی کوتاه"، "زرع مال زارع است" نیز با قدرت فضای کشور را دربرگیرد.

در نقطه مقابل خط ایزدی، خط رضا اصفهانی قدم کرد که در اساس عبارت است از پایان دادن به ستم و استثمار مالکان، زمیندار کردن دهقانان، ضربه زدن به یک پایگاه مهم ضد انقلاب (امپریالیسم و بقایای رژیم سابق)، تحکیم مبانی اجتماعی انقلاب، بازکننده راه ترقی اجتماع. ولی این خط نیز تازه پس از چهار ماه نبرد بی امان و تحمل چندبار تغییر طرح اولیه توانست بر توطئه های بزرگ مالکان پیروز شود و به صورت قانون در هشتم اسفند ماه به تصویب شورای انقلاب برسد. توطئه های بزرگ مالکان از خرابکاری و آتش افروزی و تشنج آفرینی و ایجاد کانون های ضد انقلابی گرفته تا مراجعه به مقامات مسئول و صاحب نفوذ و

اجرای پیگیرتر و ...

اعمال فشار و به کار انداختن اهرمهای زر و زور، هر سه را در برمی گرفت. هواداران بزرگ مالکان گاه در لباس ششورا، کشاورزی تهران و به نام "دفاع از تولیدکننده"، گاه در لباس روحانیون صاحب نام و "مدافع شرع و دین"، گاه در لباس تکنو-کراشهای "مطلع و دلسوز"، گاه در لباس لیبرالهای "مخالف با زورگوئی و مصادره" در نهایت دغلكاری و خشونت عمل کردند تا جلوی تصویب طرح را بگیرند. از آبان ماه تا اسفند همه ما شاهد یک هم‌آوردی بزرگ اجتماعی - سیاسی بودیم که محافل مترقی و انقلابی و بویژه خود دهقانان با تظاهرات و اجتماعات بی‌شمار، با راه‌پیمائی‌ها و امضای نامه‌ها و قطعنامه‌های متعدد و طومارهای بلند، با مراجعه به دفتر امام و وزارت کشاورزی و اعلام پشتیبانی از طرح استاد درضا صفهانی، در آن شرکت جستند تا بالاخره بر نیروی مقاومت بزرگ مالکان فائق آمده طرح را به کرسی نشانند.

ما خود در این نبرد طبیعتاً در سنگر دهقانان و انقلاب قرار داشتیم و تمام نیروی خود را برای عقیم گذاشتن توطئه بزرگ مالکان و ضد انقلاب به کار گرفتیم. در پایان آن مرحله از نبرد ما تصویب قانون را پیروزی مهم و تاریخی انقلاب و دهقانان زحمتکش ارزیابی کردیم و کمائی می‌کنیم که در این ارزیابی اشتباه نکرده‌ایم. چرا؟ زیرا تصویب قانون و اجرای آن روند انقلابی را زرفتر می‌کند و به یک نیاز عینی انقلاب پاسخ می‌گوید. زیرا علی‌ه امیرالایسم متوجه است و به یکی از پایگاه‌های عمده اجتماعی - طبقاتی آن ضربه می‌زند، زیرا خواست حقه و مسلم میلیون‌ها ایرانی زحمتکش را برآورده می‌سازد، زیرا نوسازی اقتصاد کشور را شالوده ریزی می‌کند.

عمال ضد انقلاب، بزرگ مالکان، لیبرالها، روحانی‌نمایان سازشکاران یکسال این تصمیم را به تاخیر انداختند و جalahم که

اجرای پیگیرتر و ...

نصوب شده البته میدان را ترک گفته اند و باز به اشکال مختلف میخواهند موجب تعویق و تردید و تعلل شوند و جلوی اجرای کامل و همه جانبه آن را بگیرند. هنوز هم مبارزه ای جدی و پیگیر و هشیارانه لازم است تا قانون اجرا و مرحله ای دوران سازیشست سرکذاشته شود. مهم و حیاتی اکنون اجرای دقیق و کامل، همه جانبه و قاطع قانون اصلاحات ارضی است. این مسئله عمده است. تفاوت هایی که بین طرح نصوب شده و طرح قبلی حزب ما موجود است.

اجرای پیگیرتر و قاطع قانون اصلاحات ارضی به بروز خصلت ضد امپریالیستی، خلقی و دمکراتیک انقلاب کمک خواهد کرد

در اینجای رسیم به قسمت دوم سؤال شما می خواهیم - بر عکس - توجه شما را به تفاوت ها بلکه به نقاط اشتراک اساسی و مهم طرح مصوبه و طرح قبلی خودمان که اصول آن در برنامه حزب توده ایران (تیر ۱۳۵۴) و قطعنامه پلنوم شانزدهم (اسفند ۱۳۵۷) درج شده جلب کنیم.

ما خواهان براندازی کامل و ریشه ای بساط بزرگ مالکی و مصادره کلیه املاک اربابان - بدون استثناء - بوده ایم. قانون کنونی نیز با پیش بینی مصادره کلیه بزرگ مالکی ها (ملاک = سه برابر عرف خرده مالکی در هر محل) همین کار را می کند و صحبت از پرداخت غرامت و باز خرید هم نیست.

ما خواهان واگذاری بلاعوض زمین به کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین - بدون استثناء - بوده ایم. قانون کنونی نیز اولویت

اجرای پیگیرتر و ...

را به همین قشرها می دهد، هیچ قید و شرط و محدودیتی هم (مثل مدت سکونت ، نسق وغیره) نمی گذارد و وجهی هم نه به نقد نه به اقساط طلب نمی کند، یعنی واگذاری مجانی است .

ما خواهان اتخاذ یک سلسله تدابیر خلقی هم زمان با اصلاحات ارضی بودیم تا آن را به ثمر بنشانند. مانند دادن وام و کمک های فنی و اداری و تامین آب و بذر و کود و مواد ضد آفات و تشکیل تعاونی های تولید و مصرف و غیره. قانون کنونی به برخی از این مسائل مهم توجه دارد و بویژه در این نکته گرهی اخیرا آنجا که مالکیت مشاع شناخته میشود، کار در املاک و واگذاری به صورت تعاونی خواهد بود، انتقال و خرید و فروش زمین ممنوع است، اگر زمین کشت نشد واگذاری تمدید نمی شود و "مصلحت جامعه" در متن قانون چند بار تاکید شده است .

ما برای نکات اساسی و گرهی اشتراک تکیه می کنیم و به همین جهت هم خواستار اجرای دقیق آن هستیم. ما درباره تعاونی ها و اشکال تولیدی و توزیعی و مصرفی و ساختمانی آنها، نحوه تشکیل و مساعدت به آنها، درباره بخش دولتی در کشاورزی و لزوم تبدیل بسیاری از واحدهای کشت و صنعت و مکانیزه - که به طور مشخص بسود اقتصاد ملی و برنامه ریزی و تامین مطمئن مواد مصرفی باشد - واحدهای دولتی، درباره چگونگی حاکم کردن تدریجی بخش دولتی در اقتصاد کشاورزی و درباره اهمیت احیای کشاورزی و شکوفائی آن با جریان اصلاحات ارضی، درباره تامین آب و ممانده منابع آب و پیاده کردن برنامه دقیق آبیاری، درباره نقش فعال ترقاطع شوراهای ده و اتحادیه های دهقانی و نهادهای انقلابی در اجرای اصلاحات ارضی، درباره حضور و مشارکت توده دهقانان به نحوی که خود این جریان موجب بیداری و شکل و تحرک کامل دهقانان مبارز باشد و همچنین درباره پیوند مسائل رفاهی، آموزشی و بهداشتی و زیرساختی با اصلاحات ارضی، درباره لزوم توجه به مسئله عشایر

اجرای پیگیرتر و ...

و مداران کوچک، ورشته‌های جنبی نظیر مایه‌گیری، زنبورداری، جنگلداری، منابع طبیعی و صنایع روستائی در جریان اجرای قانون، درباره لزوم پاکسازی واقعی کلیه ادارات و نهادهائی که ما مورا اجرای قانون خواهند بود و لزوم سرکوب عناصر ضدانقلاب یک رشته نظریات داریم که شما می‌توانید آنها را بمثابه تفاوت بین دو طرح بدانید. ولی مهم در این مرحله آیا اینهاست و یا پیشنهادهای تکمیلی دیگری که می‌تواند ارائه شود یا عمده همان نکات گرهی مربوط به خصلت طبقاتی و تحول دوران سازی است که قبلا یاد شد؟

چون در مسائل عمده اشتراک و توافق هست ما روی آنها تکیه می‌کنیم و معتقدیم که هر قدر حکومت ایران در سیاست ضد امپریالیستی و خلقی و دمکراتیک قاطع تر باشد یعنی هر قدر بیشتر به مضمون اصلی انقلاب ما وفادار باشد قانون پیگیرتر و اصیل تر و ریشه‌ای تر اجرا خواهد شد و بنوبه خود اجرای پیگیرتر و قاطع قانون به بروز خصلت ضد امپریالیستی، خلقی و دمکراتیک انقلاب کمک خواهد کرد. ما با در نظر گرفتن اصول عمده طرح خود که نظیر آن را در طرح مصوبه هم می‌بینیم آن را پیروزی مهمی شمرده در جهت اجرای قاطع و همه جانبه آن نیروی خود را بسیج خواهیم کرد و از هر باره به مجریان صدیق و ما موران صالح و مردمی دستگاههای اداری و نهادهای انقلابی دست اندرکار اجرای قانون یاری خواهیم رسانید.

پیرامون کمیته‌های دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین

سؤال - درباره نظر حزب توده ایران مبنی بر تشکیل کمیته دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین توضیح دهید. امکان تشکیل آنها را

چگونه می بینید؟ آیا زمینه تشکیل این کمیته ها در جریان تصرف زمین های فئودال ها و بزرگ مالکان پدید نیامده است؟ رفیق نیک آئین - کمیته های دهقانان بی زمین و کم زمین به نظر ما می تواند بهترین و موثرترین وسیله برای کمک به اجرای قانون اصلاحات ارضی باشد. مسئله از این قرار است که نیروهای ارتجاعی معینی - که قبلا هم نام بردم - با اصلاحات ارضی مخالفند و می خواهند جلوی اجرای قانون را بگیرند یا آن را تحریف کنند و یا آن را از جوهر مترقی و دمکراتیک خود تهی کنند. این نیروها پول و نفوذ فراوان دارند. تجربه و ارتباطات بسیار دارند و با هزاران وسیله عمل می کنند. خطر جدی از جانب آنها همچنان متوجه این پیروزی بزرگ انقلاب وجود دارد و تا قانون تمام و کمال و همه جانبه و قاطعانه اجرا نشود این خطر باقی خواهد ماند. پس باید جلوی این خطر را گرفت. باید عمل کرد. باید به آن مسئولان صادق و دلسوز و نهادهائی که می خواهند قانون مصوبه اصلاحات ارضی را اجرا کنند کمک کرد. به عبارت دیگر باید نیروی اجتماعی مترقی لازم را برای مقابله و عقب راندن نیروی اجتماعی ارتجاعی متشکل کرد. چه نیروئی مهمتر و کارا تر از خود دهقانان تهیدست بی زمین و کم زمین که قرار است از این قانون برخوردار شوند و در اجرای کامل آن مستقیماً ذینفع هستند؟ اگر آنها متشکل شوند خواهند توانست حق مسلم خود را که اینک دیگر حق قانونی آنهاست به کرسی بنشانند. در شرایط پیکار اجتماعی ژرف و همه جانبه ای که در کشور ما جریان دارد اجرای قانون یک پشتیبان اجتماعی طبقاتی لازم دارد. آن چنان پشتیبانی که بتواند به همت اتحاد و تشکل خود موثر باشد، بتواند همبستگی سایر نیروهای مترقی را جلب کند، بتواند به نهادهای انقلابی موجود و عناصر مردمی و خلقی جهاد سازندگی و پاسداران و غیره تکیه کند، بتواند با سازمان -

اجرای پیگیرتر و ...

های مختلف مترقی و انقلابی و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی مردمی تماس بگیرد و از حمایت آنها برخوردار شود. دهقانان بی زمین و کم زمین که در کمیته‌های خود متشکل شده باشند، همین پشتیبان اجتماعی - طبقاتی لازم هستند، آن نیروی قاطع و بی‌تزلزلی هستند که بی تردید بر نیروی توطئه‌ها و دسیسه‌های بزرگ مالکان و همپالکی‌های آنان فائق خواهند آمد. تشکل این نیروی عظیم با چهره آشکار طبقاتی خود بمثابة وسیعترین قشراستثمار شونده و نزدیک‌ترین متحد طبقه کارگر - در این کمیته‌ها خواهد توانست آن رابه صورت نیروی بالفعلی درآورد. شما حتماً می‌دانید که در قانون پیش‌بینی شده است که یک هیئت ۷ نفره برای انجام اصلاحات ارضی در هر منطقه و ده و بخش بوجود آید. دوتن از این ۷ نفر نماینده شورای ده خواهند بود، یعنی نماینده مستقیم خود دهقانان. خوب، از اینجا معلوم میشود چقدر اهمیت دارد در ترکیب شورای ده نمایندگان دهقانان بی زمین و کم زمین حضور داشته باشد و درست همین نمایندگان ما مور شرکت در هیئت هفت نفره اجرای قانون اصلاحات ارضی بشوند. گمان نمی‌کنم اهمیت این موضوع که شورای ده واقعا نماینده زحمتکشان ده باشد و دوفرد نماینده آن در هیئت مزبور واقعا بیانگر منافع دهقانان بی زمین و کم زمین باشند احتیاجی به توضیح داشته باشد. برای اینکه این مهم انجام پذیرد و این اصل عملی شود چه وسیله - ای موثرتر از کمیته‌های دهقانان بی زمین و کم زمین، این کمیته‌ها در سطح خود عامل حیات بخشی خواهند بود تا شوراها هر چه بهتر و نزدیک‌تر به روح انقلاب ما تشکیل شود و برای اجرای قانون ۸ اسفند تشریک مساعی لازم بعمل آید. این کمیته‌ها مناسب‌ترین و موفق‌ترین اشکال مشخص نبرد با توطئه‌ها و شگردهای بزرگ مالکان را در سطح ده و منطقه می‌توانند پیدا کنند و عملاً اجرای قانون را تضمین نمایند.

روستای ایران یک مرحله تحولی بسیار بنیادی و اساسی را می گذراند و مادردهات با یک نبرد بسیار اصولی و ریشه‌ای طبقاتی روبرو هستیم. ابتدا "واصلا" صحبت از انفجار خشم و حرکت کورکورانه و بروز بدون نظارت احساسات درهم کوفته و جنبش پر "هرج و مرج" توده بی شکل و ناآگاه "نیست. این نبرد طبقاتی که مرزهای مشخص و اهداف معین دارد و با شرکت وسیع و بسیار متنوع توده‌های دهقانان زحمتکش صورت می گیرد و در آن میلیون ها دهقان در سطوح گوناگون و به اشکال مختلف شرکت می‌جویند به شرطی به پیروزی قطعی و کامل خواهد رسید که به سلاح تشکل طبقاتی و آگاهی دقیقی منافع طبقاتی و همچنین تشخیص دشمن عمده و وظیفه عمده در هر مرحله مجهز شود.

کمیتها نقش معین خود را در این زمینه ایفاء خواهند کرد. بزرگ مالکان و عمال و ایادی آنها متحدان عمل می کنند، چرا دهقانان بی زمین و کم زمین علیه دسایس ضد انقلابی و غیر قانونی آنها با تکیه به انقلاب و به قانون، متحدان عمل نکنند؟ کمیتها نقش معین خود را در جلوگیری از هرنوع هرج و مرج و بی نظمی ویرانگر و یا "انفجار خشم" کورایفاء خواهند کرد. مبارزه را با سمت روشن به سوی هدف معین خواهند برد. مثلاً زیرخورد با خرده مالکان و یا دهقانان خرده پاره خود اینها هم مورد ظلم بزرگ مالکان هستند جلوگیری خواهند کرد و نیروی متحد و متشکل دهقانان بی زمین و کم زمین را متوجه دشمن اصلی یعنی مالکان بزرگ خواهد کرد و از همکاری و همبستگی آن قشرهای دیگر زحمتکش روستائی نیز برخوردار خواهد شد. و یا مثلاً از برخورد با عشا و مداران زحمتکش که معمولاً به هنگام کوچ با دهقانان درگیر می شوند جلوگیری خواهد گرفت و نخواهد گذاشت نیروهای این دو قشر زحمتکش و استثمار شده، در تماس با یکدیگر از میان رود. فزون بر همه کمیتها دهقانان بی زمین و کم زمین می تواند پس از انجام تنها وظیفه خود - الغای بزرگ مالکی و اجرای کامل و همه

اجرای پیگیرتر و ...

جانبه قانون اصلاحات ارضی - به هسته مطمئن و آبدیده‌ای برای اتحادیه‌های دهقانی و سایر اشکال همکاری و یگانگی زحمتکشان روستائی بدل شود.

قسمت دیگر سؤال شما این است که آیا امکان تشکیل ایمن کمیته‌ها هست؟ آری هست. تکامل جامعه انقلابی ما را ببینید. میلیونها دهقان بی زمین و کم زمین تشنه اصلاحات ارضی واقعی و خواستار اجرای قانون هستند. آنها قبل از تصویب قانون اخیر در ماههای قبل از پیروزی انقلاب این خواست خود را عملاً نشان داده‌اند. آنها به حق خودنیز آگاه هستند و کاملاً در جریان تحول اوضاع و نبرد نیروها نیز هستند. کافی است به عکس العمل دهقانان درصدا ده بلافاصله در روزهای بعد از اعلام تصویب قانون توجه کنید و ببینید چگونه آنها یک صدا خواستار اجرای قانون مصوبه شدند چندان قبل از آن چگونه در برابر توطئه‌های مالکان عکس العمل نشان داده به حمایت از طرح استاد رضا اصفهانی قد علم کردند. دهقانان ما در اکثریت بزرگتر خود آگاه و فعال شده‌اند. در تعیین سرنوشت خود مشارکت می‌کنند و اکثراً به نیروی معجزه آفرین اتحاد عمل خلاقه خود پی برده‌اند. این نیز در جای خود از دستاوردها و ثمرات مهم انقلاب بزرگ ما است. دهقانان بی زمین و کم زمین طی دو سال اخیر بارها و بارها به خاطر این خواست حیاتی خود متحدان عمل کرده و ثمرات این اتحاد و تشکل را در بسیاری نقاط یا خود چشیده یا درده همسایه خود دیده‌اند یا از دهات مجاور شنیده‌اند. آنها در جوسیاسی ایران انقلابی زیست می‌کنند و از آن متأثر هستند. همه اینها زمینه و امکان را برای تشکیل کمیته‌ها آماده می‌کند. از اینها گذشته در عمل آنها تا کنون هم اگر نه به این نام و با این شکل سازمان یافته دست در دست هم برای رسیدن به این مقصود مشخص فعالیت کرده‌اند. صحبت بر سر این است که این عمل متحدان، شکل پذیرد و به مرحله عالی تری گام گذارد. هدف معین و واحد

کمیته‌ها که اجرای قانون است و اینکه شرکت در آنها هیچ شرط سیاسی و عقیدتی و مذهبی و سن و جنس و غیره ندارد زمینه را برای تشکیل آنها فراهم ترمی کند. وابسته به فعالیت و کوشش عناصر آگاه دهقانی و همه نیروهای انقلابی و مترقی است که این امکان را به یک واقعیت مبدل سازند. توجهی که خود شما در پرسش‌ها یثان به این مسئله می‌کنید نشانگر آن است که اهمیت خطیر مسئله به قدری است که در یک گفتگو پیرامون امور دهقانی بهیچ وجه نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

و اما سؤال شما در این باره یک قسمت سوم هم دارد. تا حالا صحبت از حوصله خوانندگان و از حوصله صفحات مجله بود اما حالا که پاسخ به این سؤال به درازا کشیده گمان می‌کنم باید امیدوار باشم که حوصله خود شما خبرنگار پیر حوصله "امیدفردا" هم هنوز به پایان نرسیده باشد! باری.

زمینه‌های تشکیل کمیته‌های دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین

و اما درباره قسمت سوم این پرسش، البته حق باشماست که بگوئید زمینه تشکیل چنین کمیته‌هایی وجود دارد. یعنی نه فقط امکان بلکه زمینه عملی و نوعی تجربه تدارک‌کننده یا آمادگی ذهنی و سازمانی نیز برای تشکیل آنها فراهم است. منتهی گمان می‌کنم حق باشما نباشد، اگر این زمینه را فقط به اقدام مشترک دهقانان در تصرف زمین‌ها که در برخی مناطق کثورتی یک سال اخیر روی داده و می‌دهد خلاصه و منحصر کنید. این درست است ولی تنها این نیست. باید توجه داشت که اقدام مستقل دهقانان به کشت زمین به دنبال فراخوان امام بمنظور تولید بیشتر گندم و بدست گرفتن زمینهای اربابی اعم از بایر یا زیرکشت اگر چه

یک شکل عالی و برتر نبرد طبقاتی و درجهت تحکیم و پیشبرد انقلاب و همچنین پیش درآمدی بر قانون موجود بود، اما تنها شکل نبود. درباره تصرف زمین و دامنه و اهمیت و معنا و تاثيرات عمیق این شکل مبارزه دهقانان در شماره چهارم مجله دنیا (آذرماه ۱۳۵۸) مقاله ای هست که خواندنش برای علاقمندان بی فایده نخواهد بود. درست نخواهد بود اگر شکل های متنوع نبرد را به تنها یک شکل - هر قدر هم ریشه ای و عالی - منحصر و خلاصه بکنیم. در این مورد هم خود دهقانان مسئله زمین را تنها از طریق تصرف طرح نکردند. آنها برای خواست حقه خودشان - زمین و الغای بزرگ مالکی - به انواع وسایل و اشکال مبارزه متوسل شدند. و این خواست را به چشم و گوش مسئولان امور رساندند تا آنجا که بر متن قانون آن را تنبیه و تسجیل کردند. همه این وسایل و اشکال مبارزه متکی بود بر تصمیم مشترک آنها بر پایه تبادل نظر و شور، متکی بود بر اقدام مشترک به دنبال بحث ها و استفاده از تجربیات. همه اینهاست که زمینه را برای تشکیل کمیته ها آماده می کند. برشالوده همه این تصمیم های مشترک قبلی و اقدام های مشترک قبلی و همکاری ها و همبستگی هایی که در جریان مبارزه برای زمین شکل گرفت و تداوم یافته زمینه لازم پدید آمده است. جهت عملی این برداشت در آن است که ما باید نه فقط عالی ترین شکل بلکه همه اشکال زمین آفرین را ببینیم و بیابیم و فعالیت خود را نه فقط در مناطق و اراضی تحت تصرف در آمده بلکه در همه مناطقی که دهقانان به حرکت آمده و خواست زمین در آنجا مطرح است، گسترش دهیم. حتی ساده ترین شکل اقدام گذشته زمینه ساز فعالیت آیننده است. آن دهقانانی که سرکوجه ده، کنار آسیاب، بالای جوی یا دم قهوه خانه ده جمع شدند و با سوادی را یافتند که نامه آنها را در تشریح وضع خودشان و ظلم مالک بزرگ و لزوم گرفتن زمین ها یا در حمایت از طرح استاد رضا اصفهانی بنویسد و یکی یکی آمدند،

چند نفری امضای خود و دهها نفر هم انگشت خود را زیر آن نهادند تا برای مقامات مربوطه و جراید بفرستند زمینه را ساخته و پدید آورده‌اند. اکنون که قانون تصویب شده ولی هنوز با اشکال تراشی و با مخالفت مالک بزرگ روبرو شده، همان دهقانان می‌توانند سرهمان کوچه، کنارهمان آسیاب، بالای همان جوی و دم همسان قهوه‌خانه جمع شوند و چند نفر را از بین خودشان انتخاب کنند تا کار اجرای قانون را با همکاری مسئولان، با جلب حمایت شخصیت‌ها و نهادهای دست‌خود بگیرند و در واقع سازمان دهنده اقدامات و دوندگی‌ها و پی‌گیری‌ها و حق‌طلبی‌هایی باشند که بالاخره با اصلاح امروزی موجب پیاده شدن قانون یعنی واگذاری عملی اراضی به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین بشود. بی‌تردید زمینه تشکیل کمیته‌ها در همه جا به یک سطح آماده نیست بلکه، وابسته به شکل مبارزات قبلی و درجه برخورد های طبقاتی و آگاهی و قاطعیت دهقانان تهیدستان است که زمینه در نقاط مختلف بیشتر یا کمتر آماده باشد. ولی در هر جایی که به شکلی مبارزه برای زمین بروز کرده باشد، قطعاً هستند و زمینه تشکیل کمیته‌ها پدید شده است. یک جا کار بیشتر، فعالیت و روشنگری بیشتری لازم دارد و یک جا کمتر.

در هر حال در نقاطی که مسئله زمین و وجود بزرگ مالکی مطرح است یعنی دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین وجود دارند که باید به حق خود برسند یعنی قانون شامل آنها شود. در کلیه این نقاط تشکیل کمیته‌ها کار را تسهیل و تسریع خواهد کرد و سبب خواهد شد کمتر اعمال نفوذ یا تعلل شده و بیشتر مسئله به سود انقلاب، به سود دهقانان تهیدستان حل گردد.

جوانان روستایی و انقلاب ایران

سئوال - به نظر شما جوانان روستائی از چه طریقی می توانند نیروی خود را در جهت هدفهای انقلاب قرار دهند؟

رفیق نیک آئین - چون به سئوال مربوط به جوانان رسیده‌اید قاعدتاً باید آخرین پرسش شما باشد، یعنی خوانندگان با حوصله شما دیگر به پایان مصاحبه نزدیک می شوند. پرسش شما، اما پرسش مهمی است. زیرا که نیروی فعال و متحرک روستاها همین جوانان هستند. درست است که پیران صاحب تجربه به حق دارای نفوذ کلام هستند و از احترام به جایی برخوردار هستند و باید برخوردار باشند، ولی نکان اجتماعی به دهه ایران را همین جوانان می دهند و آنها هستند که راه به سوی آینده می‌کشایند. پرسش شما کمی کلی است. زیرا هدف‌های انقلاب ما، هدف‌های ضد امپریالیستی، خلقی و دمکراتیک آن، بسیار گسترده و چندسوره هستند و نیروی جوانان روستاها در کنار سایر جوانان کشور باید در همه این جهات و نه فقط در مسائل اجتماعی مربوط به دهه و کشاورزی به کار افتد. همراه با همه جوانان و همه خلق ما وظیفه مقدس آنهاست که در نبرد علیه ضدانقلاب، یعنی امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و بقایا و ریشه‌های فاسد رژیم سابق، در نبرد برای استقلال و آزادی برای سعادت و زندگی بهتر شرکت جویند. اما در جهت مسائل خاص روستائی و اقتصاد کشاورزی و بویژه در حال حاضر مسئله کلیدی زمین، جوانان روستائی نقش مهم و ویژه‌ای دارند. درست است که در نتیجه سیاست مخرب رژیم گذشته و مهاجرت‌های روستائی پر دامنه بسیاری از دهات از نیروی جوان خود خالی شده، ولی این پدیده در نظم اجتماعی نو و به دنبال

تدابیر درست و موثر می تواند دگرگون شود. هم اکنون در بسیاری از جنبش های دهقانی اقدامات متنوع و پرابتکاری که برای حل مسائل مختلف ارضی و رفاهی و شورائی و غیره صورت می گیرد، عملاً جوانان نقش مهمی دارند. در محیط انقلابی کشور ما امکان رشد سریع و پختگی این نسل برومند فراهم است. در تب و تاب درگیری های عظیم علیه دشمن عمده ما امپریالیسم که هر روز شاهد نبرد در صحنه تازه و درسنگر جدیدی از آن هستیم و در گرما گرم مبارزات طبقاتی علیه پایگاه های امپریالیسم و منجمله بزرگ مالکان و سرمایه داران وابسته نسل جوان روستائی به سرعت آگاه و آبدیده میشود، رشد می کند، لیاقت خود را به ثبوت می رساند، اعتماد دهقانان را به خود جلب می کند و احترام سالخوردگان را نیز. یک نمونه برای تان می گویم، دهی است نزدیک مرودشت فارس به نام درنیان و قشلاق و دهقان جوانی است به نام حسن درنیانی. این روستائی جوان در انتخابات اخیر از جانب حزب توده ایران کاندیدای نمایندگی در مجلس شورای ملی شده بود. او دهات ناحیه را زیر پا گذاشت، دهها میتینگ تشکیل داد، برای صدها نفر سیاست و وضع کشور را تشریح کرد و به سئوالات دهقانان پاسخ داد. دهقانان من تر حظ می کردند وقتی که می دیدند جوانی از میان خودشان، همان حسن محبوب خودشان با این همه علاقه و دلسوزی و با این همه نکاو و دانائی، حرف می زند و دردها را می گوید و راه را نشان می دهد. حظ می کردند که حالا دیگر فلان پسر ارباب خان زاده یا فلان کارمند شهری نیست که بیاید و برای این دهاتی های زبان نفهم حرف بزند، بلکه خود این جوان دهاتی است که به حرکت انقلاب و در کوره مبارزه برای منافع مردم و میهن چنان پخته و آماده شده که به قول معروف یک تار مویش به صدها ارباب زاده می ارزد. دو سال پیش همین حسن درنیانی چیز دیگری بود و حالا به کلی چیز دیگری است. بی شمارند جوانان روستائی که چون او با

اجرای پیگیرتر و ...

انقلاب، تولدی تازه یافتند، رشد کردند و لیاقت خود را نشان دادند و خویشتن را آماده قبول مسئولیت‌های بزرگ ساخته‌اند. هن درنیانی درده خودش به عضویت شورا انتخاب شده و با جان و دل برای دهقانان کار می‌کند و همه خاطرش را می‌خواهند. راه درنیانی نمونه‌ای است از آن طرقي که شما می‌پرسید و سایر جوانان روستائی می‌توانند آن را دریابند و مادقانه در خدمت اهالی ده خود و منطقه خود باشند و صمیمانه برای رفع مشکلات آنان بکوشند و در روشن کردن آنها و سازمان دادن آنها هم‌ابتکار و شوق و ذوق جوانی خود را به کار بگیرند.

طرق کار و خدمت بی‌شمارند ولی گمان می‌کنم در حال حاضر در مسائل زمین، تولیدی، رفاهی و سازمانی بیش از هر چیز جوانان روستا باید فعالیت خود را متمرکز کنند. در مسئله زمین و از بین بردن بزرگ مالکی چه کارهای مهم و مؤثری که جوانان روستائی می‌توانند انجام دهند. آنها هستند که همه جا جلومی‌افتند و در همه اشکال نبرد تاریخی دهقانان پیش‌قدم می‌شوند. هر قدر آنها به حل این مسئله کلیدی بیشتر کمک کنند و ابتکارات مشخص (یعنی مربوط به خود محل و مطابق با شرایط املاک منطقه) را پیدا کرده و به کار ببندند، بیشتر در جهت این هدف انقلاب قرار خواهند داشت. کشور ما در نبرد با امپریالیسم آمریکا این شیطان بزرگ که حالا با قطع رابطه سیاسی ما را به تجا و زنظامی و محاصره اقتصادی تهدید می‌کند باید پیش از پیش به تولید داخلی متکی شود و خودکفائی را تا آنجا که ممکن است تأمین نماید. یک رشته حساس و حیاتی، تولیدات کشاورزی است که پای اقتصاد ما در این رشته به سختی می‌لنگد و آمریکای جهانخواهر هم‌گلوئی ما را در همین جا می‌خواهد بگیرد و فشار دهد. خدمت به ازدیاد تولید زراعی و دامی خدمت به هدف انقلاب است، احیای اقتصاد کشاورزی سالم و مستقل خدمت به هدف انقلاب است. جوانان روستائی کوشش در این جهت و برای جلب کمک‌های لازم

اجرای پیگیرتر و ...

دولتی از نظروسایل کارکشت وتولید بیشترروی زمین هائی که متعلق به خود آنها باشد، طریق دیگری است که جوانان روستائی را در جهت هدف های انقلاب قرار می دهد.

انقلاب ما باید برای توده های محروم و ستمدیده، رفاه و زندگی بهتری به ارمغان آورد. فعالیت صمیمانه جوانان روستائی در زمینه های رفاهی و بهسازی روستاها و جلب همکاری موسسات و نهادهائی که در این زمینه وظایفی دارند، امری است در جهت اهداف انقلاب. با کوشش خود دهقانان جوان و تقویت حس همکاری و اشتراک مساعی و با تکیه به شورتحرك بخش و نیروآفرین آنها باید گام های جدی در این زمینه برداشت. سایر دهقانان زن و مرد نه تنها به دنبال دهقانان جوان به حرکت خواهند آمد، بلکه آنها را شایسته اعتماد و احترام خواهند دانست. و این خود اهم مهمی است برای فعالیت های جوانان انقلابی ده.

سالهای سال رژیم های طاغوتی گذشته می گویدند دهقانان را به انبوه بی شکل و در نتیجه بی اثری مبدل سازند و بین آنها درگیری دائمی و اختلاف و زدو خورد ایجاد کنند. انقلاب مانع از دارد که این میلیونها زحمتکش متشکل شوند، سازمان یابند، و به یک نیروی مهم و موثر اجتماعی بدل گردند و اتحاد و یگانگی بین خود ایجاد کنند. دهقانان جوان در این زمینه نیز وظیفه و نقش حساسی دارند. تشکل و سازمان امر بسیار مهم انقلابی است. جوانان دهقان تا کنون در شورا های ده تجاری بدست آورده اند و اکنون در تشکیلات کمیته های دهقانان بی زمین و کم زمین نیز و هم چنین در سایر اشکال سازمانی نظیر اتحادیه های دهقانی و تعاونی ها می توانند تا شریک بسیار عمیق و کارساز به جای گذارند. این هم طریق دیگری است برای خدمت به انقلاب و هدف های آن. اگرچه از حیثه سؤال شما بیرون است ولی بی مناسبت نیست یادآوری کنم که سایر جوانان و جوانان غیر روستائی نیز در راه انجام این هدف های

اجرای پیگیرتر و ...

انقلابی باید خود را موظف بدانند. مسائل ارضی و روستائی از مهم‌ترین مسائل انقلاب ما و کشور ما است و کار در بین روستائیان از اولویت ویژه‌ای برخوردار است. دهقانان ما متاسفانه امکان سواد آموزی، اغلب نیافته‌اند و از تکامل فرهنگی عقب‌نگه داشته‌شده‌اند. جوانان غیر روستائی بویژه آنها که از نظر خانوادگی یا شغلی ارتباطی با دهات ندارند باید فعالانه به دهقانان کمک‌کنند و آنها نیز نیروی خود را از همین طرق در خدمت انقلاب ما و اهداف آن قرار دهند.

وظیفه انقلابی‌طبقاتی، ملی و انسانی همه جوانان است که به مسائل روستا توجه درخور را بنمایند. اگر این محاسبه توانسته باشد به انجام این وظیفه و جلب نسل پرشور و بالغ جوان ما به این مسائل کمکی کرده باشد می‌توان طولانی شدن پاسخ‌ها را بر من بخشید و گرنه پوزش مرا بپذیرید ولی به دنبال خود مسائل و وظایف بروید!

